





# توسعه اقتصادی هرات

بررسی زمینه‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی



## شناسنامه‌ی کتاب:

عنوان: توسعه‌ی اقتصادی هرات

کاری از گروه تحقیق شورای متخصصان هرات

طرح جلد: علی موسوی

چاپ: ستاره نقره‌ای - ۰۴۰۲۲۳۲۳۱۰

سال چاپ: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد



## بنام خدا (ج)

### پیام شورای متخصصان

توسعه اقتصادی به معنی پیشرفت اقتصادی بیانگر افزایش سطح رفاه اقتصادی جوامع بشری است، که در نتیجه آن افزایش درآمد سرانه واقعی، تحقق می‌یابد و این حرکت گامی است به سوی از میان برداشتن فقر و پیشرفت در جهت تأمین رفاه عمومی اقتصادی.

شورای متخصصان از ابتدای تأسیس، همیشه در پی جستجوی راه‌هایی بوده و هست، تا مشکلات جدی اقتصادی که در شرایط فعلی به آن روبرو هستیم، مرفوع گردد.

اگر ما بتوانیم جواب سوال‌های اساسی اقتصاد را که: چه کالاهایی باید تولید شود و به چه مقدار؟ کالاها چگونه باید تولید شود؟ و کالاها باید برای چه افرادی تولید شود؟ دریابیم، قدم بزرگی در راه رشد و توسعه اقتصادی کشور خود بر خواهیم داشت.

بر همین اساس ما علاقمند هستیم تا طرح‌هایی در سطح ملی با اتکاء به ظرفیت تخصصی خویش ارائه بداریم، ولی نظر به محدودیت امکانات، فعلاً به منظور تسریع رشد اقتصادی، تحقیق علمی تخصصی را به منظور بررسی زمینه‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی انجام داده‌ایم که نتایج آن را ضمن این مجموعه ارائه می‌داریم.

ما در این تحقیق تلاش ورزیدیم تا ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی را در سکتورهای صنعت، خدمات و زراعت تشخیص و تثبیت نموده و با معرفی زمینه‌های سرمایه‌گذاری، توجه مسئولین نظام، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جلب، و امکانات تبدیل شدن ظرفیت‌های بالقوه را به سرمایه‌گذاری‌های بالفعل مساعد سازیم.

ما یکی از اساسی‌ترین راه‌های پایان دادن به رنج و آلام ملت خویش، و تأمین ثبات و امنیت را، ایجاد شغل مناسب، بالا بردن قدرت خرید و رفاه اقتصادی همه خانواده‌های افغان

می دانیم که با پایان بخشیدن به دایره خبیثه فقر، از طریق تحقیقات علمی و تطبیق عملی نتایج بدست آمده انشاءالله موفق خواهیم شد.

این تحقیق ارزشمند توسط اساتید گرامی مان استاد نصیر احمد فرهمند ماستر اقتصاد، استاد علی احمد کاوه ماستر جامعه شناسی، استاد عبدالقیوم قائم ماستر اقتصاد، استاد عبدالستار فاضلی دوکتورا در زراعت، استاد محمد عثمان عادل ماستر اقتصاد، طی مدت ۹ ماه با روش های علمی نوین انجام یافته است که از ایشان بخاطر این کار با ارزش قلباً اظهار سپاس و امتنان می نمائیم.

همچنان از همه اساتید محترم دانشگاه / پوهنتون های دولتی و خصوصی، مؤسسات تحصیلات عالی، سرمایه گذاران عزیز، صنعتگران گرامی، صاحب نظران عرصه صنعت، خدمات و زراعت که در ارائه پاسخ به سوالنامه های مان با کمال محبت و علاقمندی همکاری صادقانه نموده اند، تشکر و قدردانی بی پایان می نمائیم و از ایزد منان برایشان موفقیت و سرفرازی آرزو داریم.

ما مصمم هستیم تا همچنان با تداوم کارهای تحقیقی در عرصه های مختلف حیات اجتماعی- سیاسی و اقتصادی جامعه در پهلوی رفع مشکلات عدیده که جامعه ما با آن روبروست، فرهنگ و اصول تحقیقات علمی را به شکل گروهی و کاملاً تخصصی نهادینه سازیم، تا با ارائه نظریات کاملاً افغانی بتوانیم ضمن تقویت هر چه بیشتر اعتماد به نفس محققان مان، همراه آنانی باشیم که صادقانه در پی راه حل های اساسی برای حل مشکلات عدیده خانه مشترک مان افغانستان عزیز هستند.



## فهرست

- ۱ کلیات تحقیق.....
- ۱ بیان مسأله.....
- ۱۰ ضرورت و اهداف تحقیق.....
- ۱۱ روش تحقیق.....
- ۱۵ بخش اول.....
- ۱۵ نگاهی به سکتورهای صنعت، خدمات، زراعت.....
- ۱۵ سکتور صنعت.....
- ۱۶ رشد اقتصادی.....
- ۱۷ توسعه اقتصادی.....
- ۱۷ شاخص‌های توسعه اقتصادی.....
- ۱۹ تفاوت رشد و توسعه.....
- ۲۰ رشد اقتصادی مثبت چیست؟.....
- ۲۱ عوامل رشد اقتصادی.....
- ۲۳ آثار رشد اقتصادی.....
- ۲۴ رشد اقتصادی در افغانستان.....
- ۲۵ صنعت و توسعه اقتصادی.....
- ۲۷ سهم سکتور صنعت در تولید ناخالص:.....
- ۳۰ نقش دولت در توسعه اقتصادی:.....

- ۳۶..... نقش بخش خصوصی در توسعه اقتصادی
- ۳۸..... نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی
- ۳۹..... تعریف صنایع کوچک و متوسط
- ۴۲..... ویژگی‌های مورد نیاز استراتیژی توسعه صنعتی
- ۴۵..... سکتور خدمات
- ۴۷..... نقش سکتور خدمات در توسعه اقتصادی
- ۴۷..... سهم بخش خدمات در توسعه اقتصاد جهانی و اقتصاد افغانستان
- ۴۹..... چرا سهم بخش خدمات در اقتصاد رو به افزایش است؟
- ۵۰..... نقش سکتور خدمات در اشتغال‌زایی
- ۵۱..... بهره‌وری در سکتور خدمات
- ۵۳..... نگاهی گذرا به سکتور خدمات در افغانستان
- ۵۹..... زراعت
- ۵۹..... زراعت در افغانستان
- ۶۰..... جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان
- ۶۱..... ۱ - سهم اشتغال در هر بخش
- ۶۲..... ۲ - سهم در تولید ناخالص داخلی
- ۶۲..... ۳ - میزان سرمایه‌گذاری در هر بخش
- ۶۴..... ۴ - صادرات به تفکیک بخش‌ها
- ۶۵..... اهداف عمده این طرح عبارت است از:
- ۶۶..... نقش بخش زراعت در اقتصاد
- ۶۶..... تامین غذا:

۶۶	..... سهم زراعت در درآمد ملی:
۶۷	..... ارتباط با بازار:
۶۷	..... اشتغال:
۶۷	..... ایجاد توازن در بازار کار و سرمایه:
۶۸	..... دلایل اهمیت زراعت در توسعه اقتصادی
۶۸	..... مزیت نسبی طبیعی:
۶۸	..... عدم نیاز به تکنالوژی پیچیده و تخصص‌های ویژه :
۶۸	..... تامین نیازهای ضروری:
۶۸	..... ظرفیت‌های بالقوه :
۶۹	..... نیاز به سرمایه ارزی اندک :
۶۹	..... زمان بازگشت سرمایه :
۶۹	..... وظایف سکتور زراعت در توسعه اقتصادی:
۷۰	..... نقش بخش زراعت در توسعه اقتصادی:
۷۱	..... مدیریت و توسعه زمین‌های زمین زراعتی:
۷۱	..... راهکار های توسعه‌ی آب.....
۷۲	..... ارتباط توسعه‌ی کشاورزی و توسعه‌ی صنعتی
۷۴	..... بخش دوم.....
۷۴	..... یافته‌های تحقیق میدانی.....
۷۴	..... صنعت.....
۸۲	..... خدمات.....
۸۹	..... زراعت.....

۹۷.....	نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۰۲.....	پیشنهادها
۱۰۷.....	فهرست منابع
۱۱۱.....	Abstract

## کلیات تحقیق

### بیان مسأله

افغانستان بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و انکشافی داخلی و خارجی است، مشروط بر این که در قدم اول امنیت نسبی بر کشور حاکم باشد و مردم و سرمایه‌گذاران اعتمادی به آینده‌ی سیاسی-امنیتی کشور داشته باشند. البته این حداقل شرایط لازم برای سرمایه‌گذاری است. عوامل دیگری چون زیرساخت‌های لازم، نیروی کار ارزان و مناسب، تقاضا، پالیسی‌ها و قوانین شفاف در حمایت از سرمایه‌گذاران و زمینه‌ها و فاکتورهای مرتبط دیگر که برخی‌ها متأسفانه امروزه در کشور ما در وضعیت مناسبی قرار ندارند.

افغانستان که در زمان طالبان در بدترین وضعیت اقتصادی در تاریخ معاصر کشور قرار داشت، در اوایل قرن بیست و یکم و پس از سقوط آن رژیم و مهیا شدن زمینه‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و نیز کمک‌های بلاعوض جامعه‌ی جهانی، رشد اقتصادی چشم‌گیری را در مقایسه با قرن بیستم تجربه نمود. در پانزده سال گذشته، حدود ۱۰ میلیارد دالر در افغانستان سرمایه‌گذاری شده است و در بعضی سال‌ها به بیش از یک میلیارد دالر در سال هم رسیده است. از جایی که سرمایه‌گذاری اصلی‌ترین فاکتور رشد و توسعه‌ی اقتصادی یک کشور است، اقتصاددانان و سیاست‌مداران کشور معمولاً به فکر جذب سرمایه‌های خصوصی داخلی و خارجی برای افزایش سرمایه‌گذاری، بویژه در کشورهای رو به توسعه‌اند که خود زمینه‌ساز افزایش تولید ناخالص ملی کشور است.

طبق ماده‌ی دهم قانون اساسی افغانستان، «دولت سرمایه‌گذاری‌ها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن‌ها را تضمین می‌نماید.» در ماده‌ی سیزدهم نیز آمده است: «دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زنده‌گی

مردم و حمایت از فعالیت‌های پیشه‌وران، پروگرام‌های مؤثر را طرح و تطبیق می‌نماید.» به همین اساس، دولت افغانستان، قانون سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی خصوصی را به منظور تشویق و تقویت این سکتور اقتصادی ایجاد کرده که هدف این قانون، سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی، بسط بازار کار، افزایش درآمد ملی، ارتقاء استانداردهای زندگی و کمک به پروسه بازسازی کشور است.

دولت افغانستان به علاوه حمایت قانونی و ایجاد پالیسی‌های خاص حمایتی، اداره ویژه‌ای با نام اداره حمایت سرمایه‌گذاری افغانستان (آیسا) به هدف جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در افغانستان در سال ۱۳۸۲ ایجاد کرد. در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳، به دلیل نگرانی از کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و فرار سرمایه از کشور، دولت افغانستان در صدد ایجاد پالیسی ترغیب‌کننده سرمایه‌گذاری و ارائه بسته تشویقی برای سرمایه‌گذاران خصوصی برآمد. این بسته تشویقی برای سرمایه‌گذاری مشخصاً در پنج بخش صنعت، ساختمان، توسعه صادرات، زراعت و معادن متمرکز شد. بخش خدمات که بالاترین میزان سرمایه‌گذاری در کشور در آن صورت گرفته، به طور مستقیم شامل این بسته تشویقی نمی‌گردد. این پالیسی و بسته حمایتی و تشویقی فقط برای دو سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ و به هدف تشویق سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی و ایجاد اشتغال دوامدار برای مردم افغانستان تهیه شده بود. در این سند بعضی موانع عمده فرار سرمایه‌گذاری سکتور خصوصی شناسایی شده و در مقابل راه‌حل‌های مناسب برای تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشور معرفی و ارائه شده است. شماری از امتیازات و اقدامات تشویقی‌ای که در این سند درج گردیده دایمی بوده و عده‌ای نیز منحصر به سرمایه‌گذاری‌هایی است که در طی دو سال ۹۲ و ۹۳ صورت می‌گرفت. (سند پالیسی تشویق سرمایه‌گذاری در افغانستان، ۱۳۹۱)

ولایت هرات با داشتن زمینه‌های مناسب تجارت و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، همیشه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی در افغانستان مطرح بوده است. داشتن دو بندر فعال با کشورهای ایران و ترکمنستان؛ داشتن آب کافی در هریرود و رودهای دیگری که از بلندی‌های مرکز و حوزه غرب کشور سرچشمه می‌گیرند؛ زمین‌های هموار و حاصل‌خیز مناسب برای کشت

بسیاری از محصولات زراعتی اند؛ معادن مختلف، نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر، داشتن زیربنای سرمایه‌گذاری و ایجاد فابریکه مثل پارک صنعتی وسیع، برق صنعتی نیرومند و دسترسی آسان‌تر به مواد خام وارداتی و داخلی و دیگر زمینه‌ها، هرات را یکی از مناسب‌ترین شهرها برای سرمایه‌گذاری در کشور نموده است. با وجود این زمینه‌ها که باعث شد در اوایل دهه‌ی هشتاد، هرات خیلی سریع‌تر از شهرهای دیگر و حتی مرکز کشور، به عنوان قطب اقتصادی افغانستان شناخته شود و رشد سریع چشم‌گیری تجربه نماید. ولی پس از چند سال، در نتیجه‌ی خرابی وضعیت کشور و کاهش امید به آینده‌ی بهتر و حتی عوامل سیاسی باعث شد تا سرمایه‌گذاری در هرات کاهش یابد و شهرک صنعتی هرات که در آن صدها شرکت صنعتی فعال با هزاران کارمند و کارگر، فعال بودند رونق گذشته را از دست بدهد و حتی تعدادی از شرکت‌ها و کارخانه‌ها غیر فعال گردند و نتوانند به کار تولیدی خویش ادامه دهند.

سرمایه‌گذاری در هرات مثل شهرها و مناطق دیگر کشور محدود به پارک‌ها یا شهرک‌های صنعتی نبود و در پهلوی آن در حوزه‌ی معادن، زراعت، فارم‌های گاو‌داری و مرغ‌داری، صنایع دستی، سکتور خدمات و بخش‌های مختلف آن، در این چند سال سرمایه‌گذاری زیادی شده است که تعدادی همچنان رو به رونق است و تعدادی هم در نتیجه‌ی عوامل متعدد، توان رقابت با بازار و تولیدات وارداتی را نداشتند و به ناچار از خط تولید و فعالیت بازمانده‌اند. در بخش خدمات که بیشترین میزان سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده است میتوان از ایجاد صدها مکتب خصوصی، بیش از ۱۰ دانشگاه و مؤسسه‌ی تحصیلات عالی، چندین مؤسسه‌ی تعلیمات عالی و صدها مرکز آموزشی مختلف در بخش آموزش؛ ده‌ها شفاخانه و کلینیک خصوصی، ده‌ها مراکز نشراتی و چاپی، مراکز ارزیه‌ی خدمات انترنتی و مخابراتی و غیره نام برد که در این چند سال در هرات فعال بوده بخش زیادی از سرمایه و نیروی کار را جذب خود نمودند. در بخش زراعت، به علاوه‌ی هزاران هکتار زمین که در ولسوالی‌های مختلف هرات به کشت نبات پردرآمد زعفران اختصاص داد شده، ده‌ها نوع گیاه و نبات و میوه‌هایی که اهمیت استراتژیکی و ارزش سرمایه‌گذاری دارند مورد توجه سرمایه‌گذاران بوده روی آنهاپی که زمین و آب و هوای هرات مناسب دیده شده و بازار فروش و

صادراتش مهیاست، سرمایه‌گذاری شده است. در بخش مالداري هم در هرات در یک دهه‌ی اخیر ده‌ها فارم گاوداري و مرغ‌داری برای تولید لبنیات و تخم و گوشت مصرفی شروع به فعالیت نموده‌اند. این کارخانه‌ها، شرکت‌ها و فارم‌ها ده‌ها هزار نفر از شهروندان هرات و ولایات دیگر را مصروف به کار در بخش خصوصی نموده و وسیله‌ی کسب درآمد و معیشت هزاران خانواده‌ی افغان شده است و از خروج ملیون‌ها ارز به خارج از کشور برای وارد نمودن محصولاتى که می‌شود در داخل کشور تولید نموده جلوگیری نموده‌اند.

حجم بالای سرمایه‌گذاری در سکتورهای مختلف در چند سال اخیر در ولایت هرات به این معنا نیست که سرمایه‌گذاری در این ولایت و در کل در افغانستان خالی از ریسک و چالش است. امنیت همچنان بزرگترین چالش و مانع افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در سرتاسر افغانستان است که هرات هم از این قاعده استثنا نیست. سردرگمی سیاسی و نامعلوم بودن آینده‌ی کشور، فساد گسترده در نظام و چالش‌های مرتبط با آن و کاهش امید به آینده نزد شهروندان پس از امنیت به عنوان ریسک‌ها و چالش‌های مهم سرمایه‌گذاری قرار میگیرند. نبود بستر و زمینه‌های لازم فزیکى و تکنولوژیک در برخ زمینه‌ها همچنان چالش تخنیکى رشد سرمایه‌گذاری در کل کشور و از جمله هرات است. دمپینگ بازار و ورود کالاهای ارزان خارجی هم اغلب توان رقابت را از تولیدکنندگان داخلی گرفته و تولیدات داخلی را بیشتر محدود به محصولات انگشت‌شماری نموده است که یا مواد خام ارزان داخلی دارد یا هم هزینه انتقال و ترانسپورت شان بالاست. قوانین مالیاتی و سرمایه‌گذاری کشور هم باوجود تلاش برای ترغیب سرمایه‌گذاری به نظر میرسد چالش‌های زیادی برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرده است، و خود در مواردی مانع عمده‌ی افزایش سرمایه‌گذاری در سکتورهای مختلف در کشور شده است. پالیسی جدید تشویق سرمایه‌گذاری هم که دولت افغانستان برای ترغیب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ روی دست گرفت هم به نظر می‌رسد که نتوانست زیاد مفید واقع شود و حجم سرمایه‌گذاری را چندان افزایش دهد.



برای اراییه‌ی تصویر نسبتاً بهتری از وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور و ولایت هرات لازم است. نگاهی بیندازیم به آمار و حجم سرمایه‌گذاری در سکتورهای مختلف در این یک و نیم دهه‌ی اخیر. به دست دادن آمار دقیق از حجم سرمایه‌گذاری در هرات در این چند سال گذشته به سادگی ممکن نیست، به این دلیل که بیشترین آماری که در بسیاری از بخش‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری در کشور وجود دارد، در سطح ملی است. به همین دلیل، برای اراییه‌ی تصویری جامع‌تر از وضعیت سرمایه‌گذاری در هرات و در کل افغانستان، به ناچار، نظری کوتاه به آمار سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف در این یک و نیم دهه‌ی اخیر می‌اندازیم. آمار بیشتر از طرف بانک جهانی و اداره‌ی حمایت از سرمایه‌گذاری در افغانستان (آیسا) و اتاق‌ها تجارت و صنایع افغانستان می‌باشد.

از جایی که شاخص «رشد اقتصادی» مهمترین شاخص برآورد میزان رشد و بهبود اقتصادی یک کشور است، بهتر است نگاهی بیندازیم به نرخ رشد اقتصادی کشور در این چند سال تا تصویری بهتر از جایگاه اقتصادی افغانستان در یک و نیم دهه‌ی اخیر داشته باشیم. افغانستان به طور میان‌گین در ۱۰ سال اول پس از طالبان حدود ۰٫۸٪ رشد اقتصادی را تجربه کرده است. گرچه پس از سال ۲۰۱۴ و افزایش نسبی ناامنی و کاهش امید و اعتماد به آینده‌ی سیاسی کشور، حجم کمک‌های خارجی و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی به مراتب کاهش یافته‌ی قسمی که رشد اقتصادی از ۱٫۳ درصد در سال مالی ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) به ۰٫۸ درصد در ۱۳۹۵ (۲۰۱۶) کاهش یافته‌ی است که این رقم به مراتب کمتر از اوسط رشد سالانه‌ی ۹٫۴ درصد در جریان سالهای ۱۳۸۲-۱۳۹۱ می‌باشد. از جایی که اقتصاد کشور در این چند سال به طور مستقیم وابسته به کمک‌های جامعه‌ی جهانی به دولت و مردم افغانستان بوده است، کاهش این کمک‌ها در ۴ سال اخیر، باعث کاهش رشد اقتصادی و نیز سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص ملی شده است. مجموع کمک‌های بلاعوض، به شمول کمک‌های نظامی و ملکی و کمک‌های شامل بودجه و خارج بودجه‌ی جامعه‌ی جهانی به افغانستان از اوسط تخمینی ۱۲٫۵ میلیارد دالر میان سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ به حدود ۸٫۸ میلیارد دالر در سال ۲۰۱۵ افت نموده است. البته این تنها عامل کاهش رشد اقتصادی نبود، افزایش ناامنی، و کاهش امید به آینده‌ی سیاسی کشور و نیز تحولات

سیاسی داخلی و خارجی و حتا محیطی در این میان بی‌تأثیر نبوده است. در سال مالی ۱۳۹۴ کاهش رشد اقتصادی عمدتاً ناشی از افت تولیدات زراعتی بود. در طول همان سال، در اثر کاهش تولید غلات (که به میزان ۱۴,۲ درصد بود)، مجموع تولیدات زراعتی به اندازه ۵,۷ درصد کاهش داشت. تولید گندم آبی و للمی که در مجموع تقریباً ۸۰ درصد تمام محصولات غلات افغانستان را تشکیل می‌دهد، نیز به نسبت نبود بارندگی کافی کاهش نمود. (بانک جهانی، ۱۳۹۵)

با وجود پیشرفت‌های یک و نیم دهه اخیر در زمینه سرمایه‌گذاری در کشور، با در نظر داشت شاخص‌های سرمایه‌گذاری در جهان، افغانستان در ردیف پایین‌ترین کشورهای دنیا قرار دارد. بانک جهانی سالانه شاخص‌های سرمایه‌گذاری را در ۱۸۳ کشور جهان مورد تحقیق انجام می‌دهد. (رسولی: ۱۳۹۱) این گزارش روی ده شاخص عمده‌ی سرمایه‌گذاری تهیه می‌گردد که شامل آغاز تجارت، صدور جواز سرمایه‌گذاری، دسترسی به برق، دسترسی به قرضه، ثبت دارایی‌ها، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، صادرات و واردات، تطبیق قراردادهای و حل منازعات می‌شود. افغانستان نظر به این گزارش از نگاه دسترسی به برق در مقام ۱۰۴، از نگاه ثبت دارایی‌ها ۱۷۲، در شروع تجارت ۳۰، پرداخت مالیه ۶۳، صادرات و واردات ۱۷۹، تطبیق قراردادهای و حل منازعات ۱۶۱ و حمایت از سرمایه‌گذاران در ردیف ۱۸۳ در بین کشورهای جهان قرار دارد. (بانک جهانی، ۱۳۹۵)

در پانزده سال گذشته، بیشترین سرمایه‌گذاری در کشور در بخش ساختمان‌سازی و خدمات شده و کمترین سرمایه‌گذاری در بخش زراعت و مالداري صورت گرفته است، این در حالی است که بیشترین مردم افغانستان، بویژه در مناطق شهری در بخش زراعت و مالداري مصروف کار اند و معیشت‌شان را از این طریق به دست می‌آورند. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ میلادی روی کارهای ساختمانی نزدیک به ۳۸ درصد، سکتور خدمات (بانکداری، مخابرات و انترنت) ۳۰ درصد، در بخش صنایع تولیدی ۲۵ درصد و سرانجام در بخش زراعت ۷ درصد سرمایه‌گذاری‌ها صورت گرفته است. اگر به ارقام نگاه کنیم در این مدت شرکت‌های داخلی در بخش ساختمانی، یک میلیارد و

۵۰۳ میلیون دالر، در بخش خدمات بیشتر از یک میلیارد دالر، در بخش صنایع یک میلیارد و ۲۰۷ میلیون دالر و سرانجام در بخش زراعت بیشتر از ۹۱ میلیون دالر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. شرکت‌های خارجی، در بخش ساختمانی، بیشتر از ۶۴۲ میلیون دالر، در بخش خدمات بیشتر از ۷۰۲ میلیون دالر، در بخش صنایع بیشتر از ۱۶۶ میلیون دالر و سرانجام در بخش زراعت بیشتر از ۲۹۵ میلیون دالر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. (همان منبع: ۱۳۹۵)

در بخش خدمات، بیشترین سرمایه‌گذاری در سالهای نخست پس از طالبان در بخش مخابرات و ایجاد شرکت‌های خصوصی مخابراتی داخلی و خارجی شد و هنوز هم تقاضا برای خدمات مخابراتی و تکنالوژی‌معلوماتی در افغانستان در حال افزایش است. در حال حاضر ۸۸ درصد مردم به خدمات مخابراتی دسترسی دارند. نزدیک به ۱۸ میلیون نفر در کشور به این خدمات دسترسی دارند که توسط پنج شرکت افغان و خارجی ارائه می‌شوند. این شرکت‌ها به طور مستقیم و یا غیر مستقیم برای ۱۰۰ هزار نفر شغل ایجاد نموده‌اند. میزان سرمایه‌گذاری در این سکتور حدود ۲ میلیارد دالر می‌باشد. همچنان ۴۵ شرکت خدمات اینترنتی توانسته است زمینه دسترسی دو میلیون شهروند کشور را به این خدمات مهیا سازد. بخش دیگر سرمایه‌گذاری در سکتور خدمات مربوط به بانکداری است که هنوز رو به افزایش است. در حال حاضر حدود ۱۷ بانک خصوصی و دولتی در افغانستان فعالیت می‌کنند. خدمات ترانسپورتهی هوانوردی نیز حجم زیادی از سرمایه‌گذاری در سکتور خدمات را به خود اختصاص داده است. به علاوه شش شرکت بزرگ هوانوردی داخلی، ده‌ها شرکت بین‌المللی خارجی نیز در فضای افغانستان فعالیت دارند و خدمات ترانسپورتهی هوایی، بویژه در پروازهای خارجی ارایه می‌نمایند. در بخش خدمات صحتی، در حال حاضر بیش از ۳۰۰ شفاخانه دولتی و خصوصی و صدها کلینیک‌های صحتی، خدمات درمانی در کشور ارائه می‌نمایند. با وجود رشد چشمگیر کمی شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی و دولتی در همه بزرگ‌شهرها و شهرهای کوچک در این چند سال، به دلیل عدم ارائه و یا ارائه ضعیف خدمات صحتی باکیفیت سالانه بیش از ۷۰۰ میلیون دالر برای تداوی از کشور خارج می‌شود و بیشتر به هندوستان، پاکستان و یا ایران و کشورهای دیگر به مصرف می‌رسد. (اتاق تجارت و صنایع افغانستان، بی‌تا)

سکتور آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی نیز در این چند سال رشد چشمگیری داشته است. در پانزده سال اخیر، به علاوه رشد کمی سریع مکتب‌ها و مؤسسات تعلیمات و تحصیلات عالی و دانشگاه‌های دولتی، در بخش خصوصی هم سرمایه‌گذاری زیادی در این بخش صورت گرفته است. امروزه بیش از ۱۰۰۰ مکتب خصوصی و نزدیک به ۱۵۰ مؤسسه تحصیلات عالی و دانشگاه برای صدها هزار شهروند خدمات آموزشی ارائه می‌کنند.

با وجود رشد چشم‌گیر سکتور خدمات در ۱۵ سال اخیر، در دو سال گذشته، این سکتور هم در نتیجه کاهش عمومی سرمایه‌گذاری در کشور رشد منفی را تجربه نموده است و از ۲,۲ درصد در سال مالی ۱۳۹۳ به ۱,۶ درصد در سال مالی ۱۳۹۴ کاهش یافته است. سکتورهای خدماتی به طور اجمالی ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. (بانک جهانی، ۱۳۹۵)

افغانستان در کل یک کشور مصرفی است و بیشترین نیازمندی‌های داخلی کشور از خارج وارد می‌گردد. در ساحتی هم که در این چند سال سرمایه‌گذاری شده و کارخانه‌های تولیدی به فعالیت آغاز نموده، تولیدات داخلی کفاف نیازمندی‌ها را پوره کرده نمی‌تواند و باز هم صادرات پاسخ‌دهنده این نیاز است. افغانستان بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ حدود سه و نیم میلیارد دلار صادرات و حدود ۳۳ میلیارد دلار واردات داشته است. اکنون تنها حدود شش درصد تمام تجارت این کشور را صادرات تشکیل می‌دهد. از مجموع سرمایه‌گذاری‌ها در این یک و نیم دهه اخیر، تنها ۱۴ درصد آن در بخش صنعت بوده است. سکتور صنعت هم با وجود رشد ابتدایی اولیه در دهه هشتاد، در نیمه اول دهه نود رشد منفی را تجربه نموده است. سطح پائین سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران بالقوه ممکن تصامیم سرمایه‌گذاری‌شان را در نتیجه فضای نامعلوم سیاسی و شرایط بازار به تأخیر بیندازند. در سال اخیر، پس از ایجاد دولت وحدت ملی و معلوم شدن فضای سیاسی، کمی وضعیت بهبود یافت و سکتور صنایع در جریان سال ۱۳۹۴ توسعه یافت، طوری که رشد این سکتور از ۲,۴ درصد در سال ۱۳۹۳ به ۴,۱ درصد در سال ۱۳۹۵ بلند رفته است. (همان منبع، ۱۳۹۵)

افغانستان یک کشور زراعتی است و اکثر جمعیت آن زراعت‌پیشه و دامدار هستند؛ اما در پانزده سال گذشته فقط بین ۵-۷ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در بخش زراعت بوده است. افغانستان در سکتور زراعت دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ی فراوان است. نیروی کار فعال در قریه‌جات، آب فراوان و خاک حاصل‌خیز فاکتورهایی هستند که می‌توانند باعث جذب سرمایه‌گذاری در این سکتور شوند، که این فاکتورها در کشور به وفور یافت می‌شود. با توجه به افزایش تقاضای محصولات زراعتی اورگانیک در جهان، تقاضا برای محصولات افغانی مخصوصاً میوه تازه و خشک روزبه‌روز در حال افزایش است. علاوه‌تاً رشد زراعت می‌تواند مستقیم و یا غیر مستقیم سبب ایجاد هزاران فرصت شغلی دیگر شود. ایجاد فارم‌های زراعتی جدید، راه‌اندازی پروژه‌های زراعتی برای مهار و انتقال آب، ایجاد سردخانه‌ها و نگهداری مواد غذایی، پروسس مواد غذایی و بسته‌بندی آنها می‌توانند صدها هزار نفر را به کار اندازند. بازدهی طولی‌المدت سرمایه‌گذاری در این عرصه، دلیل مهم این سرمایه‌گذاری اندک خوانده می‌شود. تولید در این بخش نیز در سالهای اخیر سیر نزولی داشته است.

در این یک و نیم دهه اخیر، از مجموع سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در کشور، حدود ۱۴ درصد در بخش ساختمان‌سازی صورت گرفته است. دلیل این حجم بالای سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان‌سازی، نبود زیرساخت‌های مورد نیاز در این بخش و نیاز به سرمایه‌گذاری برای ساخت زیربنایی مثل سرک‌ها، بندها، ساختمان‌های اداری و رهائشی، مکتب‌ها و دانشگاه‌ها و بقیه زیربنای ساختمانی است.

در کل، در نتیجه رشد کم اقتصادی و اوضاع رو به وخامت امنیتی در این چند سال اخیر، بویژه نیمه اول دهه نود، درحال حاضر به تعداد ۱,۳ میلیون نفر نسبت به سال ۱۳۹۳ به جمعیت تحت فقر اضافه شده اند. در سال ۱۳۹۲ نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کردند که قادر به رفع نیازمندی‌های اولیه غذایی و سایر احتیاجات غیرغذایی‌شان نبودند. این رقم در سالهای ۱۳۹۰ به ۳۶ درصد میرسید. از جایی که بیشترین جمعیت کشور

در ساحات روستایی زندگی دارند و سرمایه‌گذاری در مناطق برون‌شهری و سکتور زراعت و مالداری بسیار پایین بوده، شدت فقر و بیکاری در آن ساحات بیشتر محسوس است. در سال ۱۳۹۲، نرخ بیکاری ۲۲٫۶ درصد بود. بیکاری بیشتر در میان گروه‌هایی است که دارای مهارت پائین‌اند. رشد محدود و فشارهای مداوم جمعیتی وضعیت بیکاری افغانان را بدتر ساخته است. با در نظر داشت رشد ۳ درصدی سالانه جمعیت، و تخمین ورود ۴۰۰ هزار افغان هر سال در بازار کار، نیاز به رشد هرچه بیشتر اقتصادی بوده تا بتواند درآمد سرانه افراد را بهبود بخشیده فرصت‌های مناسب کاری را برای نیروی کار رو به رشد به میان آورد. (همان منبع، ۱۳۹۵)

## ضرورت و اهداف تحقیق

این تحقیق در حالی صورت می‌گیرد که هرات و در کل افغانستان بیش از هر زمان دیگر نیازمند توجه به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای افزایش عواید داخلی و رشد اقتصادی و ایجاد زمینه‌های اشتغال برای جوانان و کارگران است. دولت افغانستان باید تلاش بیشتری نماید تا نه تنها دستاوردهای چند سال اخیر را حفظ کند بلکه باید نرخ رشد اقتصادی کشور را بالا ببرد تا بتواند از فرار نیروی کار و سرمایه از کشور جلوگیری نماید و امید به آینده کشور را در نزد شهروندان بهتر کند. حکومت محلی هرات و سرمایه‌گذاران در این ولایت استراتژیژیک و اقتصادی افغانستان نیز باید در صدد شناسایی چالش‌های فراروی سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و نیز راه‌های افزایش سرمایه‌گذاری در سکتورهای مختلف در این ولایت باشند. بدون شک، نخستین قدم در راستای چنین هدفی انجام تحقیق علمی برای شناسایی زمینه‌ها و بسترهای مناسب سرمایه‌گذاری و نیز چالش‌های احتمالی فراروی آن و نیز ارایه راه‌حل‌های مناسب جهت کاهش و کنترل آنهاست. این تحقیق برای پاسخ‌گویی به همین نیاز و ارایه پاسخ‌های مناسب برای پرسش‌های مطرح در این زمینه راه‌اندازی شده است.

این تحقیق به هدف شناسایی و معرفی بسترها و زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری در سکتورهای صنایع کوچک، خدمات و زراعت طراحی و راه‌اندازی شده است. هدف اصلی و اهداف فرعی این تحقیق را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

### هدف اصلی تحقیق:

- شناسایی و معرفی بسترهای مناسب سرمایه‌گذاری در ولایت هرات.

### اهداف فرعی:

- شناسایی و معرفی سودآورترین صنایع موجود در ولایت هرات و صنایع بالقوه سودآور برای سرمایه‌گذاری؛
- شناسایی و معرفی حوزه‌های سودآور موجود و بالقوه در سکتور خدمات در ولایت هرات؛
- شناسایی و معرفی نباتات و میوه‌های استراتژیژیک و سودآور مناسب محیط طبیعی و جغرافیایی هرات؛
- شناسایی مهمترین چالش‌های فراروی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران در ولایت هرات.

### روش تحقیق

در تحقیق بسترهای مناسب سرمایه‌گذاری در شهر هرات با توجه به هدف تحقیق و نیز طبیعت تحقیق و داده‌های مورد نیاز، از روش تحقیق کیفی و تکنیک دلفی استفاده شده است. دلیل انتخاب روش دلفی برای گردآوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق بیشتر مناسب بودن این روش برای تحقیق‌های کیفی آینده‌نگر است، بویژه وقتی که جامعه و نمونه آماری را متخصصان تشکیل داده باشند. از جایی که هدف این تحقیق شناسایی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در هرات است و

مناسب‌ترین گروه مورد مطالعه، متخصصان حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری و نیز متشبهان و دست‌اندرکاران بازار و سرمایه‌گذاران بودند، روش دلفی چند مرحله‌ای برای این تحقیق مناسب دانسته شد و انتخاب گردید.

روش دلفی یکی از روش‌های کیفی برای کسب دانش گروهی است که فرایندی است که دارای ساختار پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در طی راندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت، اجماع گروهی (Kennedy; ۲۰۰۴). در حالی که اکثر پیمایش‌ها سعی در پاسخ به سؤال «چه هست؟» دارند، دلفی به سؤال «چه می‌تواند/ چه باید باشد؟» پاسخ می‌دهد. از جایی که هدف این تحقیق بیشتر نوعی آینده‌پژوهی است تا توصیف وضع موجود، تکنیک دلفی مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری داده به نظر رسید.

هدف اصلی استفاده از روش دلفی، پیش‌بینی آینده است؛ اما در زمینه‌های تصمیم‌گیری و افزایش اثربخشی آن، قضاوت، تسهیل حل مسأله، نیازسنجی، هدف‌گذاری، کمک به برنامه‌ریزی، تعیین اولویت، پیش‌بینی آینده، خلاقیت، سازمان‌دهی ارتباطات گروهی، جمع‌آوری گروهی اطلاعات، آموزش گروه پاسخ‌دهنده، تعیین سیاست‌ها، تخصیص منابع و اجماع یا توافق گروهی نیز به کار می‌رود. (احمدی و دیگران؛ ۱۳۸۸)

مهم‌ترین شرایط مورد نیاز برای کاربرد دلفی عبارت‌اند از نیاز به قضاوت متخصصان و نظرات گروه وسیع، توافق گروهی در دستیابی به نتایج، وجود مشکل پیچیده، بزرگ و بین رشته‌ای و عدم توافق یا ناکامل بودن دانش، در دسترس بودن متخصصان باتجربه و متخصص، از نظر جغرافیایی پراکنده، لزوم گمنامی در جمع‌آوری داده‌ها، عدم محدودیت زمانی و عدم وجود روش هزینه-اثربخش دیگری است. (Powel; ۲۰۰۳)

در روش دلفی، معمولاً از چند راوند یا دور استفاده می‌گردد که متناسب به موضوع تحقیق و هدف محقق، تعداد دوره‌هایی که به سراغ پاسخگویان باید رفت مشخص می‌گردد. قرار اولیه بر این بود که در این تحقیق هم از سه راوند معمول که در بسیاری از تحقیق‌های دلفی استفاده می‌گردد، و از مصاحبه کاملاً باز شروع و به پرسشنامه‌های ساختاریافته برای اولویت‌بندی ختم



میشود، استفاده گردد؛ ولی به دلیل تنگی زمان و مشکلات پاسخ‌دهی و جمع‌آوری داده‌ها، تصمیم بر آن شد تا تحقیق در دو راوند صورت گیرد.

در آغاز، تحقیق با مطالعات اکتشافی حول مسأله سرمایه‌گذاری، حوزه‌ها و چالش‌های آن در هرات آغاز شد. در مطالعه اکتشافی از مطالعه گزارش‌ها، کتاب‌ها و منابع چاپی دیگر سود برده شد. به‌علاوه، با استفاده از مصاحبه‌های باز با تعدادی از دست‌اندرکاران حوزه سرمایه‌گذاری و متخصصان رشته، سوال‌های پرسشنامه دور اول ساخته شد. از جایی که تحقیق متمرکز بر سه حوزه جداگانه مرتبط به هم بود (صنایع کوچک، خدمات و زراعت)، سه پرسشنامه جداگانه با سوال‌های باز تا اندازه‌ای شبیه به هم تهیه گردید تا بین سه گروه از متخصصان و متشبثان سرمایه‌گذاران برای نظرخواهی توزیع گردد. به این منظور، لیست سه گروه از متخصصان در سه حوزه مربوط تحقیق از بین دو قشر انتخاب گردید. قشر اول، استادان دانشگاه و متخصصان رشته اقتصاد و زراعت بودند تا از نگاه اکادمیک و تخصصی به موضوع نظر اندازند؛ گروه دوم سرمایه‌گذاران و متشبثان و دست‌اندرکاران حوزه سرمایه‌گذاری در هرات بودند که در سه بخش تحقیق تجربه عملی سرمایه‌گذاری و کار چندین ساله داشته‌اند.

بر اساس منطق تحقیق کیفی و دلفی، پرسشنامه‌ها با سوال‌های باز بین حدود ۶۰ پاسخگو (حداقل ۲۰ نفر در هر گروه) توزیع گردید. از جایی که در تحقیق کیفی مقصد از نمونه‌گیری بیشتر رسیدن به نوعی اشباع نظری تا تکمیل نمودن تعداد نمونه و نمایا بودن است (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۵)، در این تحقیق هم بر اساس همین منطق عمل شد. هر سوال‌نامه با حدود ۸ تا ۱۰ پرسش باز طراحی شده بود تا پاسخ‌دهنده‌گان نظرات و دیدگاه‌های خود را مرتبط با موضوع شریک سازند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های دور اول، آنهایی که در بر گیرنده اطلاعات کامل و مرتبط بودند انتخاب شدند و داده‌های سوال‌نامه‌ها از طریق کدگذاری و قطعه‌بندی برای تجزیه و تحلیل آماده گردید. پس از تحلیل داده‌های دور اول، پرسشنامه دور دوم به جهت اولویت‌بندی گزینه‌ها توسط

پاسخ‌گویان تهیه شد. پرسشنامه‌ی دور دوم که ساختاریافته و بسته تهیه شده بود، در صدد اولویت‌بندی داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ی دور اول بود که توسط خود پاسخ‌دهنده‌های دور اول تحقیق صورت گرفت. در دور دوم هم بیش از ۵۰ پرسشنامه بین شرکت‌کنندگان دور اول توزیع شد تا پاسخ‌دهندگان، با مرور جمع‌بندی دیدگاه‌های دور اول، اقدام به اولویت‌بندی زمینه‌ها و حوزه‌های سرمایه‌گذاری و چالش‌ها و راه‌حل‌های مطرح شده در دور اول بپردازند. داده‌های به دست آمده از تحلیل پرسشنامه‌های دور دوم با استفاده از روش‌های تحلیل داده‌های کمی درجه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته و با اعداد و نمودارها نمایش داده شد.

## بخش اول

### نگاهی به سکتورهای صنعت، خدمات، زراعت

#### سکتور صنعت

واژهٔ صنعت از ریشهٔ صن (عربی) به معنی ساختن یا آفریدن، گرفته شده است، معنی لغوی آن در فرهنگ معین، فن و پیشه، در فرهنگ عمید به معنی تکنیک، حرفه، ساختن، صنعت، فن و هنر و در فرهنگ دهخدا هم به مفهوم پیشه و هنر آمده است. در زبان انگلیسی معادل واژهٔ صنعت، واژهٔ Industry استفاده گردیده، که از واژهٔ لاتین Industria به معنی تجارت یا ساختن گرفته شده است.

مایکل پورتر، در تعریف صنعت میگوید: "صنعت، عبارتست از گروه شرکت‌هایی که فرآورده‌های آنها جایگزین نزدیکی برای هم می‌باشند" (پورتر، ۱۳۸۴: ۴۳). صنعت مجموعه‌ای است از فعالیت‌هایی که با استفاده از منابع موجود (مواد، سرمایه، نیروی انسانی، انرژی، تکنولوژی، اطلاعات، ابزار) کالا یا خدماتی را تولید می‌کند که نیازهای انسان و جوامع انسانی را برطرف می‌کند، در واقع تلاش مستمر در جهت بهبود کارایی و بهره‌وری است، به این معنا که با استفاده از منابع کمتر، بازده بهتری به دست دهد. از این جهت، پویایی، نوسازی و نوجویی یکی از ویژه‌گی‌های صنعت است.

در دانشنامه مالی<sup>۱</sup> صنعت طبقه‌بندی گروهی از شرکت‌ها که از لحاظ فعالیت اصلی کسب‌وکارشان با یکدیگر شباهت دارند تعریف شده، و آمده است که در اقتصادهای پیشرفته و مدرن صنایع مختلفی وجود دارد و صناعی که به یکدیگر مرتبط هستند در دسته‌بندی دیگری به نام بخش (sector) قرار می‌گیرند. شرکت‌ها معمولاً بر اساس فعالیت اصلی که انجام می‌دهند

<sup>۱</sup> <https://modiremali.com/>

در یک صنعت خاص دسته‌بندی می‌شوند، این فعالیت اصلی معمولاً بر اساس بزرگ‌ترین منبع درآمدشان تعیین می‌شود. برای مثال شرکتی که محصولات اصلی آن مواد پتروشیمی است ولی یک بخش کوچک سرمایه‌گذاری هم در کنار فعالیت اصلی خود ایجاد کرده و دارای مفاد ده درصدی در شرکت مادر است، در صنعت شیمیایی قرار می‌گیرد.

## رشد اقتصادی

رشد اقتصادی عبارت از افزایش تولیدات یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه است. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد بحث به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود. علت این که برای محاسبه رشد اقتصادی، از قیمت‌های سال پایه استفاده می‌شود آن است که افزایش محاسبه شده در تولید ناخالص ملی، ناشی از افزایش میزان تولیدات باشد و تأثیر افزایش قیمت‌ها (تورم) حذف گردد.

محمود روزبهان معتقد است که رشد اقتصادی را باید در بلند مدت مورد بررسی قرار داد. وی می‌گوید: "رشد اقتصادی یک کشور عبارت است از افزایش تولید ملی واقعی سرانه‌ی آن کشور در طول یک دوره بلند مدت" (روزبهان، ۱۳۸۸: ۹). در رشد اقتصادی متغیرها صرف از نظر کمی مدنظر است، لذا رشد، تغییرات کیفی را بیان نمی‌کند.

کوزنتس<sup>۲</sup> می‌گوید: "رشد اقتصادی عبارت از افزایش بلند مدت ظرفیت تولید، به منظور افزایش عرضه‌ی کل جهت تأمین نیازهای جمعیت است. این افزایش، بستگی به ترقی‌ات نوین فنی و تطبیق آن با شرایط نهادی و ایدئولوژیک مورد تقاضای آن دارد" او برای رشد اقتصادی، شش خصوصیت را برمی‌شمارد: رشد سریع تولید ناخالص سرانه ملی و جمعیت، افزایش بازدهی و بهره‌وری، نرخ زیاد تغییرات زیربنایی، شهرنشینی، گسترش برون‌مرزی فعالیت‌های اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و جریان‌های بین‌المللی کار، کالا و سرمایه (قره‌باغیان، ۱۳۹۰: ۹۶).

<sup>۲</sup> (Simon Kuznets: ۱۹۰۱-۱۹۸۵)

## توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی فرایندی است که در آن یک رشته تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می پیوندد. (روزبهان، ۱۳۸۸: ۱۰)

در توسعه اقتصادی متغیرها از نظر کیفی مدنظر است، لذا توسعه در واقع تغییرات کیفی یک جامعه را بیان می کند که تظاهر آن می تواند در رشد تبلور یابد. به این ترتیب توسعه اقتصادی عبارت است از تغییرات کیفی در ساختار اقتصاد یک جامعه و آن دسته از تغییرات بنیادی که بر تولید ناخالص ملی اثر می گذارد. در توسعه اقتصادی، رشد با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی همراه است. در پهلوی رشد کمی تولید، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش ها تغییر خواهد کرد، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهادها نیز در فرآیند تولید تغییر می کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است)، که هیچ محدودیتی ندارد.

توسعه اقتصادی عبارت است از روندی که طی آن تولید واقعی یک کشور در یک دوره طولانی مدت از طریق افزایش بازدهی سرانه افزایش پیدا میکند. (محتشم دولتشاهی، ۱۳۸۸: ۳۵۰)

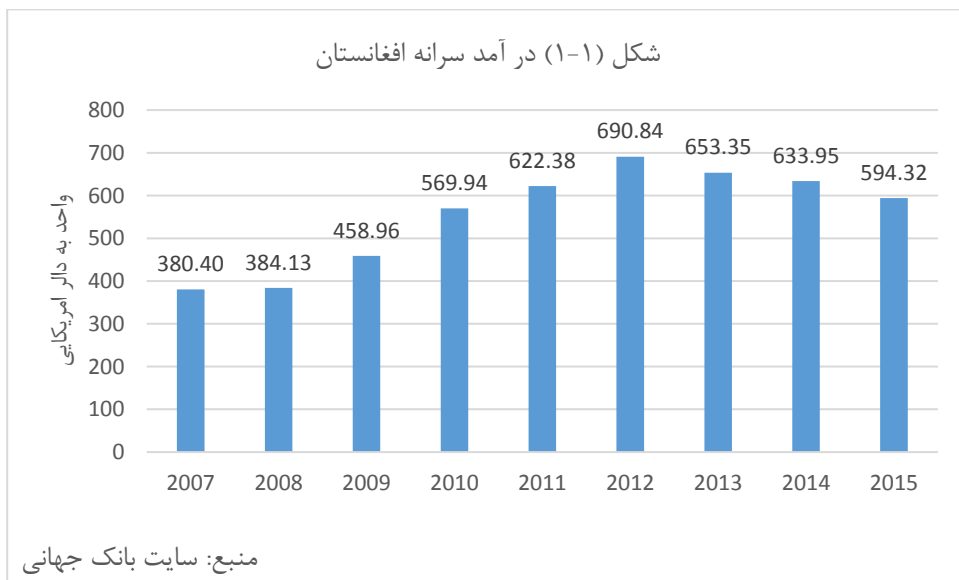
## شاخص های توسعه اقتصادی

از جمله شاخص های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی می توان این موارد را برشمرد:

الف. شاخص درآمد سرانه: درآمد سرانه از تقسیم نمودن تولید ناخالص داخلی بر نفوس یک کشور بدست می آید و از جمله شاخص های رشد اقتصادی به شمار میرود. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشور های مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه ی کشورهای پیشرفته مقایسه

می‌شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دالر در سال نشانگر توسعه‌یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دالر.

درآمد سرانه افغانستان با پیروی از تولید ناخالص ملی نیز طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۲ سیر صعودی را پیموده و از ۳۸۰ دالر در سال ۲۰۱۱ به بالای ۶۹۰ دالر در سال ۲۰۱۵ رسیده است، ولی در طی سه سال ما بعد، با حدود صد دالر کاهش، در سال ۲۰۱۵ به ۵۹۴ دالر تنزیل یافته است. این مطلب در شکل (۱-۱) به وضوح مشاهده می‌گردد.



ب. شاخص برابری قدرت خرید: از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاها مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه‌ی آنان محاسبه می‌گردد.

ج. شاخص درآمد پایدار: کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه‌ی پایدار" به جای "توسعه‌ی اقتصادی"، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در

این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌گردد، نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید.

د. شاخص‌های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک‌گراناهان (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد.

و. شاخص توسعه انسانی: این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید، که براساس آن، این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه‌ی واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مکتب رفتن افراد است).

## تفاوت رشد و توسعه

در بسیاری از موارد دو لغت رشد و توسعه به یک مفهوم بکار برده میشوند. رشد درآمد سرانه، بطور کلی به معنی افزایش سطح زندگی مردم است، ولی لزومی ندارد که رشد و توسعه یک مفهوم داشته باشند. (سابراتاگتاک، ۱۳۸۰: ۱۲)

رشد اقتصادی عبارت از افزایش تولید و درآمد ملی در یک مدت زمان کوتاه مثلاً یک سال است، در حالی که توسعه اقتصادی نه تنها به معنی افزایش تولید و درآمد ملی در دراز مدت است، بلکه تغییراتی از قبیل تغییر در ساختار تولیدات، تغییر در تکنولوژی تولید و تغییر در طرز فکر اجتماعی و فرهنگی جامعه را نیز در بر می‌گیرد. (محتشم دولتشاهی، ۱۳۸۸: ۳۵۳)

این دو لغت دارای دو مفهوم متفاوت و جدا از یکدیگر می‌باشند، به طوری که واژه لاتین آنها نیز با یکدیگر تفاوت دارد. در زبان انگلیسی معادل رشد واژه «Growth» و توسعه معادل واژه «Development» می‌باشد.

به‌طور خلاصه تفاوت رشد و توسعه اقتصادی را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- ۱- توسعه اقتصادی عام‌تر از رشد اقتصادی است؛
- ۲- رشد اقتصادی صرفاً پدیده کمی است؛ ولی توسعه اقتصادی پدیده‌ای مرکب از جنبه‌های کمی و کیفی مثل تغییرات بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی است؛
- ۳- رشد اقتصادی بدون توسعه اقتصادی کاملاً میسر، ولی تصور توسعه اقتصادی بدون رشد اقتصادی دشوار است؛
- ۴- وجود رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه‌ی واقعی جامعه، شرط اساسی توسعه اقتصادی است؛
- ۵- توسعه اقتصادی مرحله‌ی پیشرفته‌تری از رشد اقتصادی است؛ که معرف دگرگونی‌های پی‌گیر و همه‌جانبه در ترکیب تولید و تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است؛
- ۶- توسعه اقتصادی، صرفاً یک تحول اقتصادی نیست؛ بلکه همراه و هماهنگ با سایر تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.

## رشد اقتصادی مثبت چیست؟

رشد اقتصادی مثبت به معنی افزایش تولید ناخالص داخلی و ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی تولید شده توسط واحد‌های اقتصادی مقیم کشور در دوره‌ی زمانی معین نسبت به دوره‌ی قبل از آن است، که البته این افزایش در مجموع حاصل شده است و الزاماً به معنی افزایش تک‌تک اجزای تولید ناخالص داخلی نیست. حتی ممکن است بخش‌هایی از اقتصاد با رشد منفی روبه‌رو بوده باشند اما رشد مثبت و بزرگ‌تر سایر بخش‌ها آن مقدار منفی را جبران کرده باشد. آنچه در



ادبیات اقتصادی به رشد اقتصادی یا رشد تولید ناخالص داخلی موسوم است، بر محاسبات به قیمت‌های ثابت استوار است. بنابراین وقتی گفته می‌شود امسال تولید ناخالص داخلی ۴ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته، این مقدار بر اساس محاسبات به قیمت‌های ثابت و بدون اثر تغییرات قیمت است.

در تنظیم برنامه توسعه، اولین مرحله شامل ارزیابی نرخ کلی رشد اقتصادی است که توسط شرایط اقتصادی-اجتماعی حاکم بدست می‌آید. نرخ کلی رشد، میتواند با تجزیه و تحلیل نمودن روابط حال و گذشته متغیرهای کلی از قبیل تولید ناخالص ملی، مصرف، پس انداز، سرمایه گذاری و نرخ رشد جمعیت تعیین گردد. (چودری و پاتریک، ۱۳۸۰: ۲۵)

## عوامل رشد اقتصادی

روند رشد اقتصادی به کمک دو نوع عامل مشخص می‌شود:

### ۱- عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی رشد عبارتند از:

- منابع طبیعی: وجود منابع طبیعی فراوان، امری ضروری است. البته برای رشد اقتصادی باید در کنار منابع سرشار، استفاده‌ی مطلوب و صحیح از این منابع نیز مدّ نظر قرار گیرد؛ تا میزان اتلاف منابع به حداقل رسیده و دوره استفاده از منابع، طولانی شود.
- تمرکز سرمایه: سرمایه به معنی ذخیره عوامل فیزیکی قابل تولید مجدّد در روند تولید است. تمرکز سرمایه، یک عامل کلیدی در روند رشد اقتصادی است. از یک سو، تمرکز سرمایه بر تقاضا اثر می‌گذارد و از سوی دیگر، برای تولید آتی، کارآیی تولید ایجاد خواهد کرد. به همین دلیل، تمرکز سرمایه و شتابان کردن روند آن برای افزایش تولید ملی، به‌نحوی که بتواند با افزایش جمعیت مقابله کند، لازم است.

سرمایه یکی از نایاب ترین و مهم ترین داده های تولید در کشور های در حال توسعه است. از این جهت، این کشور ها برای دست یافتن به رشد اقتصادی تأکید زیادی بر تراکم سرمایه دارند. در این کشور ها درآمد پائین سبب کاهش پس انداز، سرمایه گذاری، تولید و درآمد میشود و بدین وسیله دور تسلسل فقر تکمیل میشود. بازار سرمایه در این کشور ها معمولاً یک بازار دوگانه است. بخش مدرن برای استقراض سرمایه از وسایل پیشرفته استفاده میکند. بخش سنتی خارج از کنترل عملیات بازرگانی بخش مدرن است. در بازار پولی نیز یک دوگانگی مالی مشاهده میشود. (سابراتاگتاک، ۱۳۸۰: ۱۰)

- پیشرفتهای تکنولوژیک: تغییرات تکنولوژیک در پیوند با تحوّل روش‌های تولید و منبعث از نوآوری و استفاده از روش‌های نوین در تولید است. تغییرات تکنولوژی سبب افزایش بهره‌وری کار، بازدهی سرمایه و سایر عوامل تولید می‌شود.
- سازمان‌دهی تولید: سازمان‌دهی تولید، نقش مهمی در جریان رشد اقتصادی دارد. سازمان‌دهی تولید به معنی حداکثر استفاده از عوامل تولید در فعالیت‌های اقتصادی است؛ که به کمک عوامل تولید می‌آید و بازدهی آن‌ها را افزایش می‌دهد.
- تقسیم کار و مقیاس تولید: تخصیص و تقسیم کار، سبب افزایش بازدهی نیروی کار می‌شود. این مسئله، سبب تولید در مقیاس زیاد شده و به توسعه صنعتی کشور می‌انجامد.
- تغییرات زیربنایی: تغییرات زیربنایی نمایان‌گر انتقال از جامعه سنتی کشاورزی به جامعه مدرن صنعتی است؛ که شامل انتقال رو به رشد از نهادهای اجتماعی موجود، طرز تفکر اجتماعی موجود و ایجاد انگیزه است. چنین تغییراتی سبب افزایش فرصت‌های اشتغال، بازدهی زیاد نیروی کار، افزایش تمرکز سرمایه، استفاده بیشتر از منابع طبیعی جدید و بالاخره بهبود در نحوه تولید می‌شود.

## ۲- عوامل غیر اقتصادی رشد

این عوامل عبارتند از:

- عوامل اجتماعی: شیوه تفکر اجتماعی، ارزش‌ها، نهاد، عرف و فرهنگ بر رشد اقتصادی بی‌تأثیر نیستند.
- عامل انسانی: نیروی انسانی یک عامل مهم در رشد اقتصادی مدرن است. البته رشد اقتصادی تنها بستگی به اندازه‌ها و میزان نیروهای انسانی ندارد؛ بلکه به کارآیی آن نیز بستگی دارد.
- عوامل سیاسی و تشکیلاتی: عوامل سیاسی و تشکیلاتی نیز نقش مهمی در رشد نوین اقتصادی دارند. رشد اقتصادی بریتانیا، آلمان، ایالات متحده امریکا، جاپان، فرانسه و هالند، تا حدی به دلیل ثبات سیاسی، کاهش بوروکراسی و تشکیلات اداری قوی این کشورها از قرن نوزدهم به بعد است.

## آثار رشد اقتصادی

رشد اقتصادی میتواند آثار زیر را به دنبال داشته باشد:

- ۱- بهبود آشکار در وضعیت معاش، آسایش و مصرف شمار زیادی از مردم پدیدآورده؛ به نحوی که اکنون در مقایسه با گذشته، مردم از تغذیه، وسایل زندگی، پوشاک، وسایل آموزشی و کالاهای مادی بیشتری برخوردارند.
- ۲- رشد، باعث افزایش محدوده انتخاب انسان به‌ویژه برای زنان و کودکان برای انتخاب شغل و نوع زندگی و پذیرش ارزش‌ها می‌شود.
- ۳- پیشرفت فن‌آوری سبب می‌شود میلیون‌ها نفر از انجام کارهای طاقت‌فرسای جسمی بی‌نیاز و در وقت انسان‌ها صرفه‌جویی شده و طبیعت در تسلط نسبی بشر قرار گیرد.

۴- رشد موجب شکوفایی استعدادها و به‌کارگیری قوه ابتکار و خلاقیت در زمینه علوم مختلف از جمله در سازماندهی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تشکیل نهادهای مربوطه شده و سبب حاکمیت قانون، همراه با مشارکت عمومی در صحنه‌های سیاسی می‌گردد.

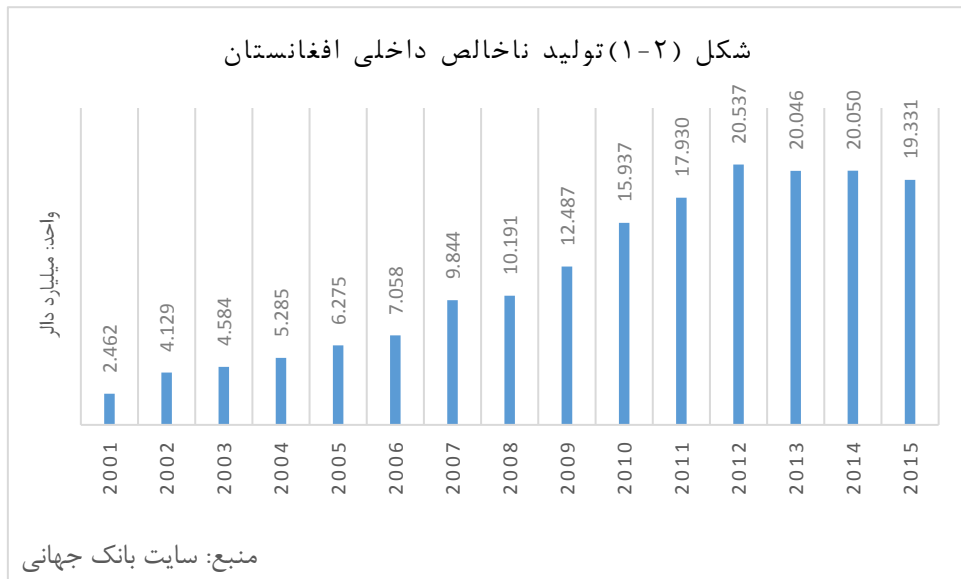
۵- وابستگی متقابل مثبت و فزاینده جهانی؛ به‌نحوی که جهان به منزله دهکده کوچکی شده که هرچه در یک نقطه کوچک و دور افتاده اتفاق بیفتد، تمام دنیا از آن مطلع می‌شوند، از رشد اقتصادی بلندمدت ناشی می‌شود.

۶- قدرت سیاسی-نظامی کشور در داخل و در عرصه بین‌الملل افزایش می‌یابد.

## رشد اقتصادی در افغانستان

در افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان و روی کار آمدن دولت جدید، آهنگ رشد اقتصادی رونق گرفت. در آمار ارائه شده از طرف بانک جهانی که در شکل (۲-۱) نمایش داده شده، تولید ناخالص ملی که نمایانگر رشد اقتصادیست، سیر صعودی را پیموده و از مبلغ ۲,۴۶ میلیارد دالر در سال ۲۰۰۱ به مبلغ ۲۰,۵۴ میلیارد دالر در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است. با توجه به ارقام فوق، تولید ناخالص داخلی، در ۱۲ سال از آهنگ رشد مناسبی برخوردار بوده است. اما پس از سال ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۵، سیر نزولی دارد. (آمار سال ۲۰۱۶ هنوز در دسترس نیست).

خروج تدریجی نیروهای خارجی از افغانستان و کاهش کمک‌های مختلف نظامی و غیر نظامی خارجی از جمله عواملی می‌توانند باشند، که تاثیر زیادی بر کاهش تولید ملی کشور داشته است. از آنجائی که ناامنی تاثیر منفی روی سرمایه‌گذاری دارد، در پهلوی کاهش کمک‌های خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی نیز به دلیل افزایش ناامنی‌ها، کاهش یافته و سبب کاهش بیشتر تولید ملی شده است.



## صنعت و توسعه اقتصادی

صنعت و صنعتی شدن پدیده‌ای است که بیش از سه قرن از عمر آن نمی‌گذرد، ولی تأثیرات شگرفی بر انسان و محیط زندگی او گذاشته است. با توجه به انقلاب صنعتی در اروپای غربی و رشد و بسط سریع آن در سایر نقاط جهان، صنعتی شدن به عنوان یکی از رویکردهای اساسی برای توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه مطرح گردیده است. همچنین در کشورهای توسعه یافته، به طور عموم توسعه با صنعتی شدن تحقق یافته و توسعه صنایع با رشد اقتصادی و افزایش رفاه سطح زندگی عمومی همراه بوده است. در کشورهای در حال توسعه نیز کارایی و بهره‌وری در بخش صنعت به میزان قابل ملاحظه‌ای از بخش زراعت بیشتر است، به خصوص آنکه صنعت توانسته است کارایی سایر بخش‌ها را نیز افزایش دهد. (بختیاری و دهقان زاده، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۶)

همان‌طور که تجربه‌ی کشورهای توسعه یافته جهان نشان می‌دهد، صنعتی شدن شرط لازم توسعه اقتصادی است. طوری که در روند توسعه اقتصادی باید سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی افزایش و سهم کشاورزی در آن کاهش یابد. انتقال مرکز ثقل اقتصاد از بخش کشاورزی به

بخش صنعت، تنها از طریق اعمال سیاست‌های صنعتی و انتخاب استراتژی‌های صنعتی ممکن است. در این حالت، به قول هیرشمن توسعه بخش صنعت به سود سایر بخش‌های دیگر اقتصاد نیز هست؛ چون بین بخش‌های مختلف اقتصاد ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و رعایت توالی توسعه بین بخش‌ها از کشاورزی به صنعت و از صنعت به خدمات ضروری است. رشد بخش صنعت و به دنبال آن کشیدن سایر بخش‌های اقتصاد سبب افزایش اشتغال، تولید و درآمد در کل اقتصاد خواهد شد. (قره‌باغیان، ۱۳۹۰: ۵۶۵)

با شکل‌گیری صنعت، عرصه‌های اشتغال و درآمد، از محیط کشاورزی که حاصل تماس مستقیم انسان با طبیعت است، و در قالب روابط ساده تنظیم می‌شود، به محیطی متفاوت که به طور اجتناب‌ناپذیری به تنظیم روابط پیچیده‌تر بین انسان‌ها نیاز دارد منتقل می‌گردد. تنظیم افقی روابط حرفه‌ای، به شکل تقسیم کار و تخصصی شدن فعالیتها و تنظیم عمودی روابط، به صورت شکل‌گیری مدیریت در مقیاسهای نسبتاً بزرگ بر مجموعه‌های انسانی، به عنوان پدیده‌ای جدید بروز میکند و از اینجا روابط اجتماعی مدرن در نتیجه صنعتی شدن شکل خواهد گرفت. (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۴)

صنعتی شدن یا صنعتی‌سازی، یک پروسه و روند تغییر اجتماعی و اقتصادی است که جامعه را از یک حالت پیشاصنعتی به صنعتی تبدیل می‌کند. صنعتی‌سازی بخشی از پروسه گسترده‌تر مدرن‌سازی است که در آن تغییرات اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی با نوآوری تکنولوژیکی و به‌ویژه با توسعه‌ی تولید انرژی به پیمانانه وسیع ارتباط دارد. صنعتی‌سازی سازمان‌دهی وسیع یک اقتصاد به‌منظور تولید است. یکی از ملزومات رشد اقتصادی، صنعتی شدن است. هر کشوری که بتواند قدم‌های لازم و مفید را در راه صنعتی شدن بردارد، مسیر رشد و توسعه اقتصادی را شتابان‌تر خواهد پیمود.

توسعه صنعت از سه طریق منجر به افزایش چشمگیر سطح درآمد در جوامع مختلف می‌گردد. اول صنعت به عنوان یک زیرمجموعه از اقتصاد، با رشد و شکوفایی خود، درآمد آحاد جامعه را افزایش میدهد. دوم، صنعت به عنوان محمل تحولات تکنولوژیکی، از طریق ایجاد روشها و اختراع ابزارهای نوین تولید و بهره‌وری را در بخشهای دیگر نیز افزایش خواهد داد، چنانچه به کارگیری

ابزارهای جدید تولید در بخشهای کشاورزی، خدمات و ساختمان، سبب افزایش درآمدزایی این بخشها میگردد. سوم، توسعه صنعت، ناگزیر در گرو رشد مهارتها و توانمندیهای علمی و فنی نیروی انسانی بوده که ارتقاء سطح دانش، خود موجب افزایش درآمد میشود. لذا تحقق نرخهای رشد اقتصادی بالا، پس از ورود به عرصه صنعتی شدن، حاصل تلفیق چنین ویژه‌گی‌هایی میباشد.

رشد و گسترش بخش صنعت، نه به منزله توسعه یک زیر مجموعه از بخشهای اقتصادی، بلکه محقق‌کننده مرحله بسیار مهمی از توسعه در ابعاد گوناگون است. به همین دلیل است که مهمترین صفت جامعی که برای کشورهای پیشرفته به کار برده می‌شود "صنعتی بودن" است. آنچه که امروز از برخورد با اصطلاح "کشورهای صنعتی" به ذهن متبادر می‌شود، مجموعه‌ای از کارخانجات و ماشین‌آلات صنعتی نیست، بلکه شکل خاصی از سازماندهی مدرن در گردش امور در حوزه‌های مختلف است.

بر اساس چنین درکی از ویژه‌گی‌های صنعتی شدن، کشورهای مختلف در حال توسعه، طی صد سال گذشته برنامه‌های جدی را برای توسعه صنعتی به اجرا درآورده‌اند. امروز پیشینه توسعه صنعتی جهان، تصویری از مجموعه شکست‌ها و پیروزی‌ها را در بر دارد. بسیاری از کشورهایی که کمتر از پنجاه سال پیش، با درآمد سالانه حدود یک صد دالر، دست به گریبان مشکلات متعدد ناشی از فقر بودند، هم اکنون جزء کشورهای مرفه به شمار می‌آیند. تاریخ تحولات صنعتی کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که هر چه از آغاز قرن بیستم دورتر شده ایم، همگرایی در جهت گریبهای اصلی بیشتر و میدان سعی و خطاهای برخاسته از ذهن‌های منفرد، محدود تر شده است. به همین دلیل حوزه شکست‌ها کوچک تر و دایره موفقیت‌ها گسترده تر گردیده است. (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶)

### سهم سکتور صنعت در تولید ناخالص:

رشد بخش صنعت، توسعه بخش خدمات را در پی دارد و تقاضا برای خدمات گوناگون را افزایش میدهد. با رشد سکتور صنعت، خدمات حمل‌ونقل، بیمه، سیستم بانکی، آموزش، مخابرات و

بسیاری از فعالیت‌های دیگر خدماتی با تقاضاهای جدید روبه‌رو میشوند. از این رو است که امروزه کشورهای را که سهم ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص داخلی آنها حدود ۲۵ درصد است، کشورهای صنعتی می‌نامند. این بدان معناست که در چنین اقتصادهایی، بخش صنعت نه فقط به میزان یک چارم از درآمد کل جامعه نقش آفرینی اقتصادی دارد، بلکه با ضریبی فزاینده، دیگر فعالیت‌های را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

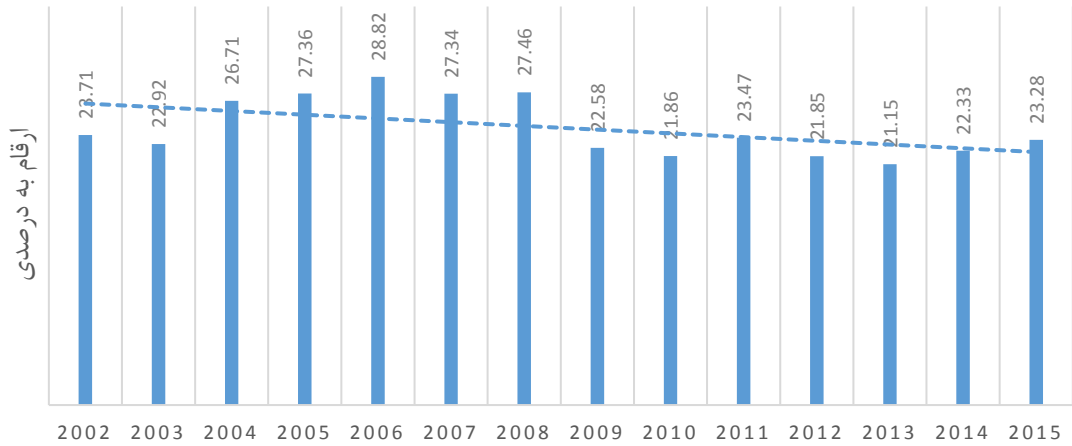
توسعه‌ی صنعتی جهت ایجاد مشاغل جدید برای بیکاران پنهان در بخش کشاورزی نیز ضروری است. در کشورهای پرجمعیت در حال توسعه، بخش کثیری از نیروی کار به صورت بیکاران پنهان هستند که تولید نهایی آنها در بخش کشاورزی ناچیز یا صفر است. میتوان مازاد نیروی کار را از بخش کشاورزی به بخش صنعت منتقل کرد، بدون آنکه تغییری در ترکیب تولید کشاورزی به وجود آید. از آنجا که تولید نهایی نیروی کار در بخش کشاورزی، کمتر از بخش صنعت است، انتقال این نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت خودبخود تولید کل را افزایش خواهد داد. بنابراین کشور های پر جمعیت در حال توسعه، هیچ چاره‌ی جز صنعتی کردن کشور ندارند. (قره‌باغیان، ۱۳۹۰: ۵۶۶)

با رشد درآمد، تقاضا برای محصولات مختلف صنعتی و خدماتی افزایش پیدا کرده و به دنبال آن با رشد دانش، تقاضا برای محصولات فرهنگی همچون مطبوعات آزاد افزایش میابد. در چنین محیطی مشاغل مختلفی ایجاد شده، که ارتباط تنگاتنگی با هم خواهند داشت و به طور چند جانبه ای به یکدیگر خدمات و محصولات ارائه می نمایند. بدین ترتیب، توسعه صنعت منجر به توسعه جوامع شهری و روابط پیچیده تر اجتماعی- فرهنگی میگردد.

حرکت به طرف صنعتی شدن یکی از شروط اساسی رشد اقتصادیست. طبق معلومات شکل (۱-۳)، میل نزولی گراف، نشان دهنده کاهش سهم صنعت افغانستان در تولید ناخالص ملی از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۵ است. هرچند بین سال های ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۸ دارای افزایش نیز بوده است، اما بصورت مجموعی میل گراف، کاهش را نشان میدهد.



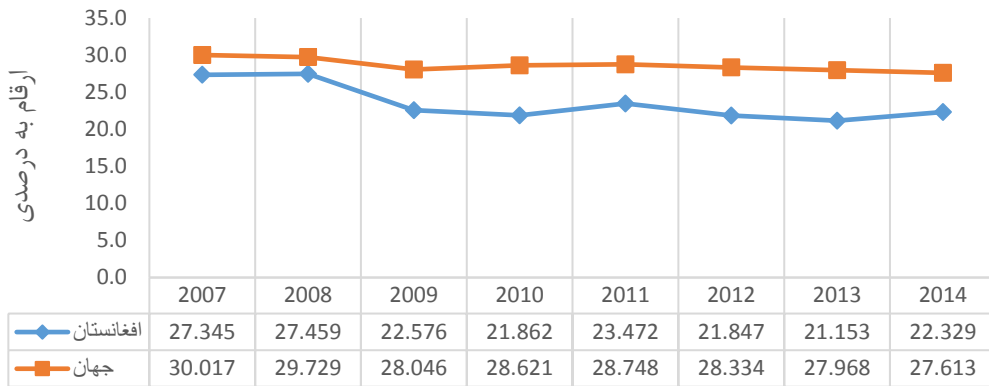
شکل (۳-۱) سهم سکتور صنعت در تولید ناخالص ملی افغانستان



منبع: سایت بانک جهانی

سهم سکتور صنعت در تولید ناخالص ملی افغانستان به نسبت اوسط سهم جهانی نیز کمتر است. این موضوع در شکل (۴-۱) نمایش داده شده است. با آنکه افغانستان کشور صنعتی نیست و در آمد اکثریت نفوس آن بصورت مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به زراعت است، اما افزایش سهم صنعت برای رشد اقتصادی یک نیاز جدی بحساب میاید.

شکل (۴-۱) سهم صنعت افغانستان در تولید ناخالص به نسبت سهم جهان



منبع: سایت بانک جهانی

## نقش دولت در توسعه اقتصادی:

آنچه که هم اکنون در سطح افکار سیاسی اقتصادی جهان، دولت را در کانون مباحث قرار داده، این مسئله است که اساساً، نقش دولت در توسعه اقتصادی چیست؟ دخالت در چه اموری در حیطه توانایی دولت‌ها قرار دارد و در چه اموری برای آن امکان پذیر نیست؟ به علاوه با ظهور پدیده جهانی شدن، مسئله تطبیق دولت‌ها با روند مذکور نیز، نگرانی‌ها و ابهامات جدیدی را، در باب نقش دولت مطرح ساخته است. در پاسخ به پرسش‌های فوق، گروهی بر اساس تجارب نیم قرن گذشته، سعی دارند تا مراحل دستیابی به توسعه را بر اساس حضور دولت توضیح دهند.

فضای عمومی پس از جنگ دوم جهانی و خرابی‌های گسترده ناشی از آن، به همراه موج استقلال خواهی در کشورهای تازه تأسیس، امر توسعه را به یک چالش صرفاً تکنیکی مبدل ساخته بود که با تأکید بیشتر بر اهمیت موارد شکست بازار، به دخالت‌های دولتی، نقش محوری می‌داد. اما به مرور، آشکار شد که موارد مهمتری مانند شکل‌گیری و عملکرد نهادهای اجتماعی-اقتصادی در این شیوه تفکر، به طور ساده انگارانه‌ای مورد غفلت قرار گرفته‌اند. در ادامه با اینکه در بعضی

کشورها، موفقیت‌هایی نیز از این رهگذر حاصل شد، اما در بسیاری دیگر، نتایج به دست آمده متفاوت و مایوس کننده بود. در کشورهای مزبور، دولت‌ها تبدیل به بازیگرانی خود محور شدند که به واسطه اقدام‌های دلبخواهی خود، موجب کاهش اعتماد عمومی در بخش خصوصی و گسترش فساد شدند. پیام اصلی در تجارب موفقیت آمیز گذشته در این نکته نهفته است که دولت، نه به عنوان تأمین کننده مستقیم، بلکه به عنوان یک همکار و تسهیل کننده نقش عمومی خود را ایفا کرده است. به عبارت دیگر، دولت‌هایی به توفیق دست یافتند که سعی بر هدایت کل اقتصاد داشته و از دخالت در تصمیمات در سطح تصدی خودداری کرده‌اند.

در سطح نهادهای سیاسی، اهمیت دولت به عنوان اصلی‌ترین نهادی که مسئولیت خلق و به کارگیری استراتژی‌های صنعتی را (در قالب سیاست‌های خاص اقتصادی) برعهده دارد، بر کسی پوشیده نیست. اما در عین حال و بر اساس شواهد پذیرفته شده، باید در نظر داشت که روند توسعه صنعتی در کشورهای توسعه یافته، بر اساس نظام بازار و مشارکت بخش خصوصی تحقق یافته است و دولت‌ها تنها نقش هدایت را برعهده گرفته‌اند. باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که در این مبحث، نقش دولت در چارچوب پارادایم اقتصاد باز و بازار مطرح می‌شود و این نقش با تصورات و نظریه‌های مربوط به برنامه‌ریزی‌های مرکزی و تصدی‌های فراگیر دولتی تفاوت دارد. حتی در مورد شکست بازار که مداخله الزامی می‌شود نیز، ظرفیت‌های محدود دولت، باید به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد. چرا که دولت‌هایی که بدون توجه به کمبود منابع، اقدام‌های زیادی را برعهده گرفته‌اند، بیشتر باعث زیان شده‌اند تا اینکه منافی را حاصل کنند. همچنین باید در نظر داشت که مسئله فقط در انتخاب مصادیق حوزه دخالت یا دخالت نکردن دولت خلاصه نمی‌شود. مسئله اساسی دیگر، چگونگی کیفیت دخالت‌های مؤثر در تدارک زیر ساخت‌ها و تنظیم اقتصاد قرار دارد.

نقش دولت در فرایند توسعه، یکی از قدیمی‌ترین موضوعات در کتب اقتصاد است، و بحث بر سر شایستگی نسبی میکانیزم بازار در تقابل با دخالت دولت همچنان ادامه دارد. چرا که رابطه بین دولت و بازار موضوع محوری در توسعه اقتصادی است. پاسخ این امر یک انتخاب ساده بین

دخالت یا عدم دخالت دولت نیست. بدیهی است که در هر اقتصادی حکومت باید درجاتی از کنترل و مدیریت اقتصادی را اعمال نماید. (چودری و پاتریک؛ ۱۳۸۰: ۱۱)

به طور عمده، دو دسته نظریات پیرامون دخالت دولت، یعنی دخالت‌های کارکردی و دخالت‌های انتخابی شکل گرفته است. پرسشی که هم اکنون در کانون توجهات برنامه‌ریزان صنعتی قرار دارد، یافتن حد بهینه ترکیب این سیاست‌ها با توجه به امکانات داخلی و شرایط خارجی در کشورهای در حال توسعه است. تفاوت دیدگاه‌ها در مورد تلفیق شواهد تجربی و بحث‌های تئوریک، سر فصل بروز تنوع در استراتژی‌های توسعه صنعتی کشورهای مختلف است.

می‌توان در مجموع، چنین عنوان کرد که مرحله توسعه یک کشور از لحاظ سیاسی، فرهنگی و بویژه اقتصادی در میزان ترکیب این دو نوع سیاست مؤثر است. کشورهای پیشرفته، در مورد مصادیق دخالت دولت شبیه کمتری دارند. چرا که قدرت نهادهای اجتماعی شکل گرفته در طول زمان و سابقه قوی اقتصادی، تشخیص راه توسعه را تا حدود زیادی برای بخش خصوصی و عمومی تسهیل کرده است.

این اقتصادها، به چنان حجم بزرگی نائل شده‌اند و از چنان پیچیدگی در زمینه فعالیت‌ها صنعتی و تغییرات تکنولوژیک برخوردار شده‌اند که دیگر تداوم نظارت دولتی توجیه پذیر نیست و لذا تمایل بیشتری به دخالت‌های کارکردی وجود دارد. در مقابل، کشورهای در حال توسعه به علت فقدان نهادهای با سابقه اقتصادی و دولت‌های نوپای خود، غالباً به دخالت‌های انتخابی علاقه دارند. در این کشورها، دولت نقش خنثی ندارد و به علت وجود ضعف ساختاری در بازار، خود ناچار است که با ایجاد انگیزه، بسیاری از تحولات را هدایت کند. البته امروزه دخالت‌های کارکردی از توجیه بیشتری برخوردار شده است. این رویکرد، بر اساس نظریه‌های رقابت در اقتصاد خرد شکل گرفته است که در آن، دولت به حداقل دخالت‌ها اکتفا کرده و در واقع فقط قواعد بازی را شکل می‌دهد. موارد کلاسیک شکست بازار از جمله مصادیق اصلی این گونه مداخله است که دولت سعی می‌کند، تحت اقداماتی هم‌راستا با بازار، نقش خود را در شکل دهی بازارها ایفا کند. دامنه دخالت شرکت‌ها و مؤسسات دولتی نیز، در کیفیت اثر دولت‌ها متفاوت بوده است. برای مثال، در تایوان، رهبری دولت از طریق نهادها و تصدی‌های دولتی، سازمان‌های تحقیقاتی،

مطالعاتی عمومی و نهادهای خدماتی دولتی اعمال شده است. در حالی که در کوربا، رهبری دولت به وسیله فشار و تذکر به تصدی های بزرگ خصوصی اعمال شده که فشار مذکور نیز از طریق مجموعه‌ای از کمک‌های مستقیم و غیر مستقیم دولت، اعمال شده است. (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۱۷-۳۱۸)

اگر تجارت آزاد باعث برقراری شرایط برتری نسبی و در نتیجه تفاوت بین هزینه های نهایی خصوصی و هزینه های نهایی اجتماعی در یک کشور نشود، باید در آغاز که هزینه تولید بالاست تا برقراری یک الگوی صحیح تخصیص بین المللی، از تجارت حمایت شود. تحمل هزینه ها برای یک دوره محدود، به امید بازگشت منافع در آینده، فرآیند طبیعی هر سرمایه گذاری است. برای افزایش رفاه اجتماعی باید صنایع نوزاد توسعه یابند، و بتوانند با تولید کنندگان خارجی در بازار داخلی و در بازار جهانی رقابت کنند. (سابراتاگتا، ۱۳۸۰: ۴۵۰)

سازوکارهای مدرن در اداره جوامع که عمدتاً در طول یک صد سال گذشته شکل گرفته و در حال رشد و تکامل است، بر مبنای یک اصل مهم و اساس پایه گذاری شده است که شکوفایی و پیشرفت بشر از آن نشأت می‌گیرد. این اصل برخاسته از بازنگری نقش و جایگاه حقوق فردی و در نتیجه آن نقش و جایگاه دولت‌ها در تنظیم روابط اجتماعی- سیاسی و اقتصادی بوده است. در نگاه جدید، منطق وجودی دولت‌ها را در درجه نخست، تضمین حقوق فردی تشکیل می‌دهد. آن زمان که دولت‌ها در چنین جایگاهی قرار گرفتند و از چنان قدرتی برخوردار شدند که از حقوق فردی در مقابل تهدیدها و تعارض‌های گوناگون دفاع کنند، کارآفرینان، با اطمینان از حمایت قانونی، از عرصه روابط تولیدی ساده عمدتاً متمرکز در حوزه های کشاورزی و خدمات اولیه، مخاطرات ورود به عرصه ابداعات و اختراعات را پذیرفتند و قدم به حوزه صنعت گذاشتند. در سایه اطمینان از استحکام حقوق مالکیت فردی، نهادهای مالی، مازاد موجود در بخش کشاورزی را که به تدریج تحت قاعده بازده نزولی، نرخ بازگشت کمتری را ایجاد می‌کرد، به سمت فعالیت‌های نوآورانه در صنعت هدایت کردند، و از اختراعات جدید در حوزه صنعت که از بازده به مراتب

بیشتری برخوردار بود حمایت کردند و چنین شد که صنعت جدید متولد گردید و توسعه یافت. (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۴)

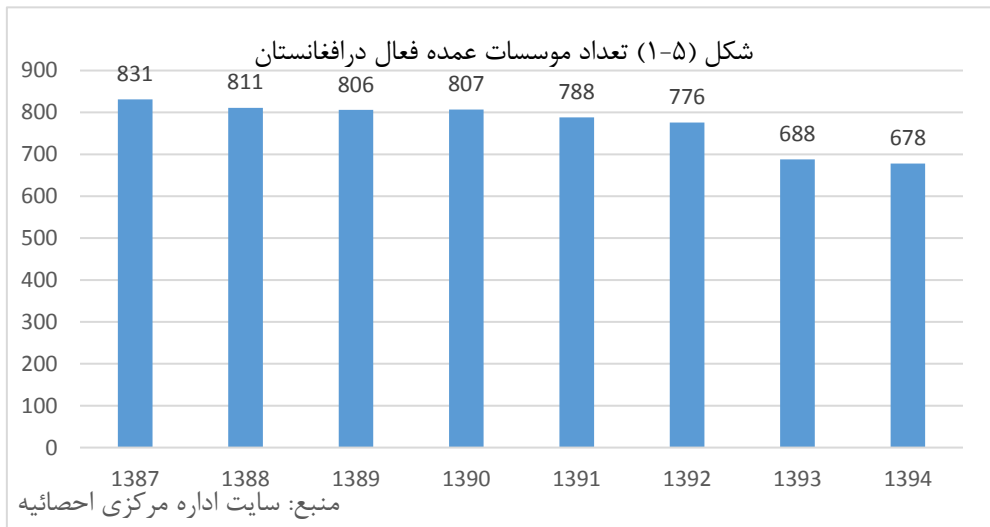
با توسعه صنعت و هم افزایی های ناشی از آن، دولت‌ها این امکان را یافتند، تا مالیات‌های بیشتری اخذ کنند و به گسترش بهداشت، بهبود آموزش، تأمین بهتر نظم و امنیت و ارائه خدمات عمومی بپردازند. لذا شکل‌گیری مدرن روابط سیاسی و تشکیل حکومت‌ها با قواعد جدید، محصول صنعتی شدن جوامع است. پیامد این تحول، مردم سالاری و حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی خویش، تحت تأثیر سازوکار اداره مالی کشور بوده است.

طی صدسال گذشته، نقش دولت‌ها در توسعه صنعتی، دستخوش تغییرات اساسی شده است. در نیمه اول قرن بیستم، قدرت دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه، در ایجاد حصار به دور اقتصاد و حمایت از تولید داخلی متجلی می‌شد (نمونه آمریکای جنوبی). در دهه های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، توانمندی دولت‌ها در توسعه صنعتی، از طریق اعمال دخالت‌های مستقیم همسو با بازار و به‌جلو راندن بنگاه‌های صنعتی با شیوه‌های مختلف، ارزیابی می‌شد (نمونه آسیای شرقی). لیکن طی سال‌های اخیر، سازوکارهای نسبتاً یکسانی در کشورهای مختلف جهان، به عنوان پیش‌یارانه‌های توسعه صنعتی عمل می‌کنند که به رغم وجود تفاوت‌های فراوان در شیوه‌های اجرا، همه‌گی از اصول واحدی پیروی می‌کنند، پیوستن به زنجیره‌های تولید جهانی و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، صادرات‌گرایی و در نتیجه بهره‌بردن از تقاضا در مقیاس انبوه، محوریت بخش خصوصی در توسعه صنعتی و مشارکت فعال در فرآیند ارتقاء دانش و فناوری، ویژه‌گی‌های این چارچوب مشترک است. در چنین چارچوبی، نقش دولت‌ها بسیار متفاوت از گذشته است. دفاع مقتدرانه از حقوق مالکیت، تنظیم مناسبات سیاست خارجی با هدف توسعه صنعتی، ایفای نقش کلیدی در ارتقاء سطح دانش و مهارت جامعه، فراهم کردن زیرساخت‌های نهادی، حقوقی و فیزیکی متناسب با رشد مستمر صنعتی و برقراری ثبات اقتصاد کلان، حوزه‌های اصلی فعالیت دولت‌ها در عصر جدید جهانی‌شدن است. بر این اساس، برخلاف آنچه که ممکن است تصور شود، کارکرد سازوکار بازار و تعامل گسترده با جهان خارج، نیازمند دولتی مقتدر برای ایفای نقش‌های ذکر شده است (همان، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۷).

تشخیص و تثبیت سهم دولت افغانستان در اقتصاد به آسانی میسر نیست. به عنوان یکی از شاخص‌های سهم دولت، میتوان میزان حمایت دولت از نهادهای خصوصی را برشمرد. این مشخصه بر مبنای رشد تعداد موسسات میتواند سنجش گردد. حسب راپور اداره مرکزی احصائیه افغانستان، تعداد موسسات عمده‌ی که در تولید ملی سهم دارند، از سال ۱۳۸۷ هـ ش الی ۱۳۹۴ سیر نزولی داشته است. بر مبنای شکل (۵-۱) تعداد این موسسات از ۸۳۱ موسسه در سال ۱۳۸۷ به ۶۷۸ موسسه در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است. کاهش تعداد این موسسات در سال‌های اول، به دلیل افزایش ظرفیت تولید موسسات فعال، سبب کاهش تولید ملی نشده است، اما در سال‌های بعدی یکی از عوامل موثر بر کاهش تولید ملی پنداشته میشود.

از سال ۱۳۸۲ در ولایت هرات نیز به احداث شهرک صنعتی اقدام گردید. بر مبنای معلومات اتحادیه صنعت‌گران ولایت هرات، در شهرک صنعتی بیش از ۴۵۰ فابریکه و در سایر ساحات صنعتی شهر هرات در حدود ۶۳ فابریکه در بخش‌های متنوع و مختلف مشغول فعالیت میباشند. (اتحادیه صنعت‌گران هرات)

با توجه به کاهش تعداد موسسات فعال، هویداست که سهم دولت در حمایت از صنایع داخلی کشور ضعیف است و باید در این زمینه توجه جدی صورت گیرد. صنایع نوپا و نوزاد به حمایت های قوی دولت نیازمند اند، در غیر آن در صحنه رقابت با غول های اقتصادی منطقه، از بین خواهند رفت.



۳

## نقش بخش خصوصی در توسعه اقتصادی

میزان موفقیت دولت‌ها در فراهم آوردن شرایط مناسب برای فعالیت بخش خصوصی، از جمله عوامل تعیین کننده در عملکرد بخش صنعت است. کشورهایی که توانسته‌اند حقوق مالکیت را تضمین و به دنبال آن نظام انگیزشی و محیط مناسب کسب و کار را فراهم کنند، به دلیل برخورداری از کارایی بیشتر، به بخش صنعتی با ابعاد بزرگتر و با بهره‌مندی از قدرت رقابت بیشتری در بازارهای جهانی، دست یافته‌اند. در مقابل در کشورهایی که امنیت سرمایه‌گذاری ضعیف و حقوق مالکیت تضمین شده نیست، فعالان بخش خصوصی، در قالب انبوهی از تصدی‌های کوچک، نقش حاشیه‌ای در توسعه صنعتی پیدا کرده‌اند و عملکرد صنعت، عمدتاً در گرو فعالیت‌های

<sup>۳</sup> <http://cso.gov.af/fa/page/economy-statistics/economy/industries>



شرکت‌های دولتی باقی مانده است. به طور کلی، نظام انگیزشی ایجاد شده در نتیجه تضمین حقوق مالکیت و فراهم آوردن محیط رقابتی، محرکه اصلی خلاقیت‌ها، ابداع‌ها و نوآوری‌هاست که این عوامل خود اصلی‌ترین محرکه‌های رشد صنعتی، نه تنها در جهان امروز، بلکه در تاریخ توسعه صنعتی بوده‌اند.

امروزه در تعاریف نوین از توزیع قدرت، اصل بر دخالت نهادهای مدنی و مالکیت بخش خصوصی است و اینکه بنگاه‌های خصوصی و نهادهای دولتی، آنچه را که در صدد انجام آن هستند را به درستی در سایه تعامل با یکدیگر درک کنند و دلایل آن را بدانند. به عبارت دیگر، دستیابی به یک چشم انداز مشترک بین بخش خصوصی و عمومی می‌تواند، سهم هر یک را در تلاش برای به کاربندی سازو کار برنامه‌ها، مشخص سازد و با ارسال علایم شفاف و سازگار با بخش خصوصی، توسط دولت، سطح اطمینان را برای سرمایه‌گذاری افزایش دهد و در عین حال به بخش خصوصی این فرصت را بدهد که خود را با وضعیت مورد انتظار در آینده تطبیق دهد.

در دولت‌های توسعه یافته، این تعامل اجرایی به طور طبیعی و به مرور زمان رشد یافته و وجود نهادهای نظارتی، عملیات دلبخواهی دولت‌ها را محدود ساخته است. در واقع، تعامل دولت با بخش خصوصی در شکل‌گیری سیاست‌های صنعتی، امکان رفتار خودسرانه بوروکراتیک را کاهش داده است. میزان محدودیت‌های قانونی در اتخاذ سیاست‌های خلق‌الساعه توسط دولت‌ها از یک سو و نقش و جایگاه تشکل‌های صنعتی در انتقال نظرات واحدهای تولیدی و جلوگیری از بروز خطاهای سیاستگذاری از سوی دیگر، از نکات مهم در میزان توفیق یک کشور در توسعه صنعتی است.

هم اکنون، پیشرفت در فناوری‌ها، موجب عقب‌نشینی دولت در بسیاری از سطوح ملی مانند تولید کالاهای اولیه و پایه‌ای، خدمات و حتی زیرساخت‌ها شده که این در ادامه، باعث سهولت ورود بخش خصوصی به طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی شده است. از این رو، خروج دولت از حوزه‌های متنوع صنعت، به عنوان تولید کننده، یک اقدام اساسی در روند صنعتی‌شدن به شمار می‌آید که این اقدام افزایش کارآیی تصدی‌های صنعتی را به دنبال دارد و هم علامت‌دهنده عزم دولت در تقویت بخش خصوصی است.

همچنین خصوصی‌سازی تحت قوانین ضد انحصاری که در سنجش سقف تولید و حفظ وضعیت رقابتی در بازار کاراً باشند، در کنار سایر اقدامات، دولت می‌تواند از کارکرد ضعیف تصدی‌های دولتی جلوگیری به عمل آورد. برای مثال، در آسیا، بخش خصوصی به سایر وظایف خود در زمینه تجهیز منابع نیز اقدام کرده است. بدین صورت که منابع ناشی از مازاد ایجاد شده در فعالیت‌های کشاورزی را، به سرمایه‌گذاری‌های رقابتی اختصاص داده است. این روند در مالیزی با احیاء صنعت کائوچو، در تایلند به همراه تقویت تولید برنج و جواری، در اندونیزی به وسیله گسترش مصرف کالاهای کشاورزی و الوار دنبال شده است. این در شرایطی بود که در بدو امر، بسیاری از دولت‌ها در اعتماد به نقش بازار آزاد در اختصاص سرمایه‌ها دچار ابهام بودند.

به طور کلی در این اقتصادها دو گونه از دخالت دولت در بازار سرمایه به چشم می‌خورد: تلاش برای جلوگیری از تخصیص سرمایه به پروژه‌های نامناسب چون معاملات املاک و مستغلات و فعالیت‌های سوداگرانه و استفاده از اعتبارات هدایت شده بر اساس توجه به صادرات یا اهداف اجتماعی مانند اسکان عمومی. این اقدامات به دلایل اقتصادی مختلفی صورت گرفته است. زیرا اختصاص وام به پروژه‌های غیر مولد، سبب افزایش ریسک دارایی‌های بانکی و از سوی دیگر باعث انحراف اعتبارات از بخش صنعت می‌شد. در تایلند، برای مثال، سقف اعتبارات برای صنعت در سبد دارایی‌های بانکی، به طور دقیق مشخص نگردید. اما دستورالعمل‌های بانکی به نحوی تنظیم شده بود که پرداخت وام به صنعت و کشاورزی را در مقایسه با ساخت و ساز و بورس بازی، به صورت تبعیض آمیزی آسان‌تر ساخته بود. (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۱۸-۳۲۰)

### نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی

در سال‌های اخیر، اهمیت و نقش صنایع کوچک و متوسط، هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش گذاشته است. در دو دهه گذشته، با ظهور فناوری‌های جدید در تولید و ارتباطات، تحولاتی در روش‌های تولید، توزیع و ساختار تشکیلاتی بنگاه‌ها پدید آمده است که بر اهمیت واحدهای کوچک و متوسط افزوده است. افزایش رقابت و تمرکز شرکت‌ها بر فعالیت‌های محوری، موجب تفکیک عمودی شرکت‌ها، گسترش روابط پیمانکاری با تأمین کنندگان قطعات و مواد اولیه، و تقویت روابط در زنجیره عرضه شده است. همه این تحولات، لزوم

توجه به واحدهای کوچک را دو چندان کرده است. البته نه واحدهای کوچک منفک و مجزا، بلکه واحدهای کوچکی که جزیی از شبکه و زنجیره‌های تولید بوده‌اند و فناوری، نیروی کار متخصص و مدیریت پیشرفته را در خود فراهم کرده‌اند. افزون بر آن، چون فرایند یادگیری در صنایع کوچک و متوسط موجب تربیت مدیران توانمند می‌شود و خارج شدن این صنایع از صحنه رقابت (در صورت ورشکستگی) زیان کمتری را به جامعه تحمیل می‌کند، لذا صنایع کوچک و متوسط بستر مناسبی برای ایجاد صنایع رقابت پذیر محسوب می‌شوند.

صرف‌نظر از مزیت‌های فوق، دولت‌ها به منظور تضمین رقابت در بازار آزاد و جلوگیری از انحصار شرکت‌های بزرگ، همیشه راهبردها و سیاست‌های ویژه‌ای را برای ارتقاء صنایع کوچک و متوسط و همچنین تسهیل ورود شرکت‌های کارآفرین به عرصه اقتصاد اتخاذ نموده‌اند. چراکه در تجربه ثابت شده است، که رقابت پذیری صنایع بزرگ به تعامل مناسب با صنایع کوچک و متوسط پویا و نوآور وابسته است و افزون بر آن صنایع کوچک و متوسط می‌توانند، بستر مناسبی برای ایجاد صنایع بزرگ رقابت پذیر باشند.

## تعریف صنایع کوچک و متوسط

تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق مختلف جهان بسیار متفاوت است. در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط آن است. برخی از معیارهایی که معمولاً در تعریف صنایع کوچک و متوسط به کار می‌روند عبارتند از: تعداد کارکنان، میزان سرمایه، حجم دارایی، کل حجم فروش و ظرفیت تولید. اما رایج‌ترین معیار برای تعریف صنایع کوچک و متوسط، معیار تعداد کارکنان است.

در بررسی آثار و نوشته‌های موجود در رابطه با صنعت مشاهده می‌شود، مقیاس‌های به کار رفته برای تعریف صنایع کوچک و متوسط نیز در کشورهای مختلف متفاوت است. نکته جالب توجه این است که در برخی از اقتصادها، برای تعریف صنایع کوچک و متوسط، از مقیاسی استفاده می‌شود که در اقتصادهای دیگر این مقیاس معرف صنایع بزرگ است. به عنوان مثال در برخی از

کشورها صنایع زیر ۳۰۰ نفر کارکن، صنایع کوچک و متوسط قلمداد می‌شوند، در حالی که این مقیاس برای شمار دیگری از کشورها، ۱۵۰ نفر کارکن است.

تفکیک صنایع کوچک و متوسط از صنایع بزرگ با هدف رفع شکست بازار، که ناشی از اندازه کوچک آنها می‌باشد، صورت پذیرفته است و مبنای اصلی تعریف «صنایع کوچک و متوسط» تلقی می‌شود. از آنجا که در کشورهای مختلف، مرز شکست بازار، بسته به شرایط اقتصادی این کشورها، متفاوت است، لذا تعریف صنایع کوچک و متوسط و مقیاس آن نیز متفاوت خواهد بود.

از دیگر نکات قابل توجه در تعریف صنایع کوچک و متوسط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در تعریف صنایع، به دلیل ویژگی‌های مشترک صنایع کوچک و متوسط این دو گروه در یک طبقه قرار گرفته‌اند.

- «مؤسسات» کوچک و متوسط شامل صنایع تولیدی و مؤسسات خدماتی و تجاری می‌باشند.

- غیر از معیاری که برای تعریف استفاده می‌شود، صنایع کوچک و متوسط به صناعی اطلاق می‌شود که به صورت مستقل اداره و مدیریت می‌شوند و لذا شرکت‌هایی که به عنوان شعبه‌ای از یک شرکت بزرگ فعالیت می‌کنند، در تعریف صنایع کوچک و متوسط قرار نمی‌گیرند. (همان، ۱۳۸۲: ۵۹۹-۶۰۲)

پرنسون و همکاران "صنعت کوچک و متوسط" را صنعتی می‌دانند که مالکیت و فعالیت آن مستقل است. لغت ((صنایع کوچک و متوسط)) توسط اکثر نویسندگان به صورت مبهم مطرح شده و نمی‌توان برای آن تعریف مشخص ارائه کرد، در حالی که تعریف دقیق آن برای اجتناب از اشتباه در یادگیری بسیار ضرور است.

در تعدادی از تحقیقات از میزان کمی فروش و درآمد و تعداد کارکنان برای تفکیک سازمانهای کوچک و متوسط از بزرگ استفاده شده، و تعدادی از نویسندگان هم از معیارهای کیفی بدین منظور استفاده کرده‌اند و پیشنهاد می‌کنند که به کارگیری این نوع معیارها بهتر می‌تواند سازمانهای کوچک و متوسط را از سازمانهای بزرگ تفکیک کند. برای مثال اسکات و بروس تعریف

کیفی از صنایع کوچک و متوسط ارائه کنند، آن‌ها معتقدند که صنایع کوچک و متوسط سه ویژه گی دارد:

۱. مدیریت این سازمانها مستقل است و معمولاً مدیران، مالکان آن هستند.
۲. سرمایه این سازمانها توسط افراد یا گروه کوچکی تأمین شده است.
۳. حوزه فعالیت این سازمان محلی است. کارگران و مالکان در یک جامعه کوچک هستند، البته بازارهای آن ضرورتاً در آن جامعه محلی نیست.

همانطور که در ابتدا نیز بحث شد، تعریف دقیقی از شرکت کوچک وجود ندارد، دلیل اصلی آن تعداد زیاد این کسب و کارهاست. بهترین توصیف در مورد ویژه گی های کلیدی شرکت های کوچک توسط کمیته بولتن<sup>۴</sup> در گزارش ۱۹۷۱ استفاده شده است. این گزارش یک شرکت کوچک را یک کسب و کار مستقل می داند که توسط مالک یا شرکای آن اداره می شود و سهم بازار کوچکی دارد. همچنین در این تحقیق برخی از تعاریف احصائیوی را نیز پذیرفته است. این گزارش معتقد است که اندازه با صنعت نیز ارتباط دارد. برای مثال یک شرکت با اندازه مشخص در صنعتی که دارای بازار بزرگ است و رقبای زیادی در آن وجود دارند، کوچک تلقی می شود. و در حالی که یک شرکت با همان مشخصات در صنعت دیگری که رقبای کمی در آن وجود دارند، بزرگ تلقی می شود. در هر صورت توجه به صنایع کوچک و متوسط و تقویت آنها می تواند کلید اصلی توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در یک کشور باشد. (آنالویی و کرمی، ۱۳۸۷: ۵۴ و ۵۵)

رسیدن به توسعه اقتصادی در گرو توسعه صنعتی است، که این خود نیازمند موجودیت یک استراتژی صنعتی همه جانبه میباشد. این استراتژی باید دارای ویژه گی های خاصی باشد که در ادامه به آن اشاره میشود:

---

<sup>۴</sup> Bolton Committee

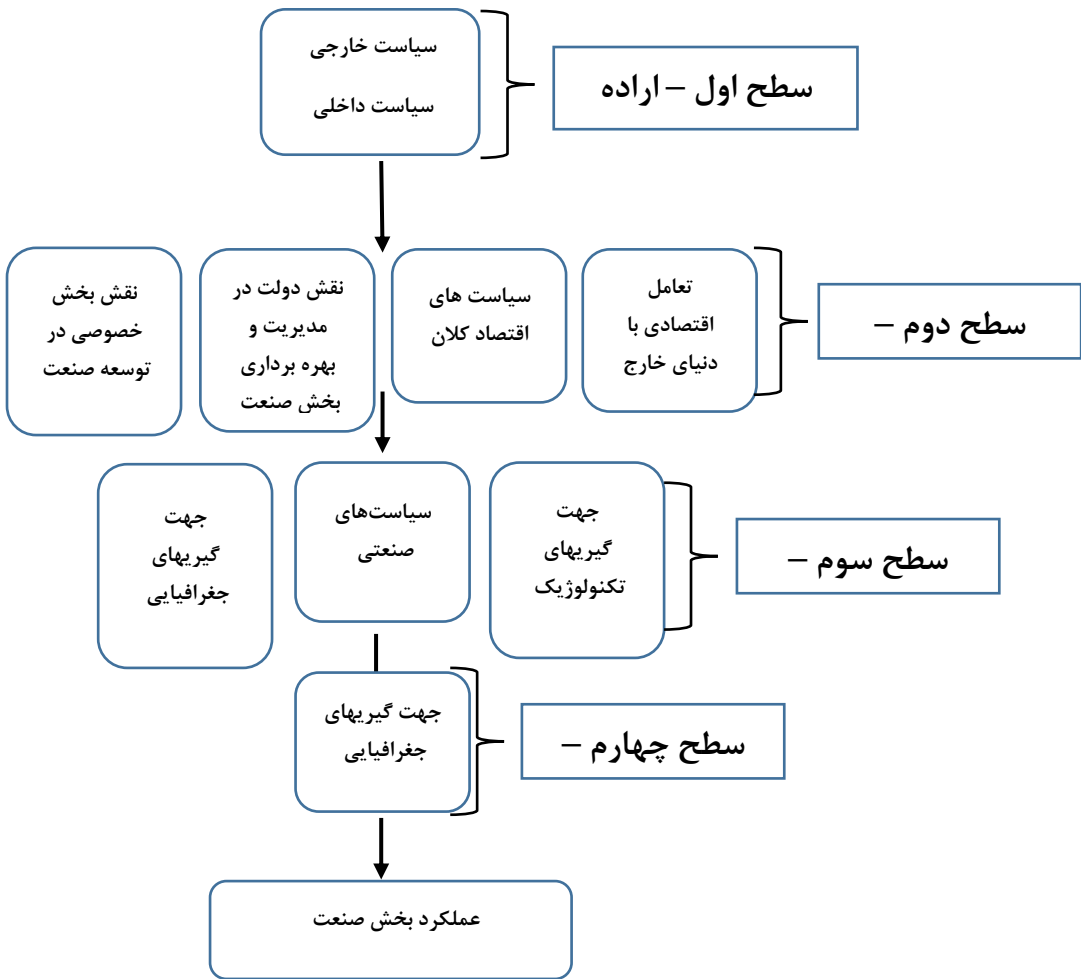
## ویژگی‌های مورد نیاز استراتیژی توسعه صنعتی

بررسی تجارب کشورهای موفق در توسعه و رشد صنعت، گویای این واقعیت مهم است که صنعتی شدن، یک مرحله از توسعه اقتصادی است و نباید آن را با توسعه یک زیر مجموعه خاص از ترکیب اقتصاد ملی برابر دانست. در واقع استراتیژی توسعه صنعتی به روش عبور از این مرحله در طول زمان اشاره دارد. امروزه، زمان گذار از یک اقتصاد روستایی سنتی به یک اقتصاد صنعتی مدرن به طور چشمگیری کاهش پیدا کرده است. اگر دو برابر شدن تولید سرانه ملی به عنوان شاخصی گویا از طی فرایند فوق در نظر گرفته شود، آنگاه می‌توان مشاهده کرد که عبور از این دوران در بریتانیا و در اوایل قرن گذشته به ۵۸ سال، در ایالات متحده به ۴۷ سال، در برزیل به ۲۰ سال و در کره به ۱۱ سال زمان نیاز داشته است و در موفقترین نمونه معاصر، در چین این مرحله از توسعه اقتصادی پس از عبور از مرحله کشاورزی و پیش از ورود به مرحله خدمات نوین در عصر فراصنعتی فقط ۱۰ سال به طول انجامیده است. با توجه به چنین اهمیتی از شمول استراتیژی توسعه صنعتی که چگونگی تغییر شکل اقتصادی یک کشور در عرصه تعامل با جهان را تعیین می‌کند، تحقق ویژگی‌های زیر در یک استراتیژی نمونه الزامی به نظر می‌رسد.

استراتیژی توسعه صنعتی یک کشور می‌بایست دارای ویژه‌گی‌هایی چون جامعیت، سازگاری درونی و بهینگی (به معنی تحقق رشد بالا و مستمر صنعتی) باشد.

## اول - جامعیت

توسعه صنعتی اساساً یک تغییر اقتصادی محسوب می‌شود. لیکن به هم پیوستگی و پیچیدگی سایر عوامل غیر اقتصادی نیز در ارتباط آن نقش ایفا می‌کنند و بر عملکرد نهایی صنعت تأثیر می‌گذارند. از این رو، یک استراتیژی صنعتی جامع، باید کلیه عوامل غیر قابل صرف نظر و تأثیر گذار بر صنعت را تحت پوشش قرار دهد. این عوامل در چهار سطح کلی طوری که در شکل زیر دیده می‌شود، دسته بندی می‌شوند:



شکل (۶-۱)

## دوم - سازگاری درونی

استراتژی‌های توسعه صنعتی در قالب مجموعه‌ای از سیاست‌ها، بر آیندی عمومی را ایجاد می‌کنند که در بعد خارجی بر نحوه ارتباطات صنعت کشور با روند جهانی و در بعد داخلی نیز بر تخصیص منابع بین صنایع و گروه‌های عمده اجتماعی اثر می‌گذارد. مفهوم برآیند در تعریف فوق، ضرورت همگرایی مؤلفه‌های مختلف در تمامی چهار سطح عمده در شکل فوق را خاطر

نشان می‌سازد. به همین خاطر سازگاری درونی و هم راستایی بین مجموعه سیاست‌ها در یک استراتیژی، یک ویژگی اساسی در روند توسعه‌ی صنعتی به شمار می‌آید. به طوری که، موفقیت و یا شکست در گرو هم خوانی و هم جهتی عوامل متعدد اقتصادی و غیر اقتصادی تأثیر گذار بر عملکرد صنعتی قرار می‌گیرد. برای مثال، همزمان در قالب یک سیاست خارجی متعارض با جهان، نمی‌توان شاهد رشد سرمایه‌گذاری خارجی و یا جذب تکنولوژی‌های نوین به داخل کشور بود.

### سوم - بهینگی و رشد مستمر صنعتی

باید اذعان کرد که صنعتی شدن تنها راه دستیابی به رشد سریع در درآمد سرانه نبوده است و در بسیاری کشورها از طریق گسترش صادرات محصولات معدنی و متکی به منابع طبیعی مانند نفت، درآمدها افزایش پیدا کرده است. اما برای حفظ روند رشد پایدار در دراز مدت، قطعاً اقتصادی مبتنی بر یک صنعت پویا مورد نیاز است. بررسی روند رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای تازه صنعتی شده نشان می‌دهد که حفظ نرخ رشد در سطوح بالا نتیجه گسترش روند صنعتی شدن در کشورهای مذکور بوده است. در این کشورها، تفاوت کشش درآمدی تقاضا در کالاهای اولی نسبت به کالاهای صنعتی، پدیده بازده صعودی به مقیاس در صنعت و پویای اقتصادی در اندازه‌های بزرگ صنعتی (اقتصادی در مقیاس) به همراه اثرات مثبت جانبی صنعت، سبب اهتمام در جهت استمرار رشد صنعتی شده است.

از سوی دیگر باید توجه داشت، نتایجی که از مطالعه تجارب دیگر کشورها حاصل می‌شود، باید بدون پیش داوری، با فضای سیاسی، فرهنگی و تاریخی کشور مورد مطالعه منطبق شود و در چارچوب استراتیژی توسعه‌ی صنعتی، شرایط زمانی مساعد را با نظریه‌های رشد بهینه در هم آمیزد. اهمیت این موضوع برای سیاستگذاران و طراحان توسعه در کشورهای رو به رشد در این است که آگاه باشند صرفاً یک روش خشک و بدون انعطاف در راه صنعتی شدن وجود ندارد.

(نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ص ۲۹۷-۲۹۹)



## سکتور خدمات

### خدمات

در اقتصادهای بزرگ جهان، اکنون صنایع تولیدی سنتی رو به افول است و زمان رشد اقتصادهای خدماتی فرا رسیده است. در عصر کنونی، سهم سکتور خدمات در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها رشد فزاینده و چشمگیر دارد، آنسان که در گزارش بانک جهانی، سهم سکتور خدمات در تولید ناخالص داخلی جهانی ۶۸,۴۷ درصد (در سال ۲۰۱۴) ارائه شده است و ۵۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) افغانستان از ناحیه سکتور خدمات آن (در سال ۲۰۱۵) گزارش داده شده است.

برخلاف نقش فزاینده خدمات در اقتصاد و نیز افزایش قابلیت استفاده از آمارهای خدمات، هنوز تعریف بین‌المللی توافق شده‌ای از خدمات وجود ندارد، البته تعریف ناپذیری یا نیافتن تعریف پذیرفته شده بین‌المللی تنها مربوط به بخش خدمات نیست بلکه این، حکایت اکثر پدیده‌های جهان کنونی است. با درنظرداشت این نکته، از خدمت و سکتور خدمات، تعریف‌هایی شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

خدمت، نوعی از محصول است که به منظور رفع نیازها و خواسته‌های بشر بوجود آمده و با محصولات متعارف فزینی تفاوت دارد (فرید و دهقان طرزجانی، ۱۳۹۴). یا به تعبیر دیگر، خدمت، عبارت از به‌کارگیری قابلیت‌ها از طریق فعالیت‌ها، فرآیندها و عملکردها برای مفاد خود یا دیگری است. سکتور خدمات، به بخشی از اقتصاد اطلاق می‌شود که فراهم‌کننده خدمات است تا تولیدکننده محصولات (فرهنگ لغات کولینس). آلن فیشر، کالین کلارک و ژان فوراستیه، از طریق دسته‌بندی فعالیت‌های اقتصادی به توضیح مفهوم خدمات پرداخته‌اند. مطابق به دسته‌بندی آنها، فعالیتهای اقتصادی به سه بخش عمده (مواد خام، تولیدی و خدمات) بخش‌بندی می‌شود و خدمات منحصیث یک راهکار سودآورتر، با ایجاد اشتغال بیشتر و پایدارتر برای پاسخگویی به نیاز مشتری تعریف می‌گردد.

برخی از اقتصاددانان معتقدند که می‌توان بخش خدمات را در بخش سوم اقتصاد خلاصه نکرد بلکه بخش چهارمی را نیز اضافه کرد که بخشی دانش‌محور از اقتصاد است و شامل خدماتی در زمینه فناوری اطلاعات، تولید و پخش اطلاعات، رسانه و تحقیق و توسعه می‌شود.

از ویژگی‌های مهم خدمت، آن است که نمی‌توانید آن را لمس کنید، ببینید، بچشید، بشنوید یا احساس کنید؛ بلکه تنها می‌توانید آن را تجربه کنید. خدمت، برخلاف محصول، در نقطه‌ی خرید مصرف می‌شود و از آنجایی که به سرعت از بین می‌رود، نمی‌توان آن را به مالکیت خود درآورد. بازاربابان خدمات، در تعریف خدمات و تفکیک آن از محصولات دیگر، پنج ویژگی اصلی را برای آن برشمرده‌اند که عبارتند از: (۱) غیرقابل ذخیره بودن؛ (۲) ناملموس بودن؛ (۳) مالکیت ناپذیر بودن؛ (۴) تفکیک ناپذیر بودن؛ و (۵) متغیر بودن. (روستا و دیگران، ۱۳۸۶)

خدمات بر خلاف محصولات دیگر قابلیت ذخیره شدن را ندارند، یعنی پس از صرف یک خدمت، انجام دوباره‌ی آن، دقیقاً به همان شکل نخست، امکان ندارد. خدمات ناملموس‌اند چون با حواس پنجگانه حس نمی‌شوند، یعنی نمی‌توان آنها را پیش از خرید، لمس یا حس کرد. حق مالکیت در خدمات منتقل نمی‌شود؛ چرا که خدمت تنها تجربه می‌شود. مثلاً، وقتی یک فرد مسلکی، کولر خانگی شما را سرویس می‌کند، شما مالک خدمت او یا ابزارش نخواهید شد. تفکیک ناپذیری خدمات بدین معناست که خدمات را نمی‌توان از نقطه‌ی مصرف و نیز از ارائه‌دهنده‌ی خدمت جدا ساخت. و متغیر بودن خدمات بدین مفهوم است که هیچ دو خدمتی کاملاً شبیه هم نیستند بلکه متغیرند. به عنوان مثال، هر بار که برای یک خدمت یکسان به یک تعمیرگاه مراجعه کنید، ممکن است سطح رضایت مشتری یا سرعت کار متفاوتی را تجربه کنید، بدین معنا که انسان در دریافت و ارائه خدمت دخیل است.

سازمان جهانی تجارت (WTO) گستره‌ی خدمات را در ۱۲ بخش تعیین نموده است که عبارتند از: (۱) خدمات تجاری؛ (۲) خدمات ارتباطات؛ (۳) خدمات ساختمانی و انجینیری؛ (۴) خدمات توزیع؛ (۵) خدمات آموزشی؛ (۶) خدمات زیست محیطی؛ (۷) خدمات مالی (بیمه و بانکداری)؛ (۸) خدمات بهداشتی؛ (۹) خدمات توریستی و مسافرتی؛ (۱۰) خدمات تفریحی، فرهنگی و ورزشی؛ (۱۱) خدمات حمل و نقل؛ (۱۲) سایر خدمات. (خبرنامه سازمان جهانی تجارت، اپریل ۱۹۹۴، شماره ۳۹)

## نقش سکتور خدمات در توسعه اقتصادی

سکتور خدمات یکی از تاثیرگذارترین بخش‌های تامین کننده رشد و توسعه اقتصادی کشورها قلمداد می‌شود. امروزه، بسیاری از سازمان‌ها عامل مهم موفقیت یا شکست خود را در ارائه خدماتی مناسب با نیازهای مشتریان‌شان می‌بینند. بنابراین، سهم و نقش این بخش در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان‌ها، افزایش ارزش افزوده و تخصیص بهینه منابع به فعالیت‌ها، افزایش تولید ملی و تولید ناخالص داخلی، کاهش بیکاری و... جلوه ویژه دارد. این بخش از اقتصاد، آنچنان اهمیت یافته که محدوده آن دیگر مربوط به یک بخش یا حوزه داخل کشور نیست بلکه بخش‌های فراملی و سطح بین‌المللی را در برمی‌گیرد. در حال حاضر نیز سهم خدمات در کشورها از سهم سایر بخش‌ها رشد بیشتری یافته و در واقع به موتور اصلی و محرک اقتصاد کشورها تبدیل شده است.

در عصر کنونی، غالب اقتصاد جهانی را خدمات تشکیل می‌دهد. در حدود ۸۰ درصد تولید ناخالص ملی و بیش از ۷۵ درصد فرصت‌های اشتغال در کشورهای پیشرفته از بخش خدمات تامین می‌شود. تنها کافی است ذکر شود که در دو دهه اخیر بیشترین تحول نه در بخش صنعت بلکه در بخش خدمات بوده است. از دلایل اهمیت بخش خدمات در اقتصاد جهانی می‌توان به ذکر سه مورد زیر بسنده کرد:

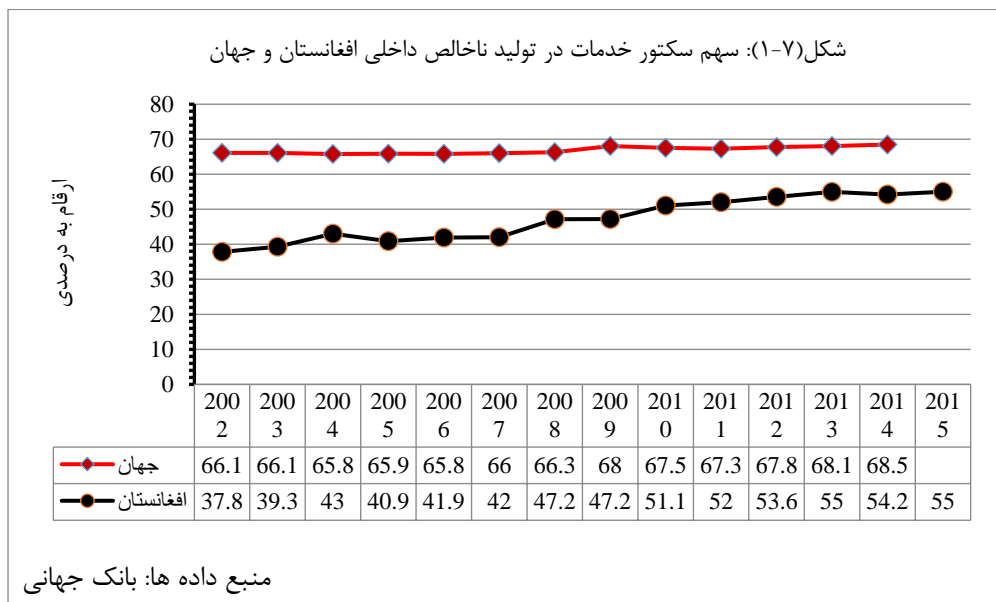
۱. رشد فزاینده بخش خدمات در جهان
۲. ارتباط خدمات با فرایند تولید، توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی
۳. افزایش ارزش صادرات خدمات

## سهم بخش خدمات در توسعه اقتصادی جهانی و اقتصاد افغانستان

بخش خدمات در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری را در کشورهای توسعه‌یافته داشته و در سال ۲۰۱۵ نزدیک به هشتاد درصد از میزان ارزش افزوده در کشورهایی همچون فرانسه و ایالات متحده توسط بخش خدمات ایجاد شده است. در یک و نیم دهه اخیر، سهم سکتور خدمات در

تولید ناخالص داخلی جهان و افغانستان رشد فزاینده و چشمگیر داشته است، آنسان که گزارش بانک جهانی نشان می دهد، سهم سکتور خدمات در تولید ناخالص جهانی ۶۸,۴۷ درصد (در سال ۲۰۱۴) و در تولید ناخالص داخلی (GDP) افغانستان ۵۵ درصد (در سال ۲۰۱۵) بوده است. (بانک جهانی)

شکل (۷-۱) که از اطلاعات سایت بانک جهانی ساخته شده، اوسط سهم بخش خدمات در اقتصاد جهان را در مقایسه با افغانستان نشان می دهد.



آنگونه که شکل فوق نمایان می سازد، نرخ رشد سهم سکتور خدمات افغانستان در تولید ناخالص داخلی (GDP) آن نسبت به نرخ رشد اوسط سهم بخش خدمات در اقتصاد جهانی بیشتر بوده است. سهم بخش خدمات طی ۱۴ سال گذشته (۲۰۰۲-۲۰۱۵) در اقتصاد جهانی از ۶۶,۱۱ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۶۸,۴۷ درصد در سال ۲۰۱۴ صعود نموده است یعنی رشد سهم خدمات طی این مدت در حدود ۳,۶ درصد گزارش شده است. در حالی که سهم این سکتور در اقتصاد افغانستان از ۳۷,۸۱ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵۵ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است، یعنی

درصدی تغییر در نرخ رشد خدمات افغانستان در حدود ۴۵,۵ درصد - یک رقم فوق العاده چشمگیر - بوده است.

## چرا سهم بخش خدمات در اقتصاد رو به افزایش است؟

چرایی افزایش بخش خدمات عوامل متعدد دارد از جمله در مقاله "تغییر به سمت خدمات" که در سال ۲۰۰۳ توسط موسسه IZE به چاپ رسیده، رونالد شتکات و لارا یوسارینی با مرور مقالات متعددی در زمینه اقتصاد خدمات، به سه عامل به عنوان عوامل اصلی که به رشد بخش خدمات منجر می‌شوند، اشاره کرده‌اند. این سه عامل عبارتند از (فتوت، ۱۳۹۵):

۱. تغییر در ساختار نیازها از محصولات به سمت خدمات
۲. تغییر نیروی کار مورد نیاز از نیروهای کم‌مهارت به سمت نیروهای بامهارت
۳. تفاوت در بهره‌وری بین بخش خدمات و دیگر بخش‌ها

ویکتور فوکس اقتصاددان مطرح آمریکایی در مقاله معروف خود «اقتصاد خدمات» بیان می‌دارد که: انتقال از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی طی روندی انقلابی رخ داد (انقلاب صنعتی)، و این اتفاق از کشور انگلستان آغاز شد. حال آنکه دوران انتقالی از دوره صنعتی به دوره خدمات به صورت آرام‌تری در حال شکل‌گیری است و این روند ابتدا در کشور آمریکا آغاز شده و در کشورهای توسعه‌یافته دیگر هم پس از آن به وضوح قابل مشاهده است. فوکس خود در این مقاله به دلیل سوم یعنی تفاوت در بهره‌وری بین بخش خدمات و دیگر بخش‌ها به عنوان عامل اصلی رشد بخش خدمات از نظر اشتغال‌آفرینی اشاره دارد. اما کلارک، یکی دیگر از اقتصاددانان کلاسیک، به دلیل اول اشاره دارد یعنی اعتقاد دارد این ساختار نیازهاست که به دلیل اشباع نیازهای تولیدی به سمت نیازهای خدماتی در حال تغییر است و این رشد تقاضاست که منجر می‌شود که نیروی کار به سمت بخش خدمات روی آورد. در هر صورت آنچه مشخص است این است که اقتصادهای توسعه‌یافته پس از مدتی رشد در بخش تولیدی شاهد تغییر به سمت رشد بخش خدماتی هستند، اما هنوز اقتصاددانان درباره چرایی این پدیده به یک توافق جامع نرسیده‌اند.

## نقش سکتور خدمات در اشتغال‌زایی

سکتور خدمات بخش قابل‌توجه‌ای از میزان اشتغال‌زایی در کشورهای مختلف را برعهده دارد. اطلاعات بانک جهانی نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون ایالات متحده و فرانسه بخش اعظمی از میزان اشتغال‌شان را مدیون بخش خدمات هستند.

بانک مرکزی اروپا، در یک گزارش جامع، به بررسی رابطه میان اشتغال و بخش خدمات در کشورهای اروپایی پرداخته است. در این گزارش آمده آن دسته از کشورهای اروپایی مانند اسپانیا و ایتالیا که عملکرد ضعیفی در رشد بخش خدمات داشته‌اند، شاهد بیشترین نرخ بیکاری نیز بوده‌اند. و همچنین در گزارش بانک مرکزی اروپا که به طور متمرکز بر روی روند اشتغال‌زایی کشورهای اروپایی متمرکز است علاوه بر ذکر پاره‌ای از دلایل آورده شده از نقش موانع تطبیقی نیز سخن به میان آمده است. منظور از موانع تطبیقی، موانعی است که تطبیق کارگران و افراد ماهر به فعالیت در بخش خدمات را سخت کرده و روند انتقال آنها از بخش تولیدی به بخش خدمات را دشوار کرده است.

برای رفع این موانع به دو گونه می‌توان عمل کرد: اول اینکه به تغییر چارچوب‌های ساختاری اقدام کرد، بدین معنا که در قسمت تشکیل اتحادیه‌های کارگری، معافیت‌های مالیاتی، عدم سخت‌گیری برای تاسیس شرکت‌های جدید و تعیین میزان حداقل حقوق اقدامات سنجیده‌ای روی دست گرفته شود، که در این میان نقش سیاست‌گذاران بسیار جدی و حیاتی است و دوم این که بتوان به عدم تطابقی که میان نیروهای کار و نیازهای بازار کار وجود دارند توجه و چاره‌جویی کرد.

یکی از جدی‌ترین عواملی که گزارش بانک مرکزی اروپا آن را از مهمترین دلایل عقب‌ماندن کشورهای اروپایی در مقایسه با ایالات متحده می‌داند، عدم تطابق نیروی کار با نیازی است که بازار کار دارد. این بدان معنی است که انعطاف‌پذیری نیروی کار و آماده ساختن خود برای به عهده گرفتن مشاغل بخش خدمات پایین است. این عامل به حدی اهمیت دارد که یکی از چشم‌اندازها و اهدافی که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای خود در نظر گرفته، ایجاد این اطمینان است

که انسان‌ها در هر سنی بتوانند مهارت‌هایی را کسب کنند که از طریق آن بطور موثر و رضایتمندانه مشاغل آینده را انجام دهند.

## بهره‌وری در سکتور خدمات

بهره‌وری از مهمترین عوامل در رشد اقتصادی بویژه در رشد بخش خدمات بشمار میرود. بهره‌وری (productivity) متشکل از دو مولفه کارایی (Efficiency) و اثر بخشی (Effectiveness) است. از این اصطلاحات تعاریف فراوانی ارائه شده که در اینجا به ذکر چند تعریف مشهور بسنده می‌شود.

کارآیی مربوط به اجرای درست کارها در سازمان است؛ یعنی تصمیماتی که با هدف کاهش هزینه‌ها، افزایش مقدار تولید و بهبود کیفیت محصول اتخاذ می‌شوند (طاهری، شهنام، ۱۳۷۸: ۹). اما اثر بخشی به معنای میزان موثر بودن اقدامات انجام شده جهت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد.

اثر بخشی یعنی انجام کارهای درست، که سازمان را به اهداف خود نائل می‌کند و کارآیی به معنای انجام درست کارها و مترادف با استفاده بهینه از منابع (کاهش هزینه‌ها)، افزایش مقدار تولید است (ابطحی، ۱۳۷۸: ۹).

بهبود کارآیی، ارتقای بهره‌وری را تضمین نمی‌کند؛ افراد غالباً فکر می‌کنند، اگر کارآیی بهبود یابد، بهره‌وری بیشتر خواهد شد. کارآیی شرط لازم بهره‌وری است؛ اما شرط کافی نیست. در واقع برای بهره‌ور بودن، هم اثربخشی و هم کارآیی لازم است. کارآیی نسبت محصول واقعی (یا خدمات ارائه شده) به محصول مورد انتظار است، در حالیکه اثربخشی، درجه تحقق هدف‌ها در سازمان است و بهره‌وری مجموع کارآیی و اثر بخشی را مورد نظر دارد (ابطحی و آرمن، ۱۳۷۲: ۲۷). بدین معنا که بهره‌وری در برگیرنده دو مفهوم اثربخشی و کارآیی است (بهره‌وری = اثر بخشی + کارایی). شایسته به تذکر است، پیتر دراگر - از مشاهیر علم مدیریت - معتقد است که اثربخشی به معنای

انجام دادن کارهای درست می‌باشد و از نگاه او، اثربخشی کلید موفقیت سازمان‌ها به حساب می‌آید.

منظور از کارایی این است که یک کار را درست انجام دهیم، در مقابل اثربخشی به این معناست که یک کار درست را انجام دهیم. کارایی سبب می‌شود محصولی یکسان را که پیش از این هم تولید می‌شده در فرآیندی کم‌هزینه‌تر تولید کنیم. این کار سبب می‌شود تا بتوانیم محصول (یا خدمت) را با قیمت کمتری به بازار عرضه کنیم. اثربخشی در مقابل، کمک می‌کند تا محصول یا خدمت جدیدی را ارائه دهیم و از این طریق ارزش افزوده خلق کنیم. برای مثال فروشگاه‌های آنلاین و خدماتی که از این طریق ارائه می‌شود، نزدیک به دو دهه است که در اقتصاد جهان وارد شده و در واقع این خدمت پیش از این وجود نداشته است و اکنون طی فرآیندی اثربخش به افزایش بهره‌وری منجر شده است.

کشورهای جهان پس از دوره‌ای از پیشرفت فناورانه وارد دوره پس‌اصنعتی می‌گردند، در این دوره بخش خدمات از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و عامل کلیدی رشد این بخش نیز در بهبود بهره‌وری آن است. این رویه اکنون در کشوری مانند چین هم دیده می‌شود؛ چین برای مدتی نسبتاً طولانی از رشد اقتصادی چشمگیری به‌واسطه نیروی کار و سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌مند بود. اما اکنون اقتصاددانان بر این باورند این کشور نمی‌تواند این نرخ را بدون توجه به بهره‌وری و سیاست‌های نوآورانه حفظ کند. مخصوصاً هنگامی که کشورها از تولید محصولات و خدمات با فناوری پایین به سمت تولید محصولات یا خدماتی می‌روند که به دانش و فناوری بالا احتیاج دارند. پس کشورها نمی‌توانند تنها بر دو عامل نیروی کار و سرمایه به عنوان عوامل رشد اقتصادی چشم بدوزند و آنچه در جهان فوق رقابتی امروز می‌تواند موفقیت‌شان را تضمین کند، توجه به عامل بهره‌وری است.

نوآوری در اقتصادهای دانش بنیان به سه عامل کارآفرینی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه انسانی وابسته است. اما در این میان، فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش خدمات به



علت کاربرد گسترده‌ای که در صنایع مختلف این بخش و اثرگذاری‌اش بر روی زنجیره ارزش، ایجاد کاربردهای جدید و افزایش بهره‌وری دارد، توجه ویژه می‌طلبد.

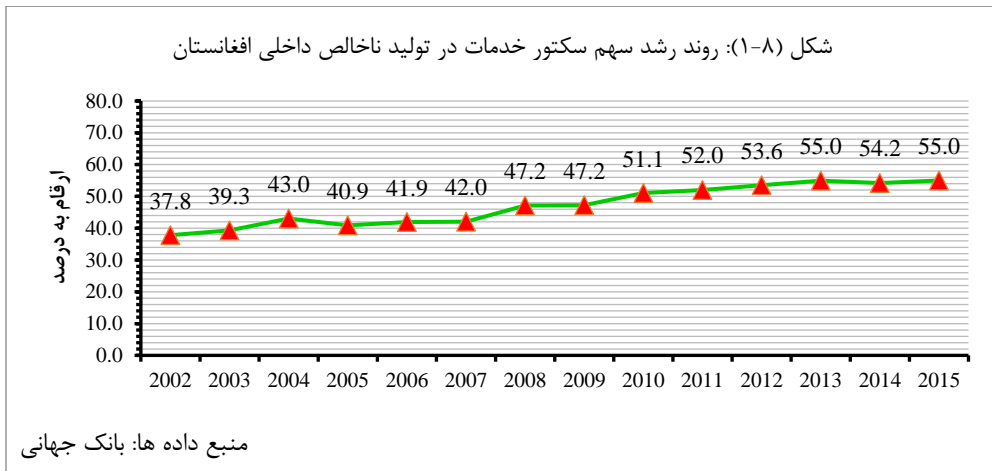
برای توسعه بخش خدمات، بازارهای آزاد، چارچوب‌های فکرشده اقتصادی و حقوقی، نوآوری و ICT، و نیز سرمایه انسانی بسیار پراهمیت‌اند.

نوآوری به طور کلی طیف وسیعی از فعالیت‌ها را می‌پوشاند و در حوزه‌های گوناگونی تعریف می‌شود، اما آنچه مبرهن است، این است که نبود نوآوری شرکت‌ها را از رقابت می‌اندازد و زمینه را برای شکست‌شان در تجارت فراهم می‌سازد.

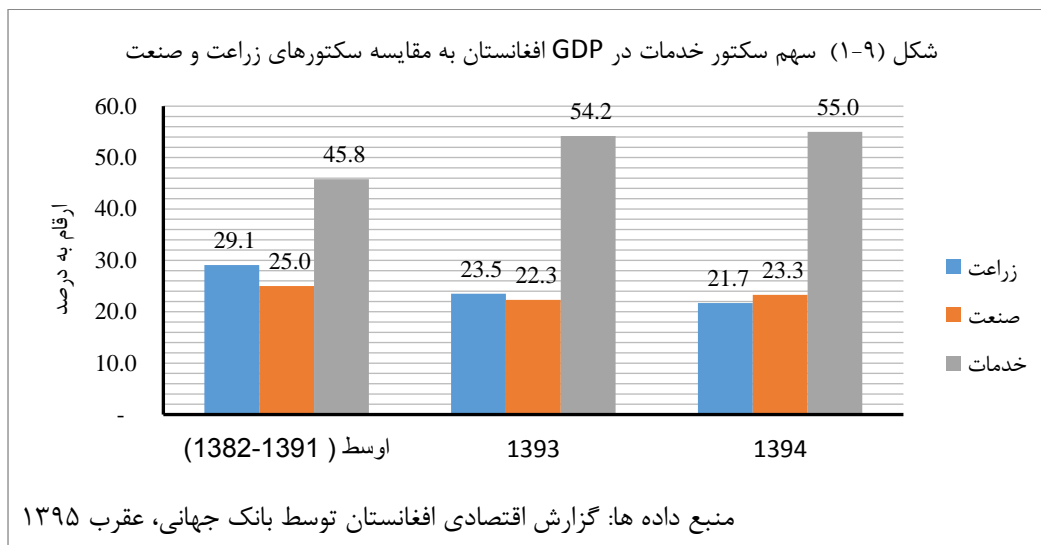
فناوری اطلاعات در زمینه‌های گوناگونی به شرکت‌های بخش خدمات یاری می‌رساند. این زمینه‌ها عبارتند از: امکان ایجاد مدل‌های کسب‌وکار جدید، ایجاد کاربردهای نو، بهبود یا بازآفرینی رویه‌های کسب‌وکار، بهبود خدمات مشتری و افزایش کارایی در طول زنجیره ارزش.

## نگاهی گذرا به سکتور خدمات در افغانستان

در افغانستان سهم سکتور خدمات در تولید ناخالص داخلی (GDP) نسبت به سایر بخش‌ها بیشتر و چشمگیرتر است. چنانکه در شکل (۸-۱) دیده می‌شود نرخ رشد سهم سکتور خدمات در تولید ناخالص داخلی کشور در یک و نیم دهه اخیر (۲۰۱۵ - ۲۰۰۲) قابل ملاحظه بوده است. در سال ۲۰۰۲ در حدود ۳۷,۸ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان از ناحیه سکتور خدمات بوده است و این روند طی ۱۴ سال گذشته شکل صعودی داشته که در سال ۲۰۱۵ به ۵۵ درصد رسیده است. بدین معنا که ما شاهد یک نرخ رشد ۴۵,۵ درصدی در سکتور خدمات بوده ایم.



بر اساس گزارش بانک جهانی، از میان سه سکتور عمده اقتصادی افغانستان (زراعت، صنعت و خدمات)، سکتور خدمات سهم بیشتری در تولید ناخالص داخلی داشته است. آنگونه که در شکل (۸-۱) دیده می شود، سهم سکتور خدمات در GDP افغانستان بطور اوسط در سالهای ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۱ هـ ش. ۴۵٫۸ درصد، و از سکتور زراعت و صنعت به ترتیب ۲۵ و ۲۹٫۱ درصد بوده است (بانک جهانی، عقرب ۱۳۹۵: ۳-۴). بدین معنا که سهم بخش خدمات نسبت به بخش صنعت ۸۳ درصد و نظر به بخش زراعت ۵۷ درصد بیشتر بوده است. و به همین گونه مشاهده می شود که سهم بخش خدمات در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ هـ ش. از ۴۵٫۸ درصد به ترتیب به ۵۴٫۲ و ۵۵ درصد افزایش یافته است در حالیکه سهم سکتورهای زراعت و صنعت سیر نزولی را طی نموده است.

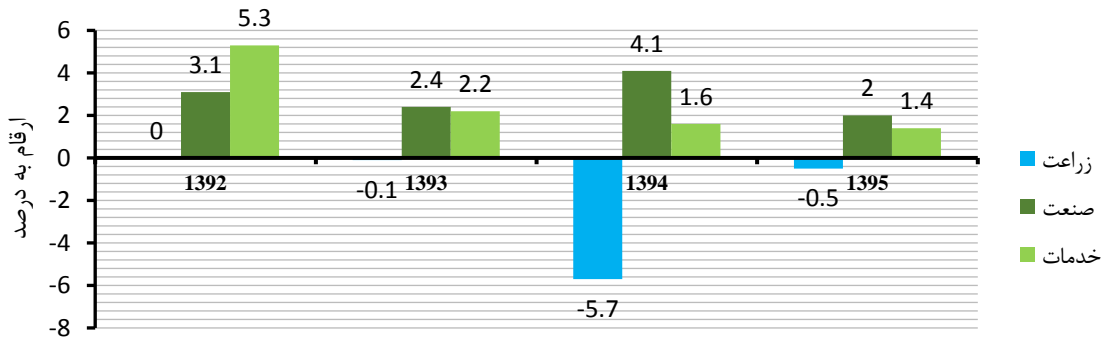


طبق آمار و ارقام منتشره توسط اداره آيسا، طی دهه گذشته، بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در افغانستان در سکتور خدمات صورت گرفته است. از سال ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۳ مبالغ سرمایه‌گذاری شده در سکتور خدمات از ۱۴۱ میلیون دالر به ۲،۱۴۸ میلیارد دالر افزایش یافته است یعنی سرمایه‌گذاری در این سکتور در ۱۱ سال گذشته ۱۵ برار رشد یافته است. علت افزایش فوق‌العاده سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش را میتوان عواملی از قبیل داشتن بازدهی کوتاه مدت، نیاز به سرمایه کم، تقاضای فزاینده و کمترین ریسک سرمایه‌گذاری قلمداد نمود. البته، در حدود ۷۴ درصد این سرمایه‌گذاری‌ها توسط سرمایه‌گذاران داخلی و ۲۶ درصد متباقی توسط شرکتهای خارجی صورت گرفته است، یعنی بخش عمده این سرمایه‌گذاری‌ها را شرکتهای داخلی به خود اختصاص داده‌اند. و قابل ذکر است که سرمایه‌گذاری در سکتور خدمات نه تنها توانسته که در جایگاه بالاتری نسبت به سایر بخش‌ها قرار گیرد، بلکه در عرصه اشتغال نیز توانسته که شمار قابل توجهی از افراد را از بازارهای کار جذب نماید (گزارش تحلیلی آيسا، ۲۰۱۳-۲۰۰۳: ۸).

آماري که در خصوص سهم سکتورهای اقتصادی افغانستان در سرمایه گذاری های انجام شده طی سالهای ۲۰۱۳-۲۰۰۳ توسط اداره ایسا (ASIA) منتشر شده نشان میدهد که سهم سکتور خدمات ۳۹ درصد، ساختمان ۳۰ درصد، سکتور معادن ۱۵ درصد، سکتور صنعت ۱۲ درصد و سکتور زراعت ۴ درصد بوده است. بدین معنا که بیشترین سهم سرمایه گذاری را بخش خدمات بخود تخصیص داده است.

رشد تولید سکتورهای زراعت، صنعت و خدمات طی چهار سال گذشته (۱۳۹۲-۱۳۹۵) در شکل (۱۰-۱) نمایش داده شده است. در شکل مذکور دیده می شود که رشد تولیدات سکتورهای صنعت و خدمات در حال نوسان بوده و افت و خیزهای داشته است اما متأسفانه سکتور زراعت رشد منفی داشته است.

شکل (۱۰-۱) روند رشد تولیدات سکتورهای زراعت، صنعت و خدمات افغانستان طی سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۲



منبع داده ها: گزارش اقتصادی افغانستان توسط بانک جهانی، عقرب ۱۳۹۵

اکنون به وضعیت برخی از بخش های عمده سکتور خدمات افغانستان که در آخرین سالنامه احصائیه وی (سال ۱۳۹۵) اداره احصائیه مرکزی افغانستان به نشر رسیده بشکل آماری و فشرده اشاره ای می اندازیم (احصائیه مرکزی افغانستان، ۲۰۱۶-۲۰۱۵).

**بخش مخابرات،** بعد از پایان جنگ و آغاز دوره بهبود (از سال ۲۰۰۲ میلادی) قویاً رشد نموده و در این زمینه تحولات و انکشافات قابل توجهی در کشور رونما گردیده است. تا اخیر سال ۱۳۹۳ تعداد فروش سیم کارت های شرکت های خصوصی و مختلط به ۲۴,۸ میلیون می رسید در حالیکه در اخیر سال ۱۳۹۴ به ۲۷,۲ میلیون سیم کارت رسیده است.

**سکتور صحت** کشور نیز از آغاز دوره انتقالی شاهد تحولات و پیشرفتهای چشمگیری در زمینه افزایش عرضه خدمات صحتی، توزیع عادلانه عرضه خدمات صحتی، منابع مالی، منابع انسانی، بهبود کیفیت خدمات صحتی، افزایش پرسونل مسلکی، و افزایش عرضه خدمات در روستاها بوده است. ارقام صحت عامه کشور نشان میدهد که در سال ۱۳۹۴ مراکز صحتی به ۲۲۱۶ باب میرسد در حالیکه در سال ۱۳۹۳ در افغانستان ۲۱۹۷ مرکز صحتی وجود داشت، یعنی ۰,۹ درصد افزایش را نشان میدهد.

در **بخش تحصیلات عالی** قابل ذکر است که تعداد پوهنتون‌های دولتی و خصوصی در سال ۱۳۹۴ به ۱۴۵ باب رسیده که ۱۰۹ آن خصوصی و ۳۶ آن دولتی می باشد که ۱۴ موسسه تحصیلات عالی خصوصی نسبت به سال ۱۳۹۳ افزایش نموده است. استادان پوهنتون های دولتی و خصوصی در سال ۱۳۹۴ به ۱۳۵۴۴ نفر رسیده که از آن جمله ۱۶۱۴ نفر زن و ۱۱۹۳۰ نفر مرد می باشد و ۲۳,۷ درصد نسبت به مجموع استادان سال ۱۳۹۳ افزایش را نشان می -دهد. ارقام تحصیلات عالی کشور نمایان می سازد که در سال ۱۳۹۴ مجموع محصلان پوهنتون‌های دولتی و موسسات تحصیلات عالی خصوصی بالغ بر ۳۰۰۳۴۴ نفر (۲۳۶۳۷۰ تن ذکور و ۶۳۹۷۴ تن اناث) می گردد که نسبت به سال قبل ۱۸,۶ درصد افزایش یافته است.

ارقام **بخش معارف** کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۴ مجموعاً ۹۶۵۳۹۲۶ شاگرد شامل مکاتب ابتدایی، متوسطه، لیسه های مسلکی، انستیتوت های تخنیکی و مسلکی، شپی لیسه ها، تربیه معلم و تعلیمات دینی می‌باشد، که از این جمله ۹۱۸۴۴۹۴ آن مربوط بخش دولتی و

۲۸۳۳۴۶ آن مربوط به بخش خصوصی می‌شود. و تعداد مجموعی معلمین به ۲۱۵۰۱۴ تن بالغ می‌گردد.

در بخش ترانسپورت هوایی باید یادآور شد که افغانستان دارای چهار میدان هوایی بین‌المللی و چند میدان هوایی کوچک است و تعداد پروازها بعد از ختم جنگ از اواخر سال ۱۳۸۰ به بعد در حال افزایش بوده است.

ارقام احصائیوی سال ۱۳۹۴ نشان میدهند که طیارات فعال دولتی (شرکت هوایی آریانا) به تعداد ۹۵۸۰۰۰ مسافر و به مقدار ۱۶۸۱ تن اموال را در خطوط هوایی مختلف انتقال داده است و شرکتهای هوایی خصوصی با ۱۲ فروند طیاره به تعداد ۱۶۲۲۰۰۰ مسافر را در خطوط مختلف هوایی انتقال داده اند. که خط هوایی دولتی (آریانا) به مقدار ۱۶۸۱ تن اموال را انتقال داده است.

در بخش ترانسپورت زمینی گفتنی است که در سال ۱۳۹۳ تعداد مجموعی موترهای که ثبت گردیده بود به ۱۸۶۶۲۸۳ عراده میرسید. این رقم در سال ۱۳۹۴ به ۱۸۸۷۲۶۳ عراده بلند رفته است. موترهای شخصی و تکی بیشترین افزایش را در برداشته و همچنان لاری‌های که در سال ۱۳۹۳ به ۳۰۹۵۴۰ میرسید در سال ۱۳۹۴ به ۳۱۱۹۰۵ عراده و سرویس‌ها از ۱۰۲۱۲۴ به ۱۰۴۵۴۳ عراده در عین دوره افزایش یافته است.

## زراعت

### زراعت در افغانستان

اساس اقتصاد کنونی افغانستان را زراعت تشکیل می‌دهد. طبق احصائیه رسمی سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) اراضی قابل زرع کشور در حدود ۴۰ میلیون هکتار است. از آن جمله فقط ۷۸۰۰۰۰۰ هکتار تحت زرع قرار دارد که پنج میلیون و سه صد و ده هزار هکتار آن آبی و دو میلیون و چهار صد و نود هزار هکتار آن للمی است. اراضی آبی توسط دریا، جوی، کانال، کاریز و چشمه آبیاری میشود. اراضی للمی وابسته به باران است. مهم‌ترین مناطق زراعتی کشور حوزه آمو (از کوچه تا قیصار)، مناطق غربی (ولایات هرات و سیستان) و حوزه سفلی نهر کابل است. کود کیمیایی در بعضی مناطق هنوز معمول نشده و توزیع آن برای زارعین در طی سه سال به یک هزار تن نمی‌رسد. آلات زراعتی چوبی و بعضاً آهنی است. ماشین فقط بطور نمونه و چند عدد بکار میرود. کوبیدن غله با گشتاندن چپر (توسط گاو یا مرکب) صورت می‌گیرد. غله توسط آسیای آبی یا دستی آرد میگردد. پس به علت عدم کفایت آبیاری و فقدان ماشین و کود، سطح تولید غله جات و حیوانات نازل است. تا سال ۱۳۴۰ سالانه حد اقل در حدود ۴۰ هزار تن گندم از خارج وارد میشد، در حالیکه کمبود غله در سال ۱۳۴۳ در حدود دو میلیون و سی و چهار هزار تن بوده است، و این کمبود سالانه رو به تزاید بوده و برفقر مردم می‌افزاید. سطح حاصلات زراعتی در کشور فی جریب خیلی پایین است و مناسبات فیودالی و نظام قبیلوی در دهات با امراض و آفات زراعتی و فقدان وسایل کافی آبیاری، مانع انکشاف زراعت گردیده است. بنابراین زراعت اکنون پایه زندگانی مردم افغانستان است.

باغداری در افغانستان نقش بزرگی در اقتصاد مملکت دارد و بر علاوه مصرف داخلی سالانه در حدود ۵۵ هزار تن انگور، کشمش، انار، بادام و پسته به کشور های دیگر صادر میگردد. جنگلات افغانستان تقریباً یک میلیون هکتار مساحت را اشغال کرده است، اما از عدم اهتمام صحیح و وسیع برای حفظ آن تحت تهدید تخریبات روز افزون قرار دارد. در حالیکه از نظر تجارت بر علاوه مصارف داخلی کشور (محرقات، امور ساختمانی و موبل و اثاثیه)، صادرات چوب به خارج تقریباً یک درصد مجموع صادرات افغانستان است.

در افغانستان در حدود ۳۰ میلیون حیوان اهلی وجود دارد، که از آن جمله پانزده و نیم میلیون گوسفند، تقریباً پنج میلیون گوسفند قره قل، در حدود سه میلیون گاو، یک و نیم میلیون بز و مابقی اسب، شتر، مرکب و قاطر است. مالداري در افغانستان یکی از پایه‌های اقتصاد کشور است.

گلیم و قالین از صادرات مهم افغانستان است. همچنین روده و پوست بز و گوسفند جزء صادرات کشور است. با این حساب از مجموع اقلام صادراتی افغانستان بیشتر از (۶۰ درصد) آنرا محصولات مالداري تشکیل می‌دهد. به‌علاوه لبنیات بعد از حبوبات قسمت مهم مواد غذایی مردم را تشکیل می‌دهد. گاو و مرکب هم در زراعت وسیله شخم زدن زمین بوده، اسب و شتر و قاطر وسیله حمل و نقل و باربری است.

افغانستان در زراعت دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ی می باشد. نیروی کار فعال در قریه‌جات، آب فراوان و خاک حاصل‌خیز فاکتور هایی هستند که می‌توانند باعث جذب سرمایه‌گذاری در این سکتور شوند، که این فاکتورها در این کشور به وفور یافت می‌شوند. با توجه به افزایش تقاضای محصولات زراعتی اورگانیک در جهان، تقاضا برای محصولات افغانستان مخصوصاً میوه تازه و خشک روز تا روز در حال افزایش است. ارقام اتاق تجارت و صنایع افغانستان نشان دهنده افزایش ۳۰ درصدی صادرات میوه تازه و خشک طی ۶ ماه اول سال ۱۳۹۱ در مقایسه با ۶ ماه اول سال ۱۳۹۰ می باشد. محصولات زراعتی افغانستان یکی از با ارزش ترین محصولات زراعتی جهان است، علاوه‌تاً رشد زراعت می‌تواند مستقیم و یا غیر مستقیم سبب ایجاد هزاران فرصت شغلی دیگر شود. ایجاد سردخانه‌ها و نگهداری مواد غذایی، پروسس مواد غذایی و بسته بندی آنها می‌توانند مثال هایی از این گونه باشند. (امید، ۱۳۹۵: ۲۶۸-۲۷۰)

### جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان

افغانستان به عنوان کشور زراعتی در منطقه و جهان شناخته می‌شود. بر اساس گزارش اداره همکاری بین‌المللی آمریکا (USAID) و آمار زراعتی در حدود ۸۰٪ مردم افغانستان به زراعت و مالداري اشتغال دارند، و ۳۱٪ درآمد ناخالص ملی از محصولات زراعتی بدست می‌آید. بخش اعظم صادرات افغانستان نیز محصولات زراعتی و مالداري است. به همین لحاظ، در ساختار اقتصادی جامعه افغانی، زراعت از اهمیت خاصی برخوردار است. کارشناسان، کشاورزی را مهم ترین بخش



در اقتصاد افغانستان می‌دانند و اعتقاد دارند که تنها با توسعه بخش زراعت می‌توان به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب در افغانستان دست یافت. در شرایط کنونی کشاورزی در افغانستان بهترین و شاید تنها گزینه برای ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی این کشور باشد.

برای درک جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان و مقایسه آن با دیگر بخش‌های اقتصادی و یافتن بخش کلیدی می‌توان این بخش‌ها را با همدیگر مقایسه کرد. در این مقایسه باید به چند عنصر توجه کرد که عبارتند از سهم هر بخش در تولید ناخالص ملی (GDP)، میزان تجارت و صادرات، سطح اشتغال در هر بخش، میزان جمعیتی که در این بخش‌ها در مقایسه با مجموع جمعیت یک کشور زندگی می‌کنند، و همچنین میزان سرمایه‌گذاری که در هر بخش شده، اشاره کرد.

## ۱- سهم اشتغال در هر بخش

احصائیه واحدی درباره میزان اشتغال در بخش زراعت و سایر بخش‌ها به دلیل اینکه آمارگیری سراسری انجام نشده، وجود ندارد. بر اساس گزارش بانک توسعه آسیایی در سال ۲۰۰۳ زیر عنوان 'بازسازی سکتور زراعت افغانستان' میزان جمعیت این کشور که در بخش زراعت اشتغال دارند ۸۰ الی ۸۵ درصد از جمعیت این کشور اعلام شده است. اما براساس آمار ارزیابی خطرات ملی (NRVA) در حدود ۷۵ درصد از جمعیت کشور دهقان اند.

براساس آمار اداره احصائیه مرکزی در سال ۱۳۸۷ سهم بخش زراعت در اشتغال ۷۸٪، خدمات ۱۶٪ و صنعت ۶٪ بوده است. اما براساس آمار این اداره در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ سهم زراعت در اشتغال، به ۶۷٪ کاهش یافته است.

با توجه به اینکه سهم بخش زراعت در اشتغال کاهش یافته، اما هنوز هم بیش از دو سوم جمعیت کشور در بخش زراعت شاغل هستند. اغلب این افراد از طریق فعالیت‌های کشاورزی امرار معاش می‌نمایند. با توجه به این دو آمار می‌توان نتیجه گرفت که زراعت تاکنون نقش بارزی را در اقتصاد افغانستان بازی می‌کند.

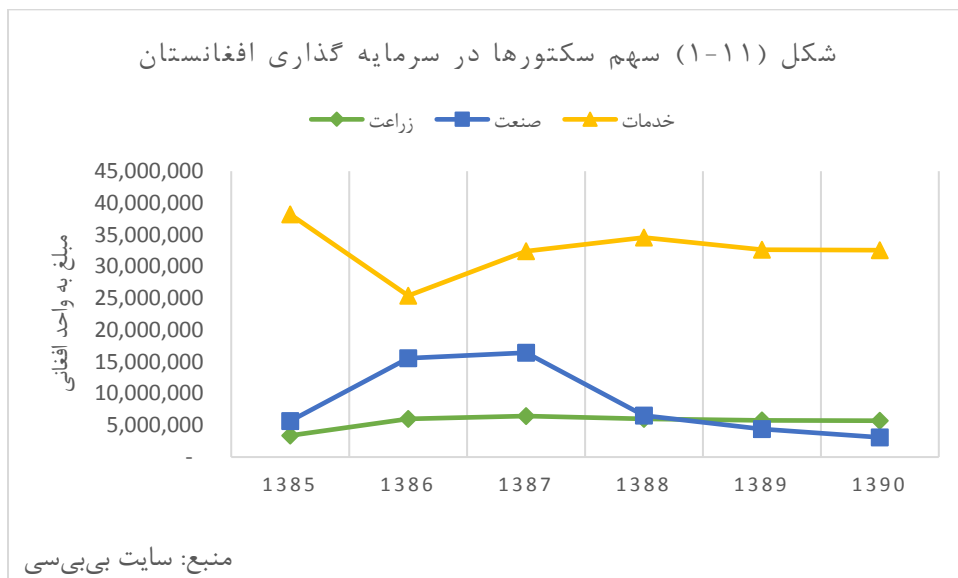
## ۲- سهم در تولید ناخالص داخلی

با توجه به نقش سه بخش زراعت، خدمات و صنعت در رشد تولید ناخالص ملی، بخش زراعت در سال‌های اخیر نه تنها رشد لازم را نداشته بلکه سیر نزولی نیز داشته است. دلایل کاهش سهم بخش زراعت در تولید ناخالص ملی کشور، عموماً تحت تاثیر عواملی چون کمبود سرمایه‌گذاری، مهاجرت روستائیان به شهرها و آفات و امراض نباتی و حیوانی ذکر شده است.

با در نظر داشت شرایط آب و هوایی و اقلیم مناسب کشور، منابع آبی فراوان، زمین کافی و خاک مناسب برای تربیه انواع مختلف میوه جات مثمر، زراعت می‌تواند عامل مهم در افزایش درآمد خانوارها از طریق صادرات و ارز آوری در کشور حساب شود. توانمندی افغانستان در تولید بعضی محصولات خاص کشاورزی مانند "انار بی‌دانه" و سایر تولیدات زراعتی منحصر به فرد یکی از ظرفیت‌های مهم در افغانستان به حساب می‌آید. سرمایه‌گذاری و طرح‌های حمایتی دولت می‌تواند زراعت را به کلیدی‌ترین بخش برای رشد اقتصادی این کشور تبدیل کند.

## ۳- میزان سرمایه‌گذاری در هر بخش

با مشاهده شکل زیر می‌بینیم که بیشترین سرمایه‌گذاری (با احتساب منابع داخلی و خارجی) در بخش خدمات صورت گرفته است. طوریکه در سال ۱۳۸۵ در بخش خدمات ۳۸,۲ میلیون افغانی (۰,۷۶۴ میلیون دالر) سرمایه‌گذاری شده، ولی در بخش صنعت و زراعت به ترتیب ۵,۶ و ۳,۳ میلیون دالر سرمایه‌گذاری شده است.



مرور روند سرمایه‌گذاری سالانه در بخشهای صنعت و زراعت مشابه بوده ولی در بخش خدمات این روند روز به روز بیشتر شده و از همین رو بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی داشته است. برعکس، سهم بخش زراعت در تولید ناخالص داخلی همه ساله سیر نزولی را پیموده است.

با توجه به تمام این موارد، باید گفت که بستر زراعت افغانستان برای سرمایه‌گذاری کاملاً بکر و دست نخورده است. تاکنون سرمایه‌گذاری خیلی بزرگ در این بخش انجام نشده و اندک سرمایه‌گذاری که توسط بخش خصوصی صورت گرفته نیز تاکنون به خوبی از آن استقبال شده است.

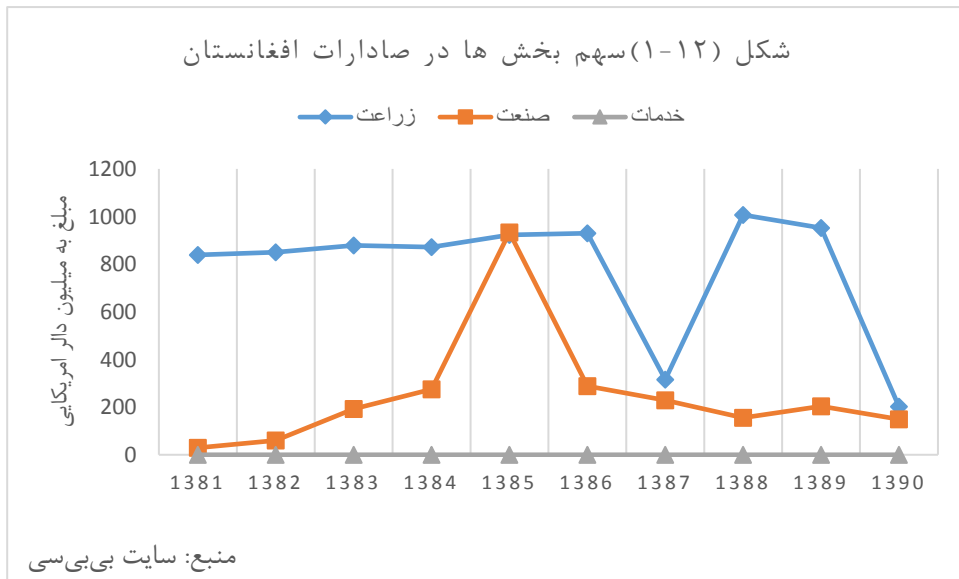
به عنوان مثال کشتارگاه‌هایی که در کابل اعمار گردیده، ذخیره خانه‌ها و سردخانه‌هایی که در هرات و سایر ولایت‌ها فعالیت دارند اکنون با چندین برابر ظرفیت خود مشغول به کار هستند و این نشان دهنده فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در عرصه زراعت است.

#### ۴- صادرات به تفکیک بخش‌ها

آمار نشان می‌دهد که بخش زراعت بیشترین نقش را در صادرات و در ایجاد اشتغال و درآمدزایی در افغانستان بازی می‌کند. در دوره زمانی ۱۰ ساله، آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۱، سهم زراعت در صادرات ۸۳۹,۳ میلیون دالر بوده، سهم صنعت فقط ۲۹,۸ میلیون دالر و سهم بخش خدمات نیز صفر بوده است.

در پایان این دوره نیز این جایگاه حفظ شده و زراعت در سال ۱۳۹۰، با سهم ۲۰۲,۶ میلیون دالری در جایگاه نخست و بخش صنعت جایگاه دوم خویش را با سهم ۱۴۹,۴ میلیون دالری در کل صادرات کشور حفظ کرده است. در بخش خدمات نیز هیچ گونه کالاهای صادراتی، وجود نداشته است.

نشان‌دهنده نقش بخش‌ها در میزان صادرات افغانستان



با نگاهی به آمار فوق، می‌توان دریافت که نقش بخش زراعت در قسمت سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص ملی در وضعیت خوبی نیست، ولی با تمام این مشکلات، این بخش بیشترین ارز آوری را به داخل افغانستان داشته است.

علاوه بر آن با توجه سهم زیاد زراعت در اشغال، این سکتور جایگاه ویژه‌ای را در اقتصاد افغانستان داشته و می‌تواند یکی از شاخص‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌ها برای توسعه بنیادین و متوازن در اقتصاد افغانستان به حساب آید و نقش تعیین‌کننده را در عاید ناخالص ملی (GDP) کشور داشته باشد.

طبق ارزیابی اداره سی‌آی‌ای (CIA) آمریکا، بر مبنای درآمد سرانه، افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، در جایگاه یکصد و هفتادمین کشور جهان قرار دارد. بر اساس ارزیابی بانک جهانی نیز افغانستان از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، در بین ۱۹۰ کشور جهان، جایگاه ۱۷۵مین را دارا بوده است.

گزارش بانک جهانی تعداد افراد مستعد به کار را در افغانستان حدود ۱۵ میلیون نفر اعلام کرده که از این میان دو بخش صنعت و خدمات هریک ۱۰ درصد از نیروی کار را به خود اختصاص داده و ۸۰٪ دیگر آن در بخش زراعت و مالداری مشغول به کار بود و ده درصد دیگر در سایر بخش‌ها مصروف کار هستند. این نشان می‌دهد که ۱۲ میلیون نفر در بخش زراعت مشغول به کار اند. آنان نقش عمده را در افزایش درآمد سرانه کشور داشته زیرا اغلب این افراد نان آور اصلی خانواده خود به حساب می‌آید.

وزارت زراعت افغانستان چهار چوب توسعه ملی این کشور را تدوین کرده است. این چهار چوب از سال ۲۰۱۰ به بعد دورنمای ۱۰ ساله زراعت افغانستان را چنین پیش‌بینی نموده است:

## اهداف عمده این طرح عبارت است از:

افزایش تولید سالانه غله جات به ۹ میلیون تن در سال

اعمار تعداد ۳۰ بند متوسط و کوچک آبیاری

افزایش زمین‌های تحت آبیاری به ۳ میلیون هکتار

افزایش ارزش صادرات زراعتی از ۵۰۰ میلیون دالر کنونی به حداقل ۲,۵ میلیارد دالر در سال

رشد سالانه ۴,۵٪ مالداري و ۵٪ باغداری.

احياء ۲۰۰ هزار هکتار جنگلات و ۵ ميليون هکتار علفچرها

اجاره دهی ۶۰۰ هزار جریب (هر جریب معادل ۲۰۰۰ متر مربع) زمین به هدف فعالیت‌های صنایع زراعتی، مخابراتی، تجاری، تولیدی و خدمات عمومی

بر اساس برنامه جامع توسعه زراعت و چهارچوب توسعه ملی زراعت، به مدرنیزه شدن بخش زراعت توجه شده و کشاورزی به صورت جهشی توسعه خواهد یافت. در کل می توان گفت که زراعت تاکنون عامل مهم در تولید خانواده روستایی بوده و توسعه زراعت می تواند به توسعه اقتصادی در افغانستان منجر شود. (حسینی، ۱۳۹۲)

### نقش بخش زراعت در اقتصاد

نقش بخش زراعت از لحاظ تامین درآمد، اشتغال، ارز آوری، بازار، و به‌ویژه تامین غذا در میان سایر بخش‌ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برای آشنایی بیشتر، نقش بخش زراعت در هر یک از موارد مذکور در زیر توضیح داده میشود.

### تامین غذا:

از وظایف اصلی بخش زراعت در هر کشوری تامین نیاز های غذایی آن جامعه است. استقلال غذایی هر کشوری از چنان اهمیتی برخوردار است که استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن میتواند تحت الشعاع آن قرار گیرد. کشورهای صادرکننده مواد غذایی که غالباً کشورهای صنعتی هستند با قدرت انحصاری خود توانسته اند کشورهای در حال توسعه نیازمند را در کنترل خود درآورند.

### سهم زراعت در درآمد ملی:

بخش زراعت یکی از اجزای تشکیل دهنده درآمد و یا تولید ملی در اکثر کشورها است. طوریکه تا سالهای ۱۸۵۰ در تمامی کشورها بالاترین سهم در تولید و درآمد ملی کشورها بخش زراعت بوده است و به تدریج با توجه به پیشرفت های تکنالوژی و گسترش بخش های صنعت و خدمات،

سهم بخش زراعت در تولید ملی رو به کاهش نهاده تا این که در سال ۱۹۵۰ که در اکثر کشورها توسعه یافت سهم بخش زراعت در تولید ناخالص ملی به ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش یافته است. اما در کشور های در حال توسعه همچنان بخش زراعت از جمله مهم‌ترین بخش اقتصاد محسوب میشود و در کشورهای در حال توسعه، سهم کشاورزی بین ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی میباشد.

### ارتباط با بازار:

زراعت علاوه بر تامین نیازهای مواد غذایی مصرفی، تامین کننده نهاده برای بعضی از بخش های دیگر اقتصادی است. مثلاً با تولید پنبه، نهاده برای صنایع نساجی و روغن کشی، با تولید لبلبو قندی و نیشکر نهاده برای صنایع قند، با تولید پشم نهاده برای صنایع فرش و غیره تامین می‌نماید. ارزش این نهاده‌ها با توجه به اهمیت بازار بعضی محصولات مثل فرش فوق العاده زیاد است.

### اشتغال:

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که در گذشته تقریباً در همه کشورها، بخش زراعت بیشترین جمعیت شاغل را بخود اختصاص داده است. ویژه‌گی‌های منحصر به فرد بخش زراعت این قابلیت را دارا است، که بتواند همواره تعداد قابل ملاحظه‌ای از جمعیت جویای کار را هضم نماید. قبل از سال های ۱۸۵۰ در تمامی کشورها بیش از ۵۰٪ از جمعیت شاغل در بخش زراعت مشغول به فعالیت بوده‌اند و این درصد طی سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ برای کشورهای پیشرفته رو به کاهش نهاده و بخش های صنعت و خدمات جایگزین بخش زراعت گردیده است، طوریکه بعد از سالهای ۱۹۵۰ در کشورهای توسعه یافته حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از جمعیت شاغل در بخش زراعت مشغول بوده‌اند. این درحالی‌ست که بخش زراعت در کشورهای در حال توسعه یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که جمعیت شاغل در آن بسیار زیاد است.

### ایجاد توازن در بازار کار و سرمایه:

بخش زراعت میتواند از طریق انتقال مازاد نیروی کار و سرمایه به توسعه سایر بخش‌ها کمک نماید. البته این انتقال زمانی مولد است که اولاً منجر به کاهش تولیدات زراعتی نشود، ثانیاً

بخش‌های دیگر قابلیت جذب این مازاد را در خود داشته باشند، در غیر این صورت باید با حفظ جمعیت شاغل در بخش زراعت بازار کار را متوازن نگاه داشت.

## دلایل اهمیت زراعت در توسعه اقتصادی

### مزیت نسبی طبیعی:

مزیت نسبی یکی از ویژه‌گی‌های تولیدات زراعتی و رمز برتری آن نسبت به تولیدات صنعتی می‌باشد. در بعضی از کشورها به لحاظ وضعیت طبیعی و جغرافیایی محصولات زراعتی دارای برتری نسبی هستند. این موضوع بخصوص در کشورهای جهان سوم با سطح تکنالوژی پایین برای ورود محصولات زراعتی به بازار بین‌المللی اهمیت حیاتی دارد. لازم به یادآوری است که محصولات زراعتی دارای مزیت نسبی طبیعی می‌باشند. اما محصولات صنعتی در صورتی می‌توانند با محصولات مشابه رقابت کنند که دارای مزیت نسبی مصنوعی باشند.

### عدم نیاز به تکنالوژی پیچیده و تخصص‌های ویژه :

بخش زراعت برخلاف صنعت می‌تواند با سطوح مختلف تکنالوژی و تخصص، کارآمد و حتی بدون دخالت انسان دارای بازده مناسب باشد. بخش زراعت کشورهای جهان سوم با تکیه بر مزیت نسبی و علی‌رغم پایین بودن سطوح فنی، مالی و انسانی از ظرفیت و پتانسیل‌های لازم برای تولید و توسعه برخوردار می‌باشد.

### تامین نیازهای ضروری:

انسان برای بقا و رشد نیاز به کالاها و خدماتی دارد که متناسب با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی پیوسته بر دامنه‌ی آن افزوده شود. درین میان غذا به عنوان فرآورده‌های بخش زراعت از اهمیت حیاتی برخوردار است و قابل جایگزینی نیست.

### ظرفیت‌های بالقوه :

تولید زراعتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم در مرحله کشت سطحی قرار دارد، لذا این گونه کشورها دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای می‌باشند که با روش‌های ساده و ارزان، به عنوان استفاده از تخم‌های اصلاح شده و سایر عوامل امکان افزایش تولید فراهم می‌باشد.



## نیاز به سرمایه ارزی اندک :

در مراحل اولیه توسعه، بخش زراعت نسبت به سایر بخش‌ها به سرمایه‌گذاری ارزی کمتری نیاز دارد، عدم وابستگی شدید بخش کشاورزی به درآمدهای بخصوص در کشورهای جهان سوم که معمولاً دچار تنگناهای ارزی می‌باشند، نشانگر اهمیت این بخش در روند توسعه اقتصادی این جوامع می‌باشد.

## زمان بازگشت سرمایه :

سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی مانند صنایع سنگین، معادن، فلزات و غیره معمولاً دیر بازده می‌باشند. همچنین به علت وابستگی سرمایه‌گذاری‌ها به اعتبارات دولتی و درآمدهای ارزی و فقدان ثبات در تامین آنها، اجرای این پروژه‌ها و بازگشت آنها سالها به تاخیر می‌افتد. در حالی که سرمایه‌گذاری در بخش زراعت به دلایل مختلف سریع‌تر به بازده و بهره‌برداری می‌رسند و لذا بازگشت سرمایه در زراعت زودتر از صنعت می‌باشد. (اکبری و شریف، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۵)

## وظایف سکتور زراعت در توسعه اقتصادی:

- ۱- زراعت می‌تواند کارگران مورد نیاز صنعت را فراهم نماید.
- ۲- زراعت می‌تواند پس‌انداز لازم را جهت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی فراهم نماید.
- ۳- زراعت با بالابردن سطح محصولات خود قادر است برای کالاهای صنعتی تقاضا ایجاد نماید.
- ۴- زراعت می‌تواند باتهیه کالاهای صادراتی جهت خرید کالاهای سرمایه‌ای و غیره ارزش لازم را فراهم سازد.
- ۵- زراعت می‌تواند مواد غذایی جامعه را تامین نماید.
- ۶- زراعت نقش مهمی در تشکیل سرمایه دارد. (گردیزی، ۱۳۸۹: ۵۲)

### نقش بخش زراعت در توسعه اقتصادی:

سکتور زراعت معمولاً مهم‌ترین بخش اقتصادی کشورهای در حال رشد است زیرا در این کشورها رسالت تولید و تهیه مواد غذایی کشور و اندوختن بخش بزرگی از ذخایر ارزی به عهده این بخش می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه این بخش در برگیرنده توده‌ی عظیمی از نیروهای انسانی می‌باشد پیشرفت کشاورزی را باید یکی از اهداف بزرگ اقتصادی - اجتماعی و انمود کرد، واضح است که در بررسی اهمیت سکتور زراعت در پیشرفت و توسعه هر یک از کشورهای رو به انکشاف باید چارچوب کلی را بر مشخصات و ویژه‌گی‌های اقتصادی آن کشور تطبیق داد، سپس به نتیجه‌گیری و ارائه طریق پرداخت. از نظر تاریخی سهم عمده سکتور زراعت در توسعه اقتصادی یک کشور از دو طریق بوده است:

۱- افزایش محصولات زراعتی

۲- استفاده از مازاد های زراعتی

برای تامین کوشش‌های مربوط به رشد و توسعه این دو مورد البته به یکدیگر مربوط است، زیرا افزایش محصولات معمولاً سبب میشود که زراعت از یک واحد اقتصادی بسته و قایم بالذات خارج شود، و به یک واحد اقتصادی مربوط و متکی به بازار مبدل گردد، و درست از همین مرحله به بعد، مازادهای زراعتی به عناوین ذیل تقسیم‌بندی می‌شود:

الف- مازاد نیروی انسانی

ب- مازاد واقعی

منظور از مازاد نیروی انسانی این است که اگر سکتور زراعت در کنار سکتور صنعت قرار گیرد، دولت از طریق برنامه‌ریزی میتواند نیروهای مازاد را از بخش زراعت خارج کرده و مرحله به مرحله آنها را در صنایع جای دهد و از این طریق از یکطرف میتواند نیروهای مولد صنعتی را فراهم نماید و از طرف دیگر میتواند با افزایش بهره‌وری، تولید سرانه در سکتور زراعت را افزایش دهد که همان از بین بردن بیکاری مخفی در این بخش است.

منظور از مازاد واقعی سکتور زراعت آن قسمت از تولیدات زراعتی است که روستاییان خود به مصرف نمی‌رسانند و آنرا به واسطه دلالان و تاجران محصولات زراعتی در شهرها می‌فروشند. پس

مازاد واقعی زمانی ایجاد میشود که با افزایش بهره‌وری در این بخش دهاقین بیش از نیاز خود تولید نمایند. معمولاً مازاد واقعی به دو صورت ظاهر می‌شود، یکی به صورت کالا‌های اساسی که جنبه غذایی دارد و دیگر کالا‌های که مواد اولیه صنایع را تامین میکنند. (قره‌باغیان، ۱۳۶۹: ۸۷)

### مدیریت و توسعه زمین‌های زمین زراعتی:

نخستین مسئولیت مدیریت اقتصاد توسعه زمین است، زیرا یکی از موانع افزایش تولیدات زراعتی کمبود زمین‌های آماده زراعت میباشد. زمین‌های زراعتی در هر کشوری دو گونه است:

۱- آنهایی که قابلیت احیاء و آماده شدن دارند.

۲- آنهایی که از گذشته‌ی دور تا حال مورد استفاده قرار گرفته اند.

این دو نوع زمین در افغانستان به دلایل ذیل اندک می‌باشد.

الف- این کشور به دلیل کوهستانی بودن زمین‌های آماده زراعت کم دارد و زمین‌های قابل آماده شدن هنوز در اغلب مناطق دست نخورده‌اند. در حال حاضر فقط از زمین‌های آماده استفاده می‌گردد.

ب- قوم‌گرایی و منطقه محوری دومین مانع افزایش زمین‌های زراعتی بوده است. به همین علت زمین‌های لامزروع در تصرف بعضی اقوام خاص بوده و به دیگران اجازه احیاء و استفاده‌ی آن را نمی‌دهند، بنابراین از ۹۰ درصد مردم این کشور، فقط در حدود ۷۰٪ آنان مختصر زمینی در قطعه‌های کوچک در اختیار دارند و ۳۰ درصد بقیه فاقد زمین هستند. طبق اظهار نظر کارشناسان در افغانستان نه زمین کم است و نه آب، اگر این زمین‌ها به صورت عادلانه در میان شهروندان این کشور توزیع گردد، فقر و محرومیت کاهش خواهد یافت.

### راهکارهای توسعه‌ی آب

در مدیریت توسعه آب حداقل دو طریق ذیل باید اجراء گردد:

۱- آبخیزداری: این فعالیت فقرزدا به این صورت است که در دل کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی افغانستان با ایجاد چال‌ها و شیارهای متعدد و حساب شده جلو خیزش آب گرفته

شود تا آب در دل کوه‌ها ذخیره گردد و در فصل گرما در اختیار دهاقین قرار گیرد. باید قطره-قطره‌های باران را در دل زمین ذخیره نمود و از ضایع شدن آن جلوگیری به عمل آورد.

۲- احداث بند ها: دومین شکل آبخیز داری ساختن بند آب است، که آب های باران را در فصل زمستان ذخیره نمایند. ضرورت این سیاست در کل افغانستان به ویژه در مناطق مرکزی بر انسان‌های آگاه پوشیده نیست. بند سازی میتواند زراعت را توسعه دهد و برق صنعتی و خانگی در اختیار مردم بگذارد و اشتغال ایجاد نماید. همچنین میتواند محل پرورش ماهی برای تکمیل جیره غذایی قرار گیرد.

اگر آب‌های افغانستان به خوبی در پشت بندها جمع‌آوری گردد از مصرف داخل کشور زیاد خواهد آمد و میتواند در معرض فروش به کشور های همجوار قرار گیرد. همچنین از آب های معدنی آن با توجه به شیرینی و کیفیت آن میتوان به کشور های دیگر صادر کرد و اسعار دریافت نمود. احداث بند ها می‌تواند باعث توسعه زراعت، مالداری، باغداری و پرورش ماهی گردد، اشتغال ایجاد نموده و علاوه بر برق و سوخت کافی در اختیار مردم قرار گرفته، خسارات خشکسالی را به حداقل رسانده و ملت را از وابستگی اقتصادی نجات دهد. (یزدی، ۱۳۸۸: ۵۹-۶۲)

### ارتباط توسعه‌ی کشاورزی و توسعه‌ی صنعتی

اقتصاد دانان دهه ۱۹۴۰ بر این عقیده بودند که توسعه‌ی کشاورزی و صنعتی به دلیل محدود بودن منابع اقتصادی در دو جهت متضاد حرکت می‌کنند، در حالی که در میان اقتصاددانان معاصر این باور وجود دارد که نه تنها تضادی بین رشد هماهنگ دو بخش وجود ندارد، بلکه، آنها می‌توانند در جریان توسعه اقتصادی به رشد یکدیگر کمک کنند. رشد بخش کشاورزی به معنی تأمین مواد غذایی برای شاغلان دیگر بخش‌های اقتصاد، و نیز تولید مواد اولیه برای بخش صنعت است. از یک سو، به طور هم زمان افزایش تقاضا برای محصولات تولید شده در بخش‌های دیگر به وسیله‌ی بخش کشاورزی، منابع پس‌انداز و سرمایه گذاری را بیشتر می‌کند و مراحل بعدی توسعه اقتصادی را سرعت می‌بخشد، و از سوی دیگر، با صادرات مازاد محصولات کشاورزی به دیگر کشورها می‌توان وجوه ارز خارجی لازم برای واردات کالاهای سرمایه ای، کالاهای واسطه ای و مواد اولیه

برای صنعتی شدن کشور را تأمین کرد. توسعه کشاورزی نه تنها صادرات را افزایش می‌دهد، بلکه، با برآورده ساختن نیازهای مواد غذایی کشور می‌توان در واردات این محصولات صرفه‌جویی کرد، در نتیجه، مقادیر بیشتری ارز برای واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز صنعتی اختصاص داد.

از طرف دیگر، صنعتی شدن نیز می‌تواند به اشکال گوناگون بر رشد کشاورزی تأثیر مثبت داشته باشد. در جریان صنعتی شدن درآمدها به سرعت افزایش می‌یابد که این امر، خود تقاضا برای محصولات کشاورزی به ویژه مواد غذایی را افزایش می‌دهد. از آنجا که تولید مواد غذایی در بخش زراعت کاربر است، افزایش تقاضا برای تولیدات کشاورزی، بازدهی نهایی سرمایه و کار را در این بخش افزایش می‌دهد. این امر نیز به نوبه خود اشتغال در مناطق روستایی را افزایش خواهد داد. صنعتی شدن، حجم سرمایه در بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد، که این موضوع نیز به نوین کردن کشاورزی و در نتیجه، افزایش تولید کمک می‌کند. این استدلال‌ها بر پایه این فرض هستند، که یک رابطه‌ی متقابل بین بخش‌های کشاورزی و صنعت در اقتصاد کشور وجود دارد و محرک اولیه برای رشد اقتصادی شتابنده باید از درون بخش کشاورزی آغاز شود. اگر این فرض‌ها معتبر باشند، آنگاه استراتژی دولت در مورد تمرکز بر بخش صنعت صحیح نبوده، بلکه باید متوازن و با اولویت بیشتری نسبت به زراعت باشد.

پژوهشگران رشد متوازن به معنی تلاش‌های هم‌زمان برای توسعه کشاورزی و صنعت را ضروری دانسته و عقیده دارند که ماهیت رابطه‌ی درونی میان کشاورزی و صنعت در مراحل مختلف توسعه، دارای اثرات مهمی در انتخاب‌استراتژی توسعه موفقیت آمیز خواهد داشت، و در بلند مدت رابطه‌ی مبادله به زیان کشورهایی که صادرکننده‌ی محصولات اولیه و واردکننده‌ی کالاهای صنعتی هستند، تغییر خواهد کرد. از این رو، این پژوهشگران توصیه نمودند که در کشورهای در حال توسعه باید اولویت را به جایگزینی واردات کالاهای صنعتی در مقابل تولید کالاهای کشاورزی صادراتی داد. (کرباسی، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۵)

## بخش دوم

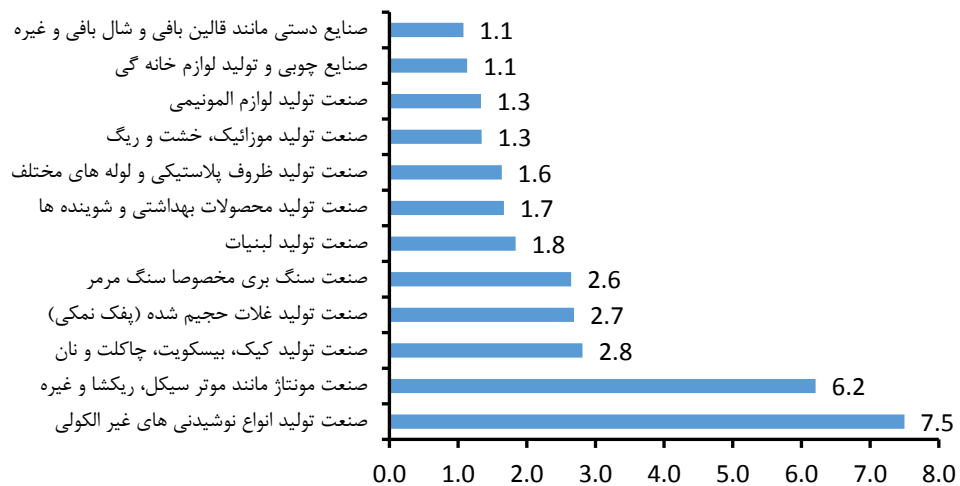
### یافته‌های تحقیق میدانی

#### صنعت

داده‌های دست اول این بخش تحقیق، از طریق توزیع پرسشنامه برای کارشناسان سکتور صنعت، بدست آمده است. کارشناسان، متخصصان و دست اندرکاران سکتور صنعت در دو مرحله به پرسشنامه‌های جداگانه پاسخ ارائه نموده‌اند؛ در مرحله نخست، در یک پرسشنامه باز، زمینه‌های رشد و توسعه سکتور صنعت را برجسته ساختند و در مرحله دوم، گزینه‌های پیشنهادی متخصصان لست گردید تا اولویت بندی مورد نظر به دست آید. به همین روش، حسب معلومات آتی، رشد یافته‌ترین صنایع موجود در هرات، زمینه‌های سرمایه‌گذاری، توقعات سکتور صنعت از دولت، مهم‌ترین امور صنایع داخلی جهت رقابت با صنایع خارجی، صنایع مفید در کاهش بیکاری و چالش‌های عمده صنایع توسط متخصصان و اهل فن اولویت‌بندی گردید.

شکل (۱-۲) نمایانگر صناعی است که در شهر هرات از رشد بیشتری برخوردار اند. چنان‌که در شکل دیده می‌شود، در نظرسنجی از کارشناسان و خبره‌گان سکتور صنعت در هرات، صنعت تولید انواع نوشابه‌های غیر الکلی رشد یافته‌ترین بخش صنعت در هرات معرفی شده است. به همین گونه، صنعت مونتاز مانند موتورسیکل و ریکشا مقام دوم را از آن خود نموده است. صنعت تولید کیک، بیسکویت، چاکلت و نان در جایگاه سوم، صنعت تولید غلات حجیم شده (پفک نمکی) در جایگاه چهارم و صنعت سنگبری مخصوصاً سنگ مرمر جایگاه پنجم را حاصل کرده است. صناعی مانند تولید لیبنيات، محصولات بهداشتی و شوینده‌ها، صنعت تولید ظروف پلاستیکی و انواع لوله‌ها، صنعت تولید موزائیک، خشت و ریگ، صنعت تولید لوازم آلومینیومی، صنعت تولید لوازم خانه‌گی و در نهایت صنایع دستی مانند قالین‌بافی و شال‌بافی بالترتیب در جایگاه ششم الی دهم قرار گرفته‌اند.

شکل (۱-۲) درجه بندی صنایع رشد یافته در هرات

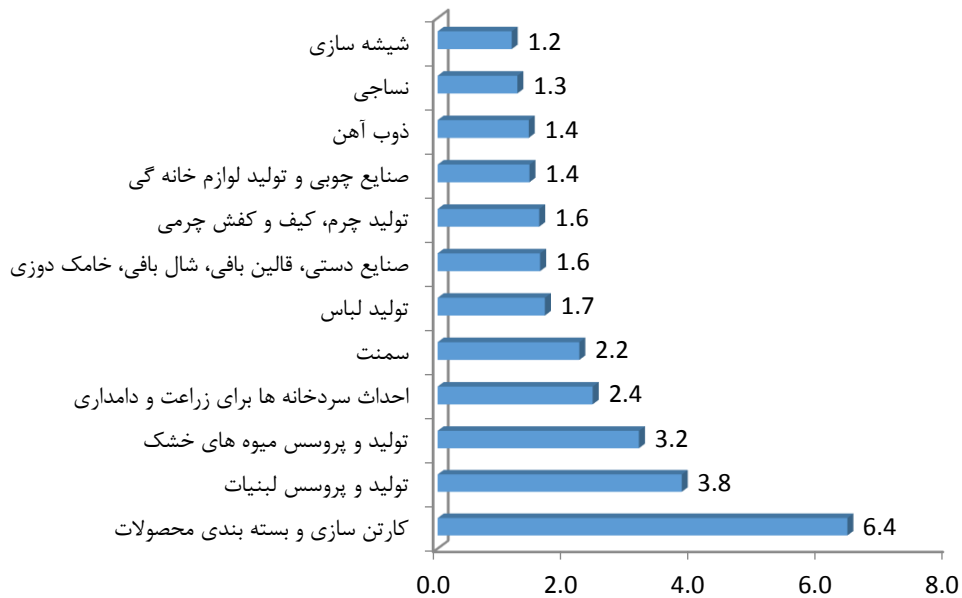


منبع: یافته های تحقیق میدانی

دلیل رشد صنعت تولید انواع نوشیدنی‌ها را، استفاده از مقدار زیاد آب به عنوان ماده اصلی ذکر نموده اند، چون آب ماده ارزان است و در تولید نوشیدنی‌ها به پیمانه وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد، واردات نوشیدنی‌ها به دلیل حجم و وزن زیاد و پرداخت کرایه، به صرفه نیست.

به منظور کشف زمینه‌های سرمایه‌گذاری در ولایت هرات، از پاسخ دهنده‌گان خواسته شد تا صناعی را که امکان ایجاد و یا سرمایه‌گذاری در آنها بیشتر است، اولویت بندی نمایند. در پاسخ به این بخش، حسب شکل (۲-۲) صنعت کارتن‌سازی و بسته‌بندی محصولات به عنوان صنعتی که بیشترین امکان سرمایه‌گذاری در آن وجود دارد معرفی گردیده است. به تعقیب آن، صنعت تولید و پروسس لبنیات در مقام دوم و صنعت تولید و پروسس میوه‌های خشک به عنوان سومین صنعتی که زمینه‌های سرمایه‌گذاری در آنها میسر است، برگزیده شده اند. احداث سردخانه برای زراعت و دامداری، تولید سمنت، تولید لباس، صنایع دستی، تولید چرم کیف و کفش، صنایع چوبی و لوازم خانه‌گی، ذوب آهن، نساجی و شیشه‌سازی به ترتیب مقام چهارم الی دوازدهم را به خود اختصاص داده اند.

شکل (۲-۲): درجه بندی زمینه های سرمایه گذاری در هرات



منبع: یافته های تحقیق میدانی

دلیل انتخاب صنعت کارت‌ن‌سازی و بسته بندی محصولات، نیاز روزافزون سایر صنایع به این بخش عنوان شده است. در قسمت انتخاب صنعت تولید لبنیات به عنوان دومین امکان برای سرمایه‌گذاری، به دلیل وجود فارم‌های گاوداری در هرات، بر ضرورت پروسس صنعتی و صحتی این تولیدات تاکید گردیده است.

اکثر اقتصاددانان جهان، بدون توجه به مکتب فکری‌شان، متفق‌القول اند که برای چیره شدن بر تنگناهای موجود کشورهای در حال توسعه، دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی ضروری است و دولت باید نقش عمده‌ای در روند توسعه اقتصادی داشته باشد. دولت، در واقع نمی‌تواند به مثابه یک ناظر بی‌طرف عمل کند. مشکلات کشورهای در حال توسعه آنچنان پیچیده و گسترده

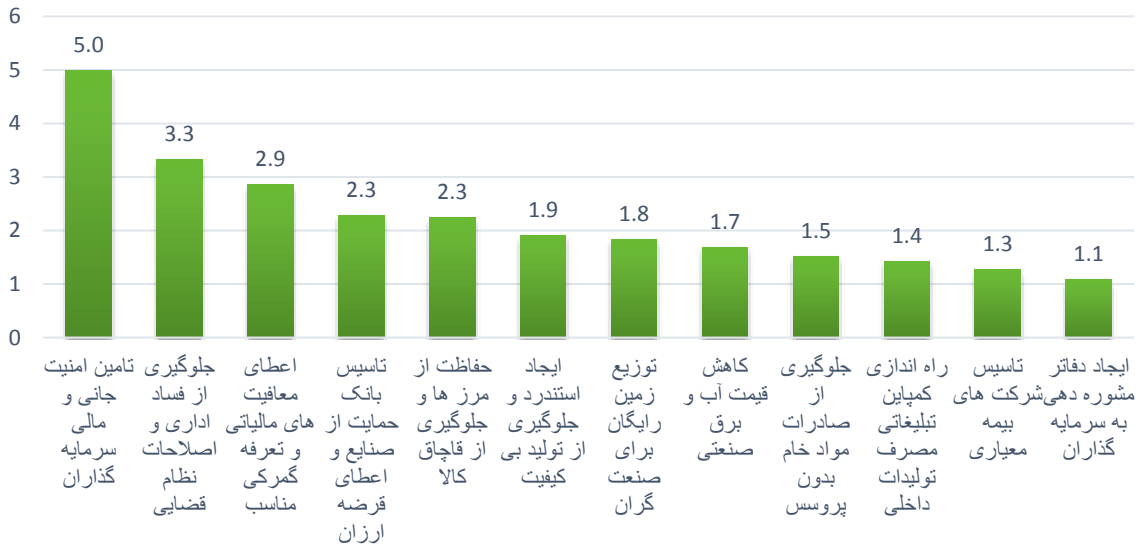


است که نمی‌توان حل آنها را به عهده‌ی بازار آزاد و میکانیزم قیمت گذاشت. بخش خصوصی توانایی حل این معضلات را ندارد، زیرا قاعد توانایی مالی، ابتکار، رشد کافی و انگیزه‌های لازم است. بنابر این، دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بخش جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی این کشور هاست. (قره‌باغیان، ۱۳۹۰: ۷۰۲)

در این تحقیق از کارشناسان و دست اندرکاران صنعت پرسیده شد که جهت رشد و توسعه صنایع، دولت افغانستان باید چه کارهایی انجام دهد؟

چنان که شکل (۳-۲) نشان می‌دهد، پاسخ دهنده‌گان مهم‌ترین وظیفه دولت را تأمین امنیت جانی و مالی سرمایه‌گذاران عنوان نموده و به تعقیب آن جلوگیری از فساد اداری را جهت رشد صنایع در جایگاه دوم جا داده‌اند. اعطای معافیت‌های مالیاتی و کاهش تعرفه گمرگی در مقام سوم، تأسیس بانک حمایت از صنایع و اعطای قرضه ارزان در مقام چهارم، و حفاظت از مرزها و جلوگیری از قاچاق کالا را در مقام پنجم دانسته‌اند. مواردی همچون ایجاد استندرد و جلوگیری از تولید بی‌کیفیت، توزیع زمین رایگان برای صنعت‌گران، کاهش قیمت آب و برق صنعتی، جلوگیری از صادرات مواد خام، راه‌اندازی کمپاین تبلیغاتی مصرف تولیدات داخلی، تأسیس شرکت‌های بیمه معیاری، و ایجاد دفاتر مشوره‌دهی به سرمایه‌گذاران به ترتیب در جایگاه ششم الی دوازدهم از وظایف دولت جهت رشد صنایع قرار گرفته‌اند.

شکل (۳-۲): توقعات از دولت جهت رشد صنایع



منبع: یافته های تحقیق میدانی

در اقتصاد، مبتکر کسی است که دارای توانایی‌های لازم برای شناسایی فرصت‌های موجود برای معرفی کالاهای جدید، روش‌های جدید تولید، و منابع جدید عرضه باشد و بتواند کالاهای سرمایه-ای از قبیل ماشین‌آلات و دیگر تجهیزات، نیروی کار و مدیران را در تحت پوشش یک واحد تولیدی سازمان بدهد. صرف نظر از سیستم سیاسی و اقتصادی هر کشور، قوه ابتکار یکی از ضروریات توسعه اقتصادی هر نظام اقتصادی یا سیاسی است. (قره‌باغیان، ۱۳۹۰، ۶۹۴)

در پهلوی موضوع توقعات از دولت، از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که در پروسه رقابت با صنایع سایر کشورها مخصوصاً کشورهای منطقه، صنایع نوپای ولایت هرات باید چه اقداماتی را روی دست بگیرند؟ در پاسخ به این سوال، پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین مسئله را استفاده از تکنولوژی جدید و توجه به کیفیت محصولات بیان نموده‌اند. این بدان معنی است که استفاده از تکنولوژی جدید یک نیاز جدی بوده و باید به بهبود کیفیت محصولات داخلی بیشتر از پیش توجه گردد، در غیر آن صنایع داخلی توان رقابتی کافی با صنایع رقیب کشورهای منطقه نخواهند داشت. به تعقیب

آن، توجه به نوآوری و ایجاد ابتکار در تولید و بسته‌بندی در مقام دوم سفارشات به صنایع داخلی عنوان شده است. سرمایه‌گذاری روی کالایی که متکی به مواد خام داخلی‌ست در جایگاه سوم و توجه به قیمت اجناس داخلی در مقایسه با اجناس مشابه خارجی در جایگاه چارم قرار گرفته‌اند. مواردی همچون بهبود مدیریت، تشویق مادی و معنوی کارمندان و کارگران؛ بلندبردن ظرفیت کارمندان و کارگران؛ استاندارد سازی؛ ایجاد نمایشگاه‌های داخلی و خارجی محصولات تولیدی؛ ایجاد شبکه‌های مؤثر و اتحادیه‌های صنفی؛ و گسترش روابط با دانشگاه‌ها و انجام تحقیقات به ترتیب در جایگاه پنجم الی دهم قرار گرفته‌اند.

شکل (۴-۲) نشان دهنده اولویت‌بندی سفارشات به صنایع داخلی‌ست تا از میدان رقابت پیروز بدر آیند.

شکل (۴-۲): سفارشات به صنایع داخلی جهت رقابت با صنایع خارجی

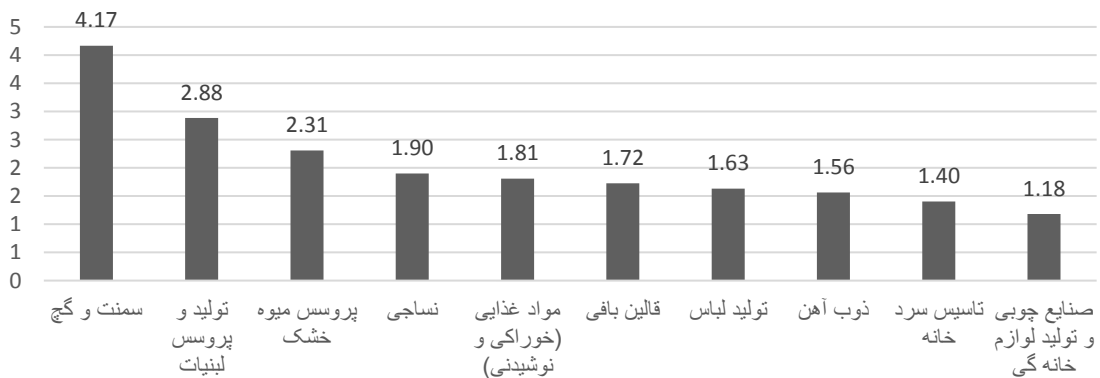


منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

اشتغال‌زایی، که از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه اقتصادی قلمداد می‌شود، منحنی یک پیامد برجسته و ارزنده‌ی سرمایه‌گذاری‌های بخش صنعت، نیز مورد نظرسنجی کارشناسانه‌ی متخصصان این سکتور قرار گرفته است. از پاسخ‌دهنده‌گان پرسیده‌شد که ایجاد کدام صنایع جهت کاهش بیکاری مفید است؟ پاسخ‌های دریافتی در تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، از میان ده صنعت که به عنوان اشتغال‌زاترین بخش‌ها شناخته شده‌اند، صنعت تولید سمنت و گچ جایگاه اول را به خود اختصاص داده‌اند. صنعت تولید و پروسس لبنیات، پروسس میوه خشک، نساجی، مواد غذایی (خوراکی و نوشیدنی)، قالین‌بافی، تولید لباس، ذوب آهن، تأسیس سردخانه و در نهایت صنایع چوبی و تولید لوازم خانگی از لحاظ اشتغال‌زایی مقام دوم الی دهم را کسب نموده‌اند.

چنانکه شکل (۵-۲) نمایان می‌سازد، تأسیس شرکت‌های تولید سمنت و گچ می‌تواند تأثیرات مثبتی در کاهش بیکاری داشته باشد. از آنجائی‌که سمنت و گچ به عنوان مواد خام در صنعت ساختمان‌سازی استفاده می‌شود، در پهلوی افزایش استخدام در تولید این دو ماده، تأثیرات ضریبی در افزایش شغل در سکتور ساختمانی نیز خواهد داشت.

شکل (۵-۲): درجه بندی تجارت‌های اشتغال‌زا در سکتور صنعت شهر هرات



منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

در این تحقیق از متخصصین رشته و اهل صنعت در مورد چالش‌های عمده‌ی سکتور صنایع هرات نیز پاسخ خواسته شد. از آنجائی که هیچ سرمایه‌گذاری و تجارتي خالی از چالش و مشکل نیست، چالش‌های عمده‌ی پیش روی سکتور صنایع در هرات حسب ذیل درجه‌بندی گردیده است.

طوری که در شکل (۶-۲) دیده می‌شود، پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین چالش فراروی سکتور صنعت در هرات را نبود امنیت مالی و جانی سرمایه‌گذاران عنوان کرده‌اند. به تعقیب آن عدم ثبات سیاسی، اقتصادی و حکومت‌داری خوب را به عنوان دومین چالش معرفی نموده‌اند. چالش‌های دیگری چون: قاچاق اجناس مشابه تولیدات داخلی؛ موجودیت فساد اداری؛ نبود تعرفه‌های حمایتی و بلند بودن محصولات گمرکی مواد خام؛ رقابت ناسالم خارجی و ورود اجناس بی‌کیفیت خارجی؛ عدم موجودیت شبکه‌ی مالی و قرضه‌دهی با نرخ ربح مناسب؛ بلند بودن قیمت برق و آب صنعتی و کمبود انرژی؛ نبود زیربناهای اقتصادی؛ حقوقی و اجتماعی؛ نبود سبسایدی و پالیسی‌های تشویقی و حمایتی صنعت‌گران؛ فرار مغزها و پائین بودن ظرفیت‌های انسانی و در نهایت مشکلات ترانسپورتي و ترانزیتی به ترتیب به عنوان چالش‌های سکتور صنایع در هرات عنوان شده‌اند.

(۶-۲): درجه بندی چالش‌های فراروی سکتور صنعت در هرات

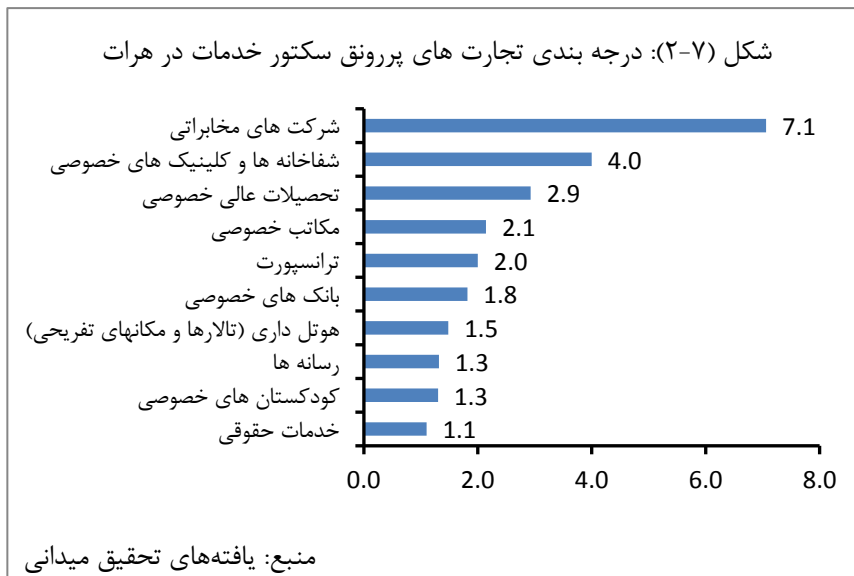


منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

## خدمات

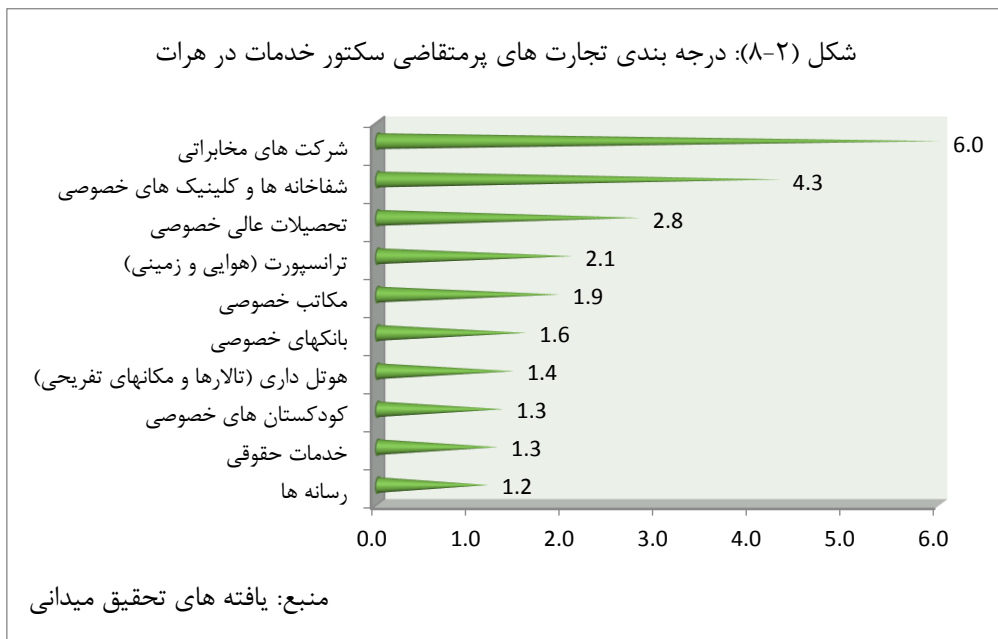
چنان‌که قبلاً تذکر رفت، داده‌های دست اول در این تحقیق از طریق توزیع پرسشنامه برای کارشناسان سکتور خدمات، بدست آمده است. کارشناسان و متخصصان سکتور خدمات در دو مرحله به پرسشنامه‌های جداگانه پاسخ ارائه نموده اند؛ در مرحله نخست، در یک پرسشنامه باز، زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی در سکتور خدمات را برجسته ساختند و در مرحله دوم، مهم‌ترین و برجسته‌ترین تجارت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بخش خدمات را اولویت‌بندی و درجه‌بندی نموده اند.

شکل (۷-۲) نمایانگر مهم‌ترین تجارت‌های سکتور خدمات از لحاظ درجه رشد و رونق در شهر هرات می‌باشد. چنانکه در شکل مذکور دیده می‌شود، در وضعیت کنونی بازار هرات، عرضه خدمات مخابراتی به عنوان پررونق‌ترین تجارت در بخش خدمات به حساب می‌آید چون در نظرسنجی کارشناسان و خبره‌گان سکتور خدمات حایز مقام اول رشد و رونق شده است. به همین گونه، تجارت‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در بخش صحت (شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی)، مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی، مکاتب خصوصی، ترانسپورت (هوایی و زمینی)، بانک‌های خصوصی و هتل‌داری (تالارها و خدمات تفریحی) صورت گرفته به ترتیب در رده‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم قرار می‌گیرند. البته خدمات رسانه‌یی، کودکستان‌ها و خدمات حقوقی در زمره تجارت‌های پررونق بشمار می‌روند، اما به مقایسه تجارت‌های قبلاً یادشده در درجه پایین‌تری قرار می‌گیرند.



البته اینکه شرکت‌های مخابراتی، شفاخانه‌های خصوصی و موسسات تحصیلات عالی خصوصی در بلندترین رده رشد و رونق قرار گرفته‌اند، از دید کارشناسان دلایلی دارد که حاصل‌دهی زودرس خدمات مخابراتی و صحتی، به صرفه بودن تداوی در داخل نسبت به خارج، تقاضای فزاینده به تحصیلات عالی و پایین‌بودن ریسک سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها از مهم‌ترین دلایل به حساب می‌آیند.

همان‌سان که از دید اقتصادی رشد متقاضیان یک بخش تضمین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی آن به حساب می‌آید، در این تحقیق میدانی، تجارت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سکتور خدمات از لحاظ رشد تقاضا مورد نظر سنجی کارشناسان قرار گرفته‌اند.

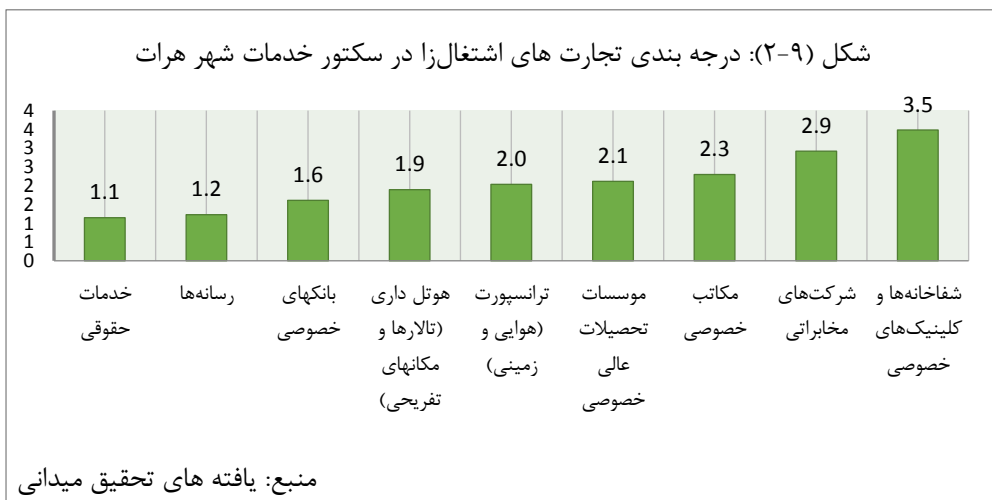


شکل (۲-۸) نشان می‌دهد که شرکت‌های عرضه‌کننده خدمات مخابراتی، خدمات صحتی (شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی) و خدمات تحصیلات عالی خصوصی به ترتیب در درجه اول، دوم و سوم پرمقتاضی‌ترین تجارت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در سکتور خدمات به‌شمار می‌رود. به همین‌گونه خدمات ترانسپورتهی، مکاتب خصوصی، بانک‌های خصوصی، هتل‌داری از لحاظ رشد

تقاضا به ترتیب در درجه‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم قرار می‌گیرند و خدمات حقوقی و رسانه‌ای در زمرهٔ پرمقتضای‌ترین تجارت‌ها در درجهٔ نهم و دهم قرار گرفته‌اند.

اشتغال‌زایی، که از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعهٔ اقتصادی قلمداد می‌شود، من حیث یک پیامد برجسته و ارزندهٔ سرمایه‌گذاری‌های بخش خدمات، نیز مورد نظرسنجی کارشناسان متخصصان این سکتور قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، از میان ۱۰ تجارت و سرمایه‌گذاری که به عنوان اشتغال‌زاترین تجارت‌های بخش خدمات شناخته شده‌اند، شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی حایز مقام اول است. به همین‌سان، شرکت‌های مخابراتی، مکاتب خصوصی، مؤسسات تحصیلات عالی و هتل‌داری بعد از شفاخانه‌های خصوصی به ترتیب در رده‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم مؤثرترین سرمایه‌گذاری‌ها در پروسهٔ اشتغال‌زایی قرار گرفته‌اند.

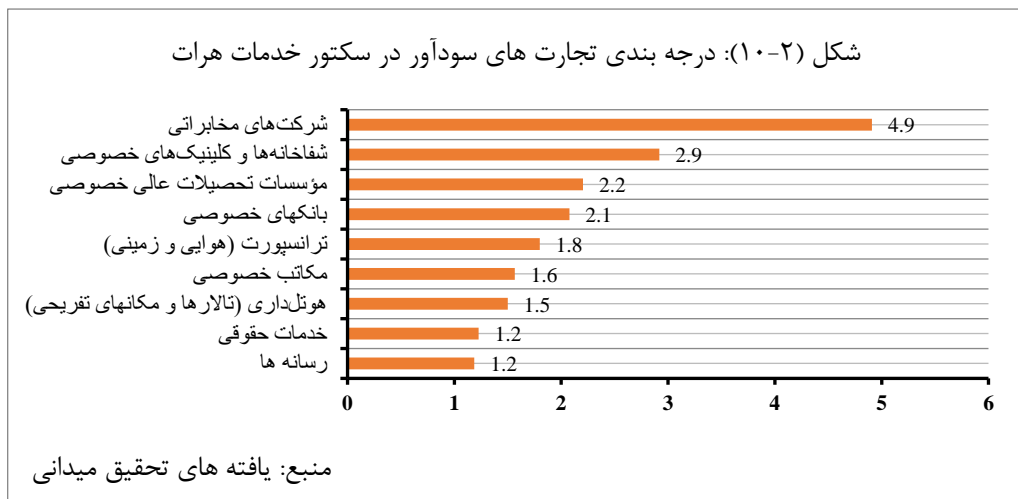
چنانکه شکل (۹-۲) نمایان می‌سازد، در وضعیت کنونی بازار هرات بیشترین اشتغال‌زایی را شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی و کمترین اشتغال‌زایی را (نظر به ۹ تجارت دیگر) خدمات حقوقی داشته است، البته دلیلی که در پس این امر نهفته است، رشد فزایندهٔ تأسیسات شفاخانه‌های خصوصی، رجوع چشم‌گیر مریض‌داران به تداوی‌های جای‌گزین تداوی‌های برون‌مرزی، پایین‌بودن میزان نسبی تقاضا به خدمات حقوقی و کالای اولیه محسوب شدن خدمات صحی نظر به خدمات حقوقی می‌باشد.





سودآوری، یکی دیگر از چشم‌گیرترین نشانه‌های رشد و توسعه تجارت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی قلمداد میشود. در این پژوهش، مهمترین و موثرترین تجارت‌های سکتور خدمات در هرات از لحاظ درجه مفادآوری مورد ارزیابی قرار گرفته اند.

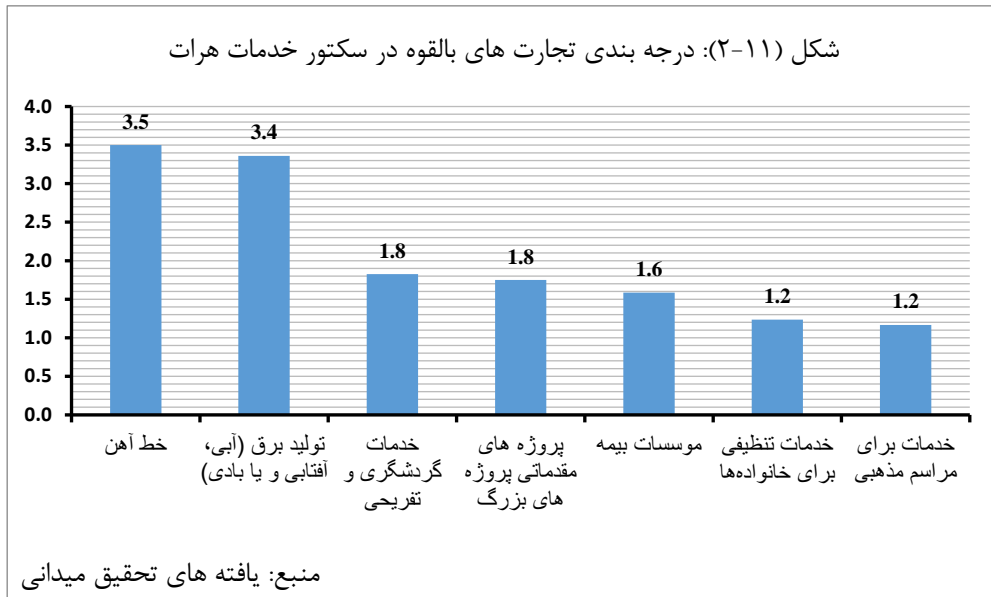
شکل (۱۰-۲) نشان می‌دهد که در میان ده تجارت و سرمایه‌گذاری که از لحاظ مفادآوری در اوج قرار دارند،



شرکت‌های مخابراتی در درجه اول است و به همین سان شفاخانه‌های خصوصی، مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی، بانک‌های خصوصی و ترانسپورت بعد از خدمات مخابراتی به ترتیب در درجه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم قرار می‌گیرند و مؤسسات عرضه‌کننده خدمات رسانه‌ای نظر به نه تجارت دیگر در پایین‌ترین درجه قرار می‌گیرد.

البته سزاوار تذکر است که درجه اول بودن شرکت‌های مخابراتی در مفادآوری، ناشی از حجم وسیع عرضه خدمات مخابراتی است چون ساحت پوشش خدمات مخابراتی به‌طور کل در افغانستان و به‌طور خاص در ولایت هرات از یک دهه بدین سو گسترش فزاینده و چشم‌گیری داشته است. همچنین درجه دهم بودن خدمات رسانه‌ای در مفادآوری، نظر به مجموع رسانه‌های فعال در هرات ارزیابی شده است، ورنه چند رسانه معدود مانند رسانه طلوع در این زمینه همواره پیش‌تاز و قابل توجه بوده اند.

در پهلوی تحلیل و ارزیابی تجارت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های موجود در سکتور خدمات، مهم‌ترین و موثرترین تجارت‌های بالقوه در این بخش توسط کارشناسان و اهل نظر مورد شناسایی و ارزیابی قرار گرفته است.

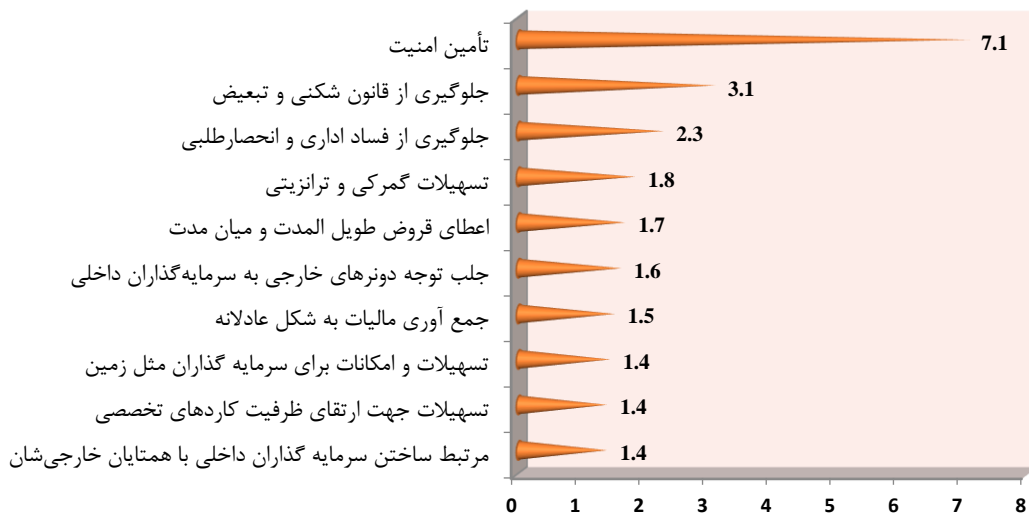


شکل (۱۱-۲) نشان می‌دهد که در بخش خدمات بازار هرات، هفت تجارت بالقوه وجود دارد که تاکنون به‌طور اساسی بالای آنها سرمایه‌گذاری نشده است و سرمایه‌گذاری در آن حوزه‌ها موثریت قابل توجهی را در پی خواهد داشت. در بین این تجارت‌ها، در اولویت‌بندی که توسط کارشناسان صورت گرفته، خدمات ترانسپورتی ذریعه خط آهن و تولید برق (آبی، آفتابی و بادی) به ترتیب در درجه اول و دوم قرار گرفته‌اند و همین‌سان خدمات گردشگری، پروژه‌های مقدماتی جهت گشایش پروژه‌های بزرگی همچون "ناپی"، خدمات بیمه، خدمات نظیفی برای خانواده‌ها و خدمات ویژه برای مراسم مذهبی به ترتیب در درجه‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم قلمداد شده‌اند.

رشد و توسعه اقتصادی هر بخشی به‌شمول بخش خدمات وابسته به مساعدسازی فرصت‌ها و تدابیر رشد‌دهنده نهاد دولتی نیز می‌باشد که در این پژوهش در نظرسنجی کارشناسان، مهم‌ترین تدابیر رشد‌دهنده سرمایه‌گذاری‌های بخش خدمات در ۱۰ مورد خلاصه شده است.

شکل (۱۲-۲) نمایان می‌سازد که در بین مهم‌ترین تدابیر و پالیسی‌های رشد‌دهنده سکتور خدمات، سه تدبیر یا پالیسی: (۱) تأمین امنیت؛ (۲) جلوگیری از قانون‌شکنی و تبعیض؛ و (۳) فراهم‌سازی تسهیلات گمرکی و ترانزیتی در بلندترین درجه اولویت قرار دارد و همین‌سان، اعطای قروض طویل‌مدت جهت تمویل سرمایه‌گذاری‌های بزرگ؛ جلب توجه تمویل‌کننده‌های خارجی به سرمایه‌گذاران داخلی؛ فراهم‌سازی زمینه‌ها جهت ارتقای ظرفیت کادری تخصصی و مرتبط-ساختن سرمایه‌گذاران داخلی با هم‌تایان خارجی‌شان از جمله مؤثرترین و با اهمیت‌ترین تدابیر دولتی به‌شمار می‌روند.

شکل (۱۲-۲): درجه‌بندی تدابیر رشد‌دهنده سکتور خدمات در هرات



منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

طبیعی است که هیچ سرمایه‌گذاری و تجارتی خالی از چالش و مشکل نیست. چالش‌های عمده رشد سکتور خدمات هرات در نظرسنجی کارشناسان، در شکل (۲-۱۳) بر مبنای درجه تأثیرشان فهرست شده است. در این میان، سه چالش: (۱) فساد اداری و نبود شفافیت؛ (۲) نا امنی؛ و (۳) قانون‌گریزی و قانون شکنی در زمره بزرگ‌ترین چالش‌ها به‌شمار می‌رود و همین گونه چالش‌های دیگر به ترتیب درجه بزرگی در نمودار نشان داده شده است.

شکل (۲-۱۳): درجه‌بندی چالش‌های رشد سکتور خدمات در هرات

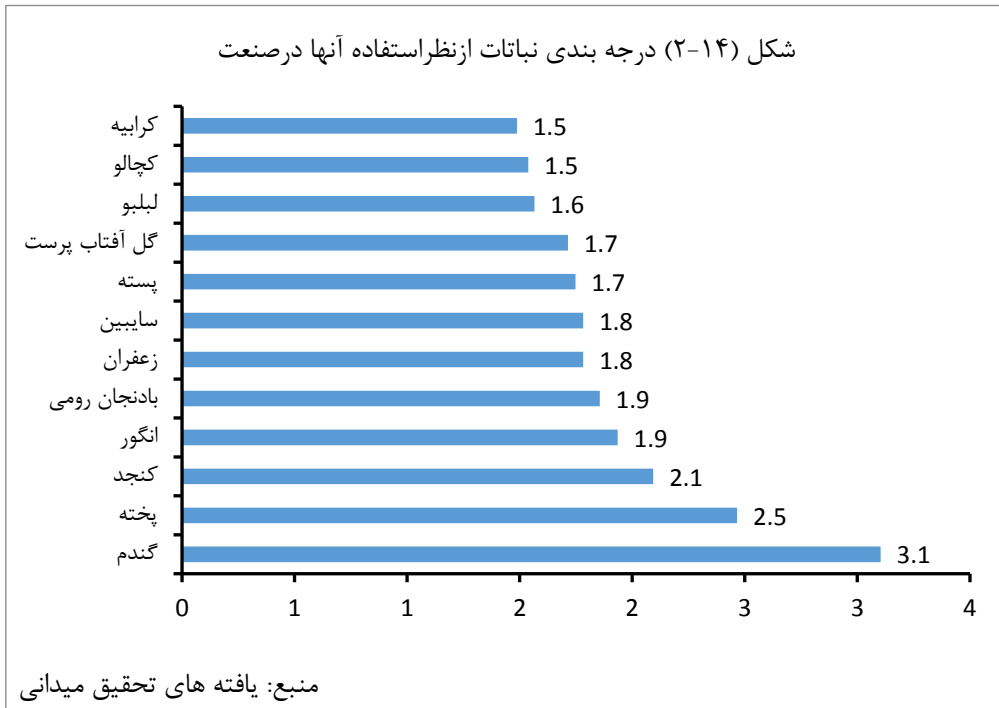


منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

## زراعت

این بخش دربرگیرنده گراف‌ها و بحث در مورد نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه‌هایی که به افراد تحت تحقیق توزیع گردیده، می‌باشد. لازم به یادآوری است که معلومات جمع‌آوری شده در مرحله اول تحقیق سبب شد تا زمینه رشد سکتور زراعت توسط کارشناسان و متخصصان برجسته گردد، و در مرحله دوم، مهم‌ترین و برجسته‌ترین نکات قبلا انتخاب شده به‌وسیله کارشناسان و متخصصان اولویت‌بندی و درجه‌بندی شدند.

شکل (۱۴-۲) به بیان اهمیت نباتات بر اساس درجه بندی از نظر استفاده آنها به‌عنوان مواد خام در صنعت می پردازد. همان‌طور که در شکل مشاهده می‌شود، نظرسنجی کارشناسان و متخصصان بخش زراعت نشان می‌دهد که گندم به‌عنوان پرمصرف‌ترین نبات و داشتن قابلیت زیاد استفاده در صنایع غذایی در جامعه ما حایز مقام اول گردیده و به‌همین ترتیب پخته و کُنجد در رده دوم و سوم؛ انگور و بادنجان‌رومی در رده چهارم؛ زعفران و سایبین در رده پنجم؛ پسته و گل‌آفتاب پرست در رده ششم؛ لبلبو در رده هفتم؛ و کچالو و کرابیه در رده هشتم قرار گرفتند. شاید دلیل آن این باشد که گندم منحصیث نبات هدف و استراتژیژیک در صدر اولویت غذایی مردم ما قرار دارد، و کشور ما ناگزیر است سالانه مقادیر معتناهی گندم به‌خاطر مرفوع ساختن احتیاجات اولیه مردم از خارج وارد نماید. همچنان پخته، کنجد، سایبین، گل‌آفتاب‌پرست به‌دلیل پوتانسیل بالایی که در سکتور صنعت به هدف تولید روغن و منسوجات دارند؛ انگور، بادنجان‌رومی، زعفران، پسته، لبلبو، کچالو و کرابیه هم قابلیت پروسس را داشته و درجه مفیدیت آنها از نظر شکل افزایش یافته و به‌عنوان مواد خام در صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرند. هرچند بالای کشت و پرورش نباتاتی همانند پخته، لبلبو، سایبین و گل‌آفتاب‌پرست سرمایه‌گذاری لازم صورت نگرفته است، ولی از دید کارشناسان اگر درین‌باره توجه خاصی مبذول گردد و سرمایه‌گذاری شود، تبعات آن جز رونق اقتصادی، ایجاد مشاغل جدید و فقرزدایی چیز دیگری نخواهد بود.

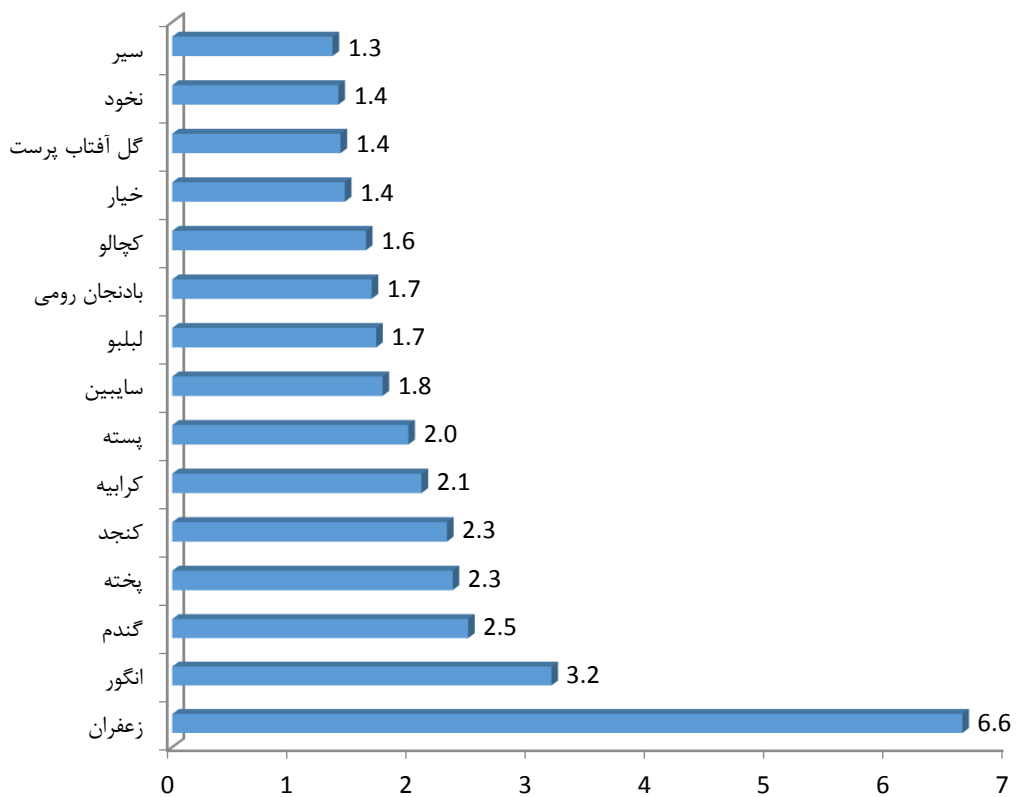


شکل (۱۵-۲) بازگوکننده درجه‌بندی نباتات بر اساس ارجحیت‌شان برای سرمایه‌گذاری و سازگاری‌شان با آب و هوای هرات است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زعفران، انگور و گندم مقام‌های اول تا سوم را به‌خود اختصاص داده‌اند و به تعقیب آنها کنجد و پخته در رده چهارم؛ کرابیه در رده پنجم؛ پسته و سایبین در رده ششم؛ لبلبو و بادنجان رومی در رده هفتم؛ کچالو در رده هشتم، گل آفتاب پرست، خیار و نخود در رده نهم و سیر در رده دهم قرار دارند.

فکتور اقلیم و سازگاری نبات با آب و هوای یک منطقه فکتور حیاتی به‌شمار می‌رود. نباتات به‌خاطر روییدن و حاصل دادن به اقلیم مناسب ضرورت دارند. افغانستان با داشتن بایوم‌های مختلف اقلیمی بستر مناسبی برای کشت و پرورش اغلب نباتات تلقی می‌شود. نظرسنجی کارشناسان متخصصان بخش زراعت نشان می‌دهد که از میان پانزده نبات متذکره با توجه به سازگاری آنها با اقلیم هرات، سرمایه‌گذاری بالای زعفران، انگور و گندم به‌دلیل سودآوری، پوتانسیل

کشت، پرورش و نیازمندی، از ارجحیت بیشتری برخوردار است؛ و به‌همین ترتیب نباتات دیگر هم اولویت بندی شده اند. نتایج تحقیق این را می‌رساند که سرمایه‌گذاری در بخش زراعت کشور ما اجتناب ناپذیر است و در روند توسعه و خودکفایی افغانستان، سرمایه‌گذاری در بخش زراعت می‌تواند گزینه‌ی مناسبی قلمداد شود.

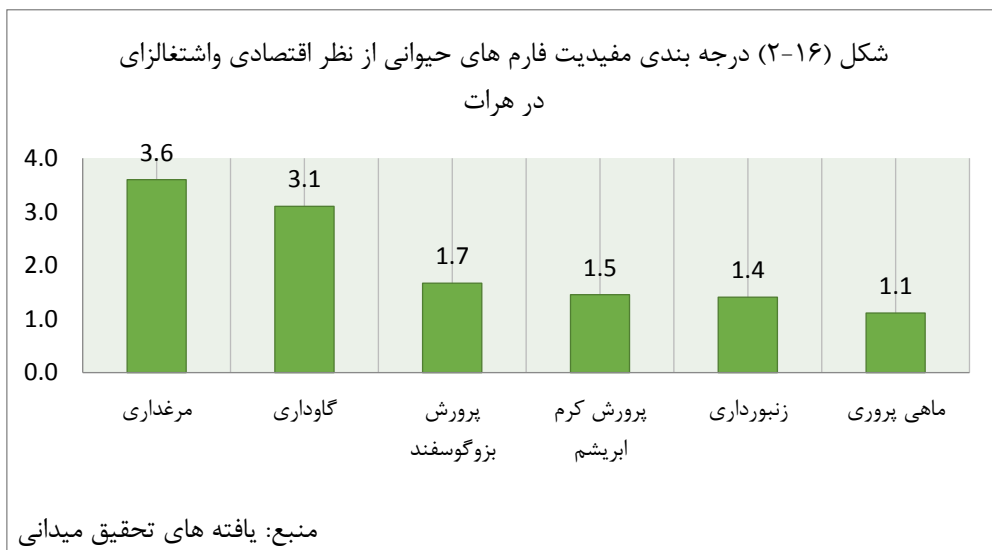
شکل (۱۵-۲) درجه‌بندی نباتات سازگار با آب و هوای هرات و ارجح برای سرمایه‌گذاری



منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

شکل (۱۶-۲) به درجه‌بندی مفیدیت فارم‌های حیوانی از نظر اقتصادی و اشتغال‌زایی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد، که مرغ‌داری بالاترین مفیدیت را از نظر اقتصادی و اشتغال‌زایی داشته و در رده‌ی اول قرار دارد. و به تعقیب آن گاوداری، پرورش بز و گوسفند، پرورش کرم ابریشم، زنبورداری و ماهی‌پروری در رده‌های دوم الی ششم قرار گرفتند.

تشبثات خصوصی زمانی می‌توانند مفید اند، که از نظر اقتصادی و اشتغال‌زایی موثریت داشته باشند. معلومات تنظیم شده‌ای ناشی از نظرسنجی متخصصان بخش مالداري (علوم حیوانی) حاکی از آن است که صنعت مرغ‌داری در هرات توانسته از نقطه نظر بازدهی اقتصادی و ایجاد شغل از دیگر فارم‌های حیوانی پیشی بگیرد، هرچند فارم‌های حیوانی دیگر هم در این اواخر از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و با توجه به بازدهی اقتصادی آنها به تعداد قابل توجهی از افراد جویای-کار، شغل ایجاد نموده است. هرات علی‌رغم موجودیت بعضی مشکلات و چالش‌ها از ظرفیت‌های فوق‌العاده بالایی از نظر احداث فارم‌های صنعتی حیوانی برخوردار است، که با به فعل درآوردن این ظرفیت‌ها، انکشافات مهمی همراه با مزیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی نصیب کشور ما خواهد گردید.

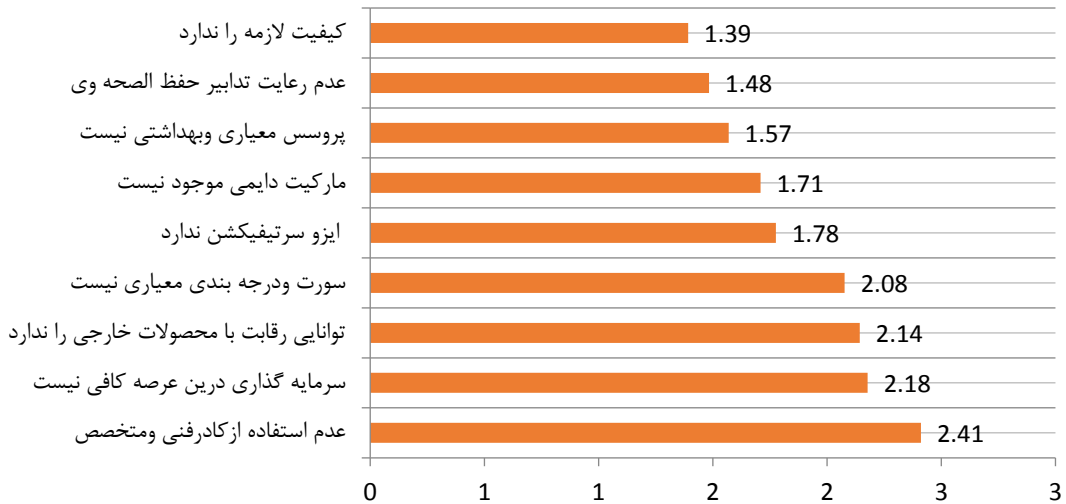




شکل (۱۷-۲) نشان می‌دهد، که در میان ۹ مورد ابراز نظر به‌ارتباط درجه بندی دلایل اهمیت بازرنگری پروسس و مارکتینگ محصولات حیوانی در هرات، دلیل "عدم استفاده از کادر فنی و متخصص" به درجه اول قرار داد. به‌همین ترتیب، دلایل "سرمایه‌گذاری در این عرصه کافی نیست"؛ "توانایی رقابت با محصولات مشابه خارجی را ندارد"؛ "سورت و درجه بندی کافی نیست"؛ "ایزو سرتیفیکشن ندارد"؛ "مارکت دائمی موجود نیست"؛ "پروسس، معیاری و بهداشتی نیست"؛ "عدم رعایت تدابیر حفظ الصحه‌وی" و "از کیفیت لازم برخوردار نیست" رده‌های دوم تا نهم را به‌خود اختصاص دادند.

شکی وجود ندارد که بازرنگری پروسس و مارکتینگ محصولات حیوانی در هرات از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. متخصصان بخش علوم حیوانی در مرحله اول نظرسنجی دلایل اهمیت بازرنگری را ابراز داشته و در مرحله دوم دلایل متذکره را درجه بندی نمودند. نتایج این بخش از تحقیق خاطر نشان می‌سازد که ضرورت است تا در بخش پروسس و مارکتینگ محصولات حیوانی از کادر فنی، آموزش دیده، مجرب و متخصص استفاده گردد؛ سرمایه‌گذاری لازم در این عرصه صورت گیرد؛ تولید کننده‌گان محصولات حیوانی کمک شوند، تا توانایی رقابت با محصولات مشابه خارجی را بدست آورند؛ محصولات به‌شکل علمی و معیاری سورت و درجه‌بندی گردد؛ به‌خاطر تثبیت جایگاه خویش در مارکت‌های خارجی محصولات کشور ما باید دارای ایزوسرتیفیکشن باشند؛ برای فروش محصولات باید مارکت دائمی و ثابت وجود داشته باشد؛ عملیه پروسس با استفاده از تکنولوژی جدید باید علمی و معیاری گردد؛ تدابیر حفظ‌الصحه‌وی باید رعایت گردد؛ محصولات حیوانی باید از کیفیت لازم برخوردار باشد. بازرنگری در عرصه‌های یادشده متضمن یک تحول جدی در جهت استندردشدن پروسس و تثبیت مارکتینگ محصولات حیوانی خواهد بود. موجودیت این خلاءها و شکاف‌ها، باعث میشود تا کشور ما در این عرصه رشدی نداشته و مردم ما کماکان وابسته به واردات کالاهای خارجی از کشورهای همسایه باشند.

شکل (۲-۱۷) درجه‌بندی دلایل اهمیت بازنگری پروسس و مارکتینگ محصولات حیوانی در هرات



منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

چالش‌ها و مشکلات عمده در برابر رشد سکتور زراعت، باغداری و مالداري در هرات، برحسب نظر سنجی کارشناسان در شکل (۱۸-۲) درجه بندی گردیده است: مشکلات "عدم حمایت دولت وسکتور خصوصی ازدهاقین"؛ "عدم موجودیت سردخانه و ذخیره گاه‌های معیاری" و "نبود مراکز تحقیقاتی و ترویجی در بخش زراعت" رده‌های اول تا سوم را بخود اختصاص دادند. چالش‌های دیگر ازقبیل: "عدم سرمایه‌گذاری لازم در بخش زراعت"؛ "عدم موجودیت مارکت خوب"؛ "عدم استفاده از کادر متخصص و مجرب"؛ "عدم تبدیل زراعت معیشتی به زراعت تجارتي"؛ "عدم مدیریت آب‌های سطحی"؛ "عدم موجودیت یک برنامه ملی به‌خاطر انکشاف زراعت"؛ "پایین بودن سطح آگاهی دهاقین"؛ "عدم موجودیت قرنطینه در مرزها"؛ "مهاجرت دهاقین از قریه‌جات به شهرها"؛ "عدم موجودیت ایزوسرتیفیکشن برای محصولات صادراتی"؛ "کمبود تخم‌های اصلاح شده بذری" و "تورید کودها و ادویه‌جات بی‌کیفیت"، جایگاه‌های چهارم تا پانزدهم را به‌خود اختصاص دادند.

مشکلات و چالش‌های عنوان شده توسط شرکت‌گننده‌گان تحقیق (متخصصان)، دقیقاً باعث کاهش روند رشد زراعت، باغداری و مالداری می‌گردد، برای بیرون رفت از این وضعیت باید این مشکلات و چالش‌ها از سر راه برداشته شود تا زمینه برای رشد زراعت، باغداری و مالداری مساعد گردد. راه‌کارهای بیرون‌رفت از این وضعیت و از میان‌برداشتن چالش‌ها در مبحث پیشنهادات ارائه شده است.

شکل (۱۸-۲) درجه‌بندی مشکلات و چالش‌های عمده در برابر سکتور زراعت، باغداری و مالداری در هرات



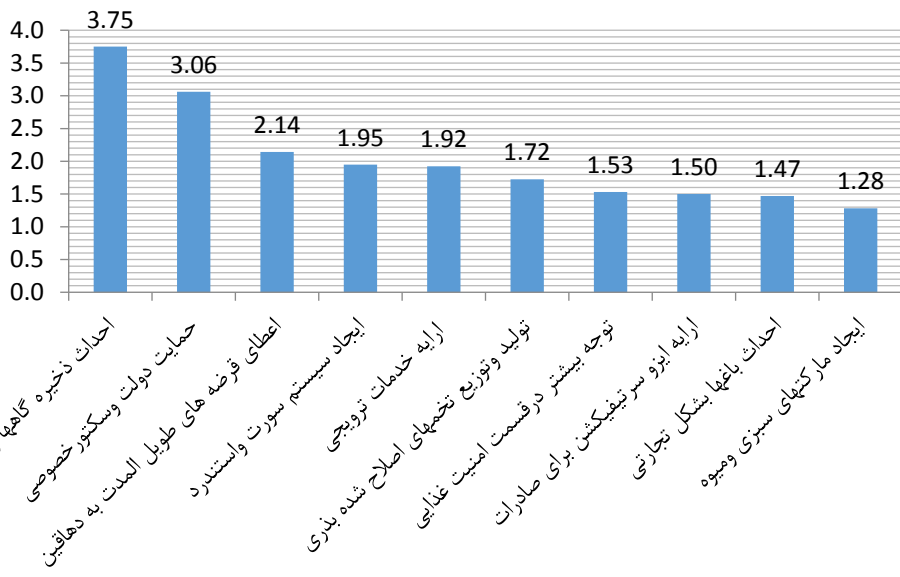
منبع: یافته‌های تحقیق میدانی

در شکل (۱۹-۲) پیشنهادات پاسخ‌دهنده‌گان به‌خاطر تنظیم پروسس و ارزش‌افزوده محصولات نباتی در هرات، درجه‌بندی شده است. نتایج نشان می‌دهد که پیشنهاد "احداث ذخیره‌گاه‌ها و سردخانه‌های معیاری" حایز مقام اول گردیده و پیشنهادات دیگر از قبیل: "حمایت دولت و سکتور خصوصی؛" "اعطای قرضه‌های طویل‌المدت به دهاقین؛" "ایجاد سیستم سورت و استندرد؛"

"بالا بردن سطح آگاهی دهاقین از طریق ارایه خدمات ترویجی"؛ "تولید و توزیع تخم‌های اصلاح-شده بذری"؛ "توجه بیشتر در قسمت امنیت غذایی (Food Safety)"؛ "ارایه ایزوسرتیفیکشن برای صادرات"؛ "احداث باغ‌ها به شکل تجارتي" و "ایجاد مارکت‌های سبزی و میوه" به ترتیب در رده های دوم تا دهم قرار گرفتند.

ارائه این پیشنهادات میتواند برای حل مشکلات و چالش‌ها ممد واقع شود. متخصصان شرکت کننده در این تحقیق، پیشنهاد احداث ذخیره‌گاه‌ها و سردخانه‌های معیاری، حمایت دولت و سکتور خصوصی، اعطای قرضه‌های طویل‌المدت به دهاقین، ایجاد سیستم سورت و استندرد، بالا بردن سطح آگاهی دهاقین از طریق ارایه خدمات ترویجی، تولید و توزیع تخم‌های اصلاح‌شده بذری، توجه بیشتر در قسمت امنیت غذایی، ارایه ایزوسرتیفیکشن برای صادرات، احداث باغ‌ها به شکل تجارتي و ایجاد مارکت‌های سبزی و میوه را نموده اند. یقیناً به اجرا درآمدن این پیشنهادات می‌تواند خیلی از مشکلات و چالش‌ها را از سر راه بردارد و زمینه را برای رشد متوازن فراهم سازد.

شکل (۲-۱۹) درجه بندی پیشنهادات به‌خاطر تنظیم پروسس و ارزش افزود بالای محصولات نباتی



منبع: یافته های تحقیق میدانی

## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این تحقیق در پی آن بوده تا زمینه‌های توسعه‌ی سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر هرات را جستجو نماید. تمرکز تحقیق در سه حوزه‌ی صنایع کوچک، خدمات و زراعت بوده تا فرصت‌ها و چالش‌های موجود این سکتورها مشخص شده زمینه‌های سرمایه‌گذاری بالقوه در این بخش‌ها تشخیص داده شود. تحقیق با استفاده از روش کیفی و تکنیک دلفی دو مرحله‌ای صورت گرفت. در مرحله‌ی اول نظرات متخصصان و کارشناسان و متشبهان حوزه‌ی سرمایه‌گذاری با استفاده از پرسش‌های باز در زمینه‌ی موضوع خواسته شد و پس از تحلیل نظریات بیش از ۵۰ تن از شرکت‌کنندگان تحقیق، پرسشنامه‌ی دوم برای درجه‌بندی اولویت‌های سرمایه‌گذاری و حوزه‌های سودآوری و چالش‌ها و راه‌حل‌ها، در میان شرکت‌کنندگان دور اول توزیع گردید. این گزارش نتیجه‌ی این تحقیق و نظریات و سفارش‌های کارشناسان را برای بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری در هرات در بر دارد که خلاصه‌ی یافته‌ها، نتیجه و سفارش‌های مهم در پی آورده شده است.

در بخش صنایع، تحلیل نظریات کارشناسان و شرکت‌کنندگان تحقیق نشان داد که صنعت تولید نوشابه‌های غیر الکولی در هرات نسبت به سایر بخش‌ها از رشد بیشتری برخوردار است. عامل این رشد چشم‌گیر موجود بودن مواد خام اصلی این تولیدات (آب) در داخل کشور است. به نظر می‌رسد که این صنایع در آینده هم رشد سریع خواهند داشت و می‌توانند با صنایع مشابه صادراتی رقابت نمایند. صنعت مونتاژ در ردیف دوم صنایع رشدیافته قرار گرفته است. علت آن هم هزینه‌ی ترانسپورتهی بالای تولیدات بسته‌بندی شده مثل موتور و سه چرخ و غیره است که مونتاژ آنها در مقصد هزینه‌ی انتقال را کاهش داده و صنایع مونتاژ داخلی را تقویت می‌کند. به تعقیب دو بخش فوق، صنایع تولید کیک، بسکویت و نان؛ غلات حجیم شده (پفک نمکی)؛ سنگ مرمر و لبنیات، که قسمت زیاد مواد خام‌شان تولید داخلی است و یا حجیم بودن شان سبب افزایش در مصارف ترانسپورت هنگام واردات می‌گردد، از رشد بهتری برخوردار اند.

به نظر کارشناسان، صنعت کارتن‌سازی و بسته‌بندی محصولات زراعتی، لبنی، غذایی و غیره به دلیل نیاز مبرم سایر بخش‌های صنعت و محصولات مصرف داخلی و صادراتی می‌تواند یکی از زمینه‌های مفید سرمایه‌گذاری باشد. بسته‌بندی مناسب محصولات میوه خشک و تر و سایر اقلام

صادراتی می‌تواند ارزش و بازار این محصولات را به مراتب افزایش دهد. احداث سردخانه‌ها برای نگهداری محصولات زراعتی در فصل‌های دیگر سال هم می‌تواند زمینه‌ی سرمایه‌گذاری مفیدی برای سرمایه‌گذاری در هرات باشد.

در مورد سهم دولت و حمایت آن از سرمایه‌گذاران خصوصی، کارشناسان و شرکت‌کنندگان تحقیق بر این نظر بودند که در صدر خواسته‌های سرمایه‌گذاران از دولت، تأمین امنیت و جلوگیری از فساد اداری قرار گرفته است.

در زمینه‌ی چگونگی رقابت با محصولات وارداتی و خارجی، پاسخ‌دهندگان به عنوان راه حل به مسأله‌ی استفاده از تکنولوژی جدید و توجه به کیفیت محصولات را به عنوان یک نیاز جدی در اقتصاد رقابتی امروز برای سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی عنوان کرده‌اند. همین گونه توجه به ابتکار و نوآوری در تولید و بسته‌بندی نیز یکی از نیازهای مبرم صنایع داخلی است تا بتوانند از صحنه رقابت پیروز به در آیند.

در مورد صنایعی که امکان اشتغال افراد بیشتری را آماده می‌کنند نظر شرکت‌کنندگان تحقیق بیشتر به صنایع و کارخانه‌های تولید سمنت و گچ است. تولید سمنت و گچ داخلی می‌تواند به سکتور ساختمانی نیز مفید باشد. کاهش قیمت مواد ساختمانی، کاهش قیمت خانه را نیز به دنبال خواهد داشت. پاسخ‌دهندگان، توجه جدی دولت را در راه‌اندازی هرچه عاجل‌تر کارخانه سمنت هرات خواستار شدند.

از نظر پاسخ‌دهندگان این تحقیق، جدی‌ترین چالش پیش روی سرمایه‌گذاری در هرات و طبعاً در کل افغانستان نبود امنیت و به تعقیب آن، عدم ثبات سیاسی، اقتصادی و حکومت‌داری خوب است. چالش‌های بعدی قاچاق کالا و موجودیت فساد اداری است که همه چالش‌های غیر اقتصادی اند. توجه به امنیت سبب تقویت سرمایه‌گذاری گردیده موجبات اشتغال فراهم می‌شود که خود تأثیر بسزایی در تأمین امنیت دارد.

آمار اداره آيسا، سهم سکتورهای اقتصادی افغانستان در سرمایه‌گذاری‌های انجام شده (طی سال - های ۲۰۱۳-۲۰۰۳) را به تفکیک نشان می‌دهد که از خدمات، ۳۹ درصد، ساختمان ۳۰ درصد، سکتور معادن ۱۵ درصد، سکتور صنعت ۱۲ درصد و سکتور زراعت ۴ درصد بوده است. این آمار

نشان می‌دهد که بیشترین سهم سرمایه‌گذاری در یک و نیم دهه‌ی اخیر را بخش خدمات بخود تخصیص داده است.

یافته‌های این تحقیق، که حاصل نظرسنجی کارشناسان و خبره‌گان بخش خدمات است، نشان می‌دهد که در وضعیت کنونی بازار هرات، عرضه‌ی خدمات مخابراتی به عنوان رشدیافته‌ترین و پررونق‌ترین تجارت در بخش خدمات شناخته می‌شود. بعد از مخابرات، بخش صحت (شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی)، مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی، مکاتب خصوصی و ترانسپورت هر کدام به ترتیب در رده‌های دوم، سوم و چهارم قرار می‌گیرند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از میان ده تجارت و سرمایه‌گذاری که به عنوان اشتغال‌زاترین تجارت‌های بخش خدمات شناخته شده‌اند، شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی حایز مقام اول است. به همین سان، شرکت‌های مخابراتی، مکاتب خصوصی، مؤسسات تحصیلات عالی و هتل-داری بعد از شفاخانه‌های خصوصی به ترتیب در رده‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم در پروسه اشتغال‌زایی قرار می‌گیرند. و همچنان قابل ذکر است که از میان مهمترین و موثرترین تجارت‌های سکتور خدمات در هرات از لحاظ درجه مفادآوری، شرکت‌های مخابراتی حایز درجه اول شده است و همین گونه، شفاخانه‌های خصوصی، مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی، بانک‌های خصوصی و ترانسپورت بعد از خدمات مخابراتی به ترتیب در درجه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم قرار گرفته‌اند.

در بخش خدمات بازار هرات، هفت تجارت بالقوه وجود دارد که مؤثریت قابل توجهی را در پی خواهند داشت اما تاکنون به طور اساسی بالای آنها سرمایه‌گذاری نشده است. در بین این تجارت‌ها، در اولویت بندی که توسط کارشناسان صورت گرفته، خدمات ترانسپورتهی ذریعه خط آهن و تولید برق (آبی، آفتابی و بادی) به ترتیب در درجه اول و دوم قرار گرفته‌اند. به همین سان خدمات

گردشگری، خدمات بیمه، خدمات نظیفی برای خانواده‌ها و خدمات ویژه برای مراسم مذهبی به ترتیب در درجه‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم قلمداد شده‌اند.

در بین مهم‌ترین تدابیر و پالیسی‌های رشددهندهٔ سکتور خدمات، تأمین امنیت، جلوگیری از قانون‌شکنی و تبعیض، و فراهم‌سازی تسهیلات گمرکی و ترانزیتی در بلندترین درجهٔ اولویت قرار دارد. علاوه بر آن، اعطای قروض طویل‌المدت جهت تمویل سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و جلب توجه دونه‌های خارجی به سرمایه‌گذاران داخلی از مؤثرترین و بااهمیت‌ترین تدابیر دولتی شناخته شده است. از میان چالش‌های عمدهٔ رشد سکتور خدمات، فساد اداری و نبود شفافیت، ناامنی، و قانون-گریزی و قانون‌شکنی در زمرهٔ بزرگترین چالش‌ها به شمار می‌رود.

یافته‌های پرسشنامهٔ بخش زراعت نشان می‌دهد که گندم به عنوان پرمصرف‌ترین نبات و داشتن موارد زیاد استفاده در صنایع غذایی در جامعهٔ ما به درجه اول اهمیت قرار دارد. به دنبال آن به ترتیب پخته، کنجد، انگور، بادنجان رومی، زعفران، سایبین، پسته، گل آفتاب‌پرست، لبلبو، کچالو و کرابیه به ترتیب در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

از لحاظ سازگاری با آب و هوای هرات، نباتاتی چون زعفران، انگور، گندم، کنجد، پخته، کرابیه، پسته، سایبین، لبلبو، بادنجان رومی، کچالو، گل آفتاب‌پرست، خیار، نخود و سیر، سازگاری خوبی داشته از نظر کارشناسان زراعت برای سرمایه‌گذاری مناسب‌اند.

از نگاه سودآوری، مرغداری بالاترین مفیدیت را از نظر اقتصادی و اشتغال‌زایی داشته و به تعقیب آن گاوداری، پرورش بز و گوسفند، پرورش کرم ابریشم، زنبورداری و پرورش ماهی به ترتیب درجه‌بندی می‌شوند.

در مورد بازنگری پروسس و بازاریابی محصولات زراعتی و حیوانی چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که متخصصان زراعت و مالداران مهم‌ترین آنها را چنین برشمردند: عدم استفاده از کادرفنی و متخصص، کافی نبودن سرمایه‌گذاری در این عرصه، نداشتن توانایی رقابت با محصولات



مشابه خارجی، معیاری نبودن سورت و درجه‌بندی محصولات، نداشتن ایزو سرتیفیکیشن، نبود مارکت دایمی، نبود پروسس معیاری و بهداشتی، عدم رعایت تدابیر حفظ‌الصحه‌وی، و نداشتن کیفیت مناسب.

چالش‌های سرمایه‌گذاری در سکتور زراعت زیاد است و همین هم باعث شده با وجود زراعتی بودن کشور و مصروف بودن بیشترین جمعیت افغانستان به بخش زراعت، در این چند سال کمترین سرمایه‌گذاری در این سکتور در افغانستان صورت گیرد. متخصصان این حوزه و شرکت‌کنندگان این تحقیق، چالش‌های زیر را مهم‌ترین چالش‌های سرمایه‌گذاری در سکتور زراعت در هرات دانسته‌اند: عدم حمایت دولت و سکتور خصوصی از دهاقین، نبود سردخانه و ذخیره‌گاه‌های معیاری برای محصولات زراعتی، نبود مراکز تحقیقاتی و ترویجی در بخش زراعت، نبود بازار مناسب محصولات، استفاده نکردن از کادر متخصص و مجرب، تبدیل نشدن زراعت معیشتی به زراعت تجارتي، عدم مدیریت درست آب‌های سطحی، نبود یک برنامه ملی به خاطر انکشاف زراعت، پایین بودن سطح آگاهی دهاقین، نبود قرنطینه در مرزها، مهاجرت دهاقین، از قریه‌ها به شهرها، نبود ایزوسرتیفیکیشن برای محصولات صادراتی، کمبود تخم‌های اصلاح‌شده بذری، و وارد کردن کودها و ادویه‌های بی‌کیفیت.

متخصصان سکتور زراعت پیشنهادات زیر را برای رشد این سکتور ارائه نموده‌اند: احداث ذخیره‌گاه‌ها و سردخانه‌های معیاری، حمایت دولت و سکتور خصوصی، اعطای قرضه‌های درازمدت به دهاقین، ایجاد سیستم سورت و استندرد، بالابردن سطح آگاهی دهاقین از طریق ارائه خدمات ترویجی، وارد نمودن و توزیع تخم‌های اصلاح‌شده بذری، توجه بیشتر در قسمت امنیت غذایی، ارائه ایزوسرتیفیکیشن برای صادرات، احداث باغ‌ها به شکل تجارتي، و ایجاد بازارهای سبزی و میوه.

## پیشنهادها

برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنایع کوچک، متخصصان و متشبثان این حوزه، پیشنهادها را زیر را برای مسؤولان و دست‌اندرکاران حوزه‌ی صنعت و سرمایه‌گذاری مطرح نموده‌اند:

- توجه جدی به تأمین امنیت جانی و مالی تمام شهروندان و سرمایه‌گذاران و حمایت همه‌جانبه از سرمایه‌گذاران؛
- ایجاد فرصت‌های جدید از طریق درهم‌آمیزی و پیوند با اقتصاد جهانی از دیدگاه دسترسی به بازارهای گسترده و همچنین فناوری پیشرفته، گسترش امکانات مبادلاتی کالاها و جریان سرمایه‌ی خصوصی خارجی؛
- ایجاد فضای مساعد برای رشد صادرات و جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به منظور بهبود چشم‌اندازهای رشد اقتصادی- صنعتی کشور؛
- ایجاد یک استراتژی توسعه‌ی صنعتی همه‌جانبه که چگونگی تغییر شکل اقتصادی کشور را در تعامل با جهان به نحو احسن تعیین نماید؛
- وجود اراده سیاسی- اجتماعی از جانب دولت در تمام سطوح تصمیم‌گیری به منظور حرکت به سوی صنعتی شدن بر اساس یک نیاز واقعی، منسجم و اصیل؛
- توسعه‌ی تجارت با دنیای خارج و بهره‌گیری از این ویژه‌گی در جهت رسیدن به رشد بالای اقتصادی از طریق توسعه‌ی صادرات کشور؛
- تضمین حقوق مالکیت خصوصی منحصراً حداقل شرط لازم برای صنعتی شدن به منظور انباشت سرمایه و تأمین منابع لازم برای رشد اقتصادی؛
- ایجاد حصارهای تجاری مقداری و یا تعرفه‌ای به منظور ایجاد مزیت مصنوعی برای تولیدات داخلی از یک سو و رفع موانع برای توسعه‌ی تجارت، گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و حضور فعال در انواع پیمان‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی؛
- مشارکت در پیمان‌های منطقه‌ای جهت تعامل مثبت با همسایگان و شرکای منطقه‌ای؛
- نقش دولت در هدایت کل اقتصاد و اجتناب از دخالت در تصمیم‌ها در سطح تصدی‌ها جهت ایجاد اعتماد عمومی در بخش خصوصی به منظور تشویق این بخش به فعالیت‌های بیشتر؛

متخصصان و صاحب‌نظران بخش خدمات، پیشنهادهای زیر را برای بهبود این سکتور و افزایش سرمایه‌گذاری در این حوزه طرح نموده اند:

○ از آنجایی که فساد اداری و نبود شفافیت مالی و اداری از بزرگترین و مهم‌ترین چالش‌های رشد سکتور خدمات شناخته می‌شود، مسؤولین سازمان‌های دولتی و خصوصی باید در راستای تحقق شفافیت هرچه بیشتر و محو فساد اداری، اقدامات لازم و کافی را روی دست بگیرند.

○ دولت باید در جهت تأمین امنیت سرمایه‌گذاری‌ها و فراهم‌سازی تسهیلات گمرکی توجه جدی و لازم داشته باشد، چون در نبود امنیت و کمبود حمایت دولتی، اشتیاق و انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور به شکل نگران‌کننده‌ای کاهش یافته سبب انتقال سرمایه‌ها به بیرون از مرزهای کشور می‌شود.

○ سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و بنیادی در بخش خدمات نیازمند تمویل کنندگان بزرگ می‌باشد. برای رشد این سکتور، بانک مرکزی افغانستان باید پالیسی‌ها و اقدامات تمویلی جدید و بزرگی را (مثل اعطای قرضه‌های بلندمدت، تطبیق شیوه‌های اعتباری و عقود بانکی) روی دست گیرد.

○ از آنجایی که سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و معیاری در سکتور خدمات در بخش‌هایی همچون صحت، ترانسپورت، تعلیم و تربیه و... نیازمند بودجه بزرگ، نیروی متخصص کافی و تجهیزات گران‌قیمت می‌باشد و سکتور خصوصی یا دولتی نمی‌تواند به تنهایی از عهده آن برآید، پیشنهاد می‌شود که از شیوه‌های مشارکت عمومی - خصوصی یا PPP (Public Private Partnership) استفاده شود.

○ در این تحقیق یک سلسله تجارت‌های بالقوه و جدید در بخش خدمات از قبیل (خدمات ترانسپورتی خط آهن، تولید برق آبی، آفتابی یا بادی، خدمات بیمه، گردشگری، تنظیفی

و خدمات برای مراسم مذهبی) معرفی شده است. سازمان‌های دولتی و خصوصی و سرمایه‌گذاران می‌توانند با استفاده از پژوهش‌های هدفمند زمینه‌ها و وضعیت و آینده سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها را مورد مطالعه قرار دهند تا تصویری جامع و روشن از آینده سرمایه‌گذاری در این بخش‌های به دست آید.

○ این تحقیق بیشتر بر شناسایی و اولویت‌بندی تجارت‌های رشدیافته و پررونق در ساحه شهر هرات متمرکز بوده است. پیشنهاد می‌گردد تا در صورت فراهم شدن امکانات، ساحه تحقیق ارزیابی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در کل افغانستان گسترش یابد و بر راهکارها و استراتژی‌های توسعه اقتصادی افغانستان نیز تمرکز بیشتری شود.

متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه زراعت و مالداري، سفارش‌های زیر را برای بهبود وضعیت سکتور زراعت و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش ارائه نموده اند:

○ درمورد هر کدام از نباتات باید مطالعه کارشناسانه صورت گیرد. به دلیل اینکه افغانستان یک کشور زراعتی است انتظار می‌رود که محصولات زراعتی و مالداري از جمله گندم در زمره اقلام صادراتی ما قرار داشته باشد.

○ کشورما استعدادهای بالقوه ای در قسمت کشت و پرورش بسیاری از نباتات بخصوص میوه‌ها و تربیه مواشی را دارد که باید این زمینه‌های بالقوه با سرمایه‌گذاری دولت و سکتور خصوصی شناسایی و به تجارتي بالفعل تبدیل شود.

○ کشت و پرورش زعفران و سایبین در هرات نتیجه خوبی داده است و زعفران هرات از بهترین کیفیت در سطح جهان برخوردار است. زعفران یک نبات سودآور اقتصادی به شمار می‌رود و نقش مهمی در بهبود وضع اقتصادی دهاقین، دارد. سایبین با داشتن درصدی زیاد پروتین در حوزه تغذیه و امنیت غذایی از اهمیت زیادی برخوردار است.

○ هرات با داشتن انواع ورایتی‌های انگور در سطح افغانستان و منطقه مطرح است. کشمش در گذشته یکی از اقلام مهم صادراتی افغانستان به شمار می‌رفت. حالا هم نیاز است تادر این عرصه توجه لازم مبذول گردد.

○ با استفاده از نباتاتی همانند کنجد، پنبه، زغر، گل آفتاب‌پرست، سایبین، لبلبو و غیره که امکان کشت و پرورش آنها در هرات وجود دارد می‌توان کارخانه‌های تولید روغن، قند و

- شکر و نساجی را راه‌اندازی نمود و به این وسیله از واردات روغن، قند و شکر، منسوجات و خروج اسعار از کشور جلوگیری کرد.
- سبزی‌ها هم بعد از غله، حبوبات و میوه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار اند. کشت گلخانه‌ای سبزیجات توانسته است تعداد کثیری از مردم را به خود مشغول نموده و تأثیرات سودآور اقتصادی داشته باشد. به علاوه تولید سبزی‌های مصرفی بیشتر کیفیت نظام غذایی مردم و مصرف‌کنندگان را بهبود بخشند.
  - افغانستان به صورت کل وهرات به صورت خاص ظرفیت مدیریت آب‌های خویش را با احداث بندها و سدهای کوچک و بزرگ دارد که با مهار آب‌ها می‌توان علاوه بر تولید انرژی برق و زیر آب بردن سطح وسیعی از زمین‌های بایر و لامزرع، کمک بزرگی در جهت جلوگیری از فرسایش خاک، احیای مراتع، جنگلات و چراگاه‌ها و بهتر شدن وضعیت محیط زیستی انجام داد. باید در این زمینه توجه جدی‌تری صورت گیرد.
  - افغانستان با داشتن ساحات وسیعی از مراتع و چراگاه‌ها زمینه خوبی برای پرورش حیوانات به خصوص بز و گوسفند دارد که امکان آنرا به کشور ما می‌دهد تا به یک کشور صادرکننده گوشت و مواد پروتئینی در منطقه تبدیل شود. باید با سرمایه‌گذاری لازم در این عرصه از این امکان استفاده مؤثر صورت گیرد. تجارب نشان داده است که فارمداری حیوانی همانند مرغ‌داری، گاوداری، زنبورداری، پرورش کرم ابریشم و غیره بازدهی قابل قبولی از لحاظ سودآوری داشته است. از این طریق می‌توان از یک طرف نیاز جامعه را مرفوع نمود و از جانب دیگر عده کثیری از مردم را به صورت مستقیم و غیر مستقیم شاغل ساخت.
  - نقش مهم ترویج و تحقیق را در عرصه زراعت، باغداری و مالداری نباید از یاد برد؛ زیرا با این وسیله می‌توان مشکلات زارعین، باغداران و مالداران از قبیل آفات و امراض و غیره را به مراکز تحقیقی و اکادمیک انتقال داده و بعد از یافتن راه حلی توسط متخصصان مربوطه دوباره در قالب یک بسته عملیاتی و تکنالوژی جدید به ساحات زراعتی پیشکش نمود و ارتباط ساحات زراعتی با مراکز تحقیقی را باید برقرار ساخت.
  - تریننگ‌ها و آموزش‌های غیر رسمی رول مهمی را در جهت انکشاف سکتور زراعت بازی می‌کنند. پالیسی‌سازان عرصه زراعت، باغداری و مالداری باید به این موضوع اهتمام خاص ورزند و آموزش‌های سیستماتیک، دوامدار و مسلکی را در بخش‌های مختلف حسب نیازمندی در برنامه کاری خود شامل سازند.

- ایجاد مارکت برای محصولات زراعتی یک ضرورت مبرم پنداشته می‌شود. ضرورت احساس می‌شود تا دولت در این راستا پیشقدم بوده با تطبیق برنامه سوبسایدی محصولات استراتژییک همانند گندم را از زارعان با قیمت بلندتری خریداری نموده و با قیمت کمتری به خاطر تهیه نان به مردم عرضه نماید. احداث سردخانه‌های معیاری و ذخیره‌گاه‌ها، احداث راه‌های مواصلاتی از مناطق روستایی به شهرها، ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای، ایجاد سیستم منظم قرضه‌دهی از طریق تأسیس بانک انکشاف زراعتی و دیگر منابع تمویلی. تأسیس تشکلات مردمی در قریه‌ها و ساحات تولیدی به خاطر سازماندهی اجتماعی، تأسیس برنامه حمایتی برای دهاقین و مالداران از قبیل بیمه حوادث طبیعی، تأمین رفاه و سهولت‌های اجتماعی از قبیل احداث مکاتب، کلینیک‌ها و مراکز اجتماعی و تربیتی و انکشاف متوازن در قریه‌جات، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و ایجاد راهکارهای مشارکتی عمومی و خصوصی ( Public Private Partnership ) و غیره می‌تواند کمک بزرگی در راستای توسعه زراعت، باغداری و مالداری و انکشاف دهات نماید.
- این تحقیق بدون شک با محدودیت‌هایی روبروست؛ بناءً پیشنهاد می‌گردد که مطالعات مشابهی در دیگر ولایات کشور هم انجام شود، تا زمینه‌های بالقوه در بخش‌های صنعت، خدمات، زراعت، باغداری و مالداری در هر زون و ولایت کشور مشخص گردیده، نتایج این تحقیقات با هم مقایسه شده، مشابهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص گردیده در روشنایی آن‌ها تصامیم لازم در عرصه تدوین یک پالیسی مناسب در سطح کل کشور اتخاذ گردد تا ما در آینده شاهد رشد و توسعه‌ای که سزاوار آن هستیم، باشیم.

## فهرست منابع

۱. آنالویی، فرهاد و کرمی، اژدر. (۱۳۸۷). مدیریت استراتژیک در صنایع کوچک و متوسط. ترجمه مهدی حقیقی کفاش و عباس خدادادی. تهران. چاپ امیر کبیر
۲. ابطحی، سید حسین و کاظمی، بابک. (۱۳۸۷). بهره‌وری. چاپ دوم. تهران. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
۳. ابطحی، سید حسین و مهره‌زاد، آرمن. (۱۳۷۲). مهندسی روش‌ها، تهران، قومس
۴. احمدی، فضل‌اله. نصیریانی، خدیجه و ابادری، پروانه. (۱۳۸۸). تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. بهار و تابستان ۱۳۸۸
۵. اداره آيسا. (۲۰۱۳). ریاست تحلیل و ارزیابی، گزارش تحلیلی (۲۰۱۳-۲۰۰۳). روند سرمایه‌گذاری در افغانستان: چالشها و مشوقها
۶. اداره احصائیه مرکزی افغانستان (CSO). (۱۳۹۵). معلومات احصائیه وی (-۲۰۱۶ ۲۰۱۵)، شماره ۷
۷. اکبری، نعمت‌الله و مصطفی شریف. (۱۳۸۷). اقتصاد کشاورزی. تهران. چاپ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
۸. امید، عبدالرحیم. (۱۳۹۵). تاریخ زراعت و دامداری در افغانستان. چاپ دوم. هرات. انتشارات قدس
۹. بانک جهانی. (۱۳۹۵). گزارش اقتصادی افغانستان، عقرب ۱۳۹۵ مطابق به اکتوبر ۲۰۱۶
۱۰. بانک جهانی، (۱۳۹۵). گزارش اقتصادی افغانستان، اکتوبر ۲۰۱۶
۱۱. بختیاری، صادق و دهقانی زاده، مجید. (۱۳۸۲). نقش فعالیت‌های صنعتی در توسعه اقتصادی: رهیافت مدل داده - ستاده (مناطق شهری). فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه. شایا. سال هجدهم، شماره ۲.
۱۲. پالیسی تشویق سرمایه‌گذاری در دوره انتقال. (۱۳۹۱). وزارت مالیه جمهوری اسلامی افغانستان.

۱۳. تاگتاک، سابرا. (۱۳۸۰). در آمدی بر اقتصاد توسعه. ترجمه‌ی دکتر زهرا افشاری. تهران. چاپ دانشگاه الزهرا
۱۴. حسینی، علی. (۱۳۹۲). جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان. گزارش فارسی بی بی سی، شماره ۱۱ سنبله ۱۳۹۲
۱۵. چودری، انیس. پاتریک، کالین کرک. (۱۳۸۰). سیاست توسعه و برنامه ریزی. ترجمه محمد حسنی. تهران نشر دانش‌نگار
۱۶. خداداد کاشی، فرهاد. (۱۳۸۹). اقتصاد صنعتی: نظریه و کاربرد. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران. مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
۱۷. رحمانی یزدی، علیجان. (۱۳۸۸). افغانستان و فقرزدایی با توسعه مدیریت. قم. چاپ گنج معرفت، انتشارات مشهور
۱۸. روزبهان، محمود (۱۳۸۸). مبانی توسعه اقتصادی، چاپ سیزدهم. تهران. انتشارات تابان
۱۹. طاهری، شهنام. (۱۳۷۸). بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان‌ها: مدیریت بهره‌وری فراگیر. تهران هستان
۲۰. فتوت، رامین. (۱۳۹۵). نگاهی به اهمیت بخش خدمات در اقتصاد. **ایران**
۲۱. فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. ترجمه‌ی هادی جلیلی. تهران. نشر نی
۲۲. قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۶۹). اقتصاد رشد و توسعه. جلد اول. تهران. نشرنی
۲۳. کرباسی، علیرضا. (۱۳۸۲). بررسی اثر متقابل بخش‌های صنعت و کشاورزی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. شماره ۱۵
۲۴. گردیزی، نیک محمد. (۱۳۸۹). تاریخچه سیر و انکشاف زراعت در افغانستان. کابل. چاپ وزارت زراعت آبیاری و مالداري
۲۵. محتشم دولتشاهی، طهماسب. (۱۳۸۸). مبانی علم اقتصاد. تهران. انتشارات خجسته



۲۶. نیلی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۲). خلاصه مطالعات طرح توسعه صنعتی کشور. تهران. دانشگاه صنعتی شریف، موسسه انتشارات علمی

## فهرست سایت‌های اینترنتی

۲۷. سایت اینترنتی بانک جهانی. تاریخ دسترسی ۲۰ حمل ۱۳۹۶ تارنما:  
<http://databank.worldbank.org/data/reports>.
۲۸. سایت اینترنتی اتحادیه صنعت گران هرات. تاریخ دسترسی ۲۱ حمل ۱۳۹۶ تارنما:  
<http://herat-inu.com/dari/index.php/news/۱۷-other/۵۷-۲۰۱۳-۱۱-۲۴-۰۸-۵۰-۲۴>
۲۹. سایت اینترنتی اداره مرکزی احصائیه افغانستان، تاریخ دسترسی ۳ ثور ۱۳۹۶. تارنما:  
<http://cso.gov.af/fa>
۳۰. اتاق تجارت و صنایع افغانستان. (بی تا). افغانستان سرزمین فرصت‌های بالقوه. وبسایت اتاق تجارت و صنایع افغانستان. تاریخ دسترسی: ۲ حمل ۱۳۹۶. تارنما:  
<http://www.acci.org.af/da/articles/۵۹۷-n.html>
۳۱. رسولی، خیرالله. (۱۳۹۱). سرمایه‌گذاری چیست. وبلاگ اقتصاد افغانستان، تازه-ترین گزارش‌های اقتصادی افغانستان و منطقه. تاریخ دسترسی: ۲۵ حوت ۱۳۹۵. تارنما:  
<http://afghanistaneconomy.blogfa.com/post/۲۶۳>
۳۲. Kennedy HP. Enhancing Delphi research: methods and results. J Adv Nurs ۲۰۰۴ Mar; ۴۵(۵): ۵۰۴-۱۱.
۳۳. Powell C. The Delphi technique: myths and realities. J Adv Nurs ۲۰۰۳ Feb; ۴۱(۴): ۳۷۶-۸۲.
۳۴. خبرنامه سازمان بین‌المللی تجارت. (۱۳۷۳). WTO Newsletter, April. ۱۹۹۴, No. ۳۹.
۳۵. Collins English Dictionary, Copyright@ HarperCollins Publisher.

The world bank, Afghanistan service sector, ۳۶  
[http://data.worldbank.org/indicator/NV.SRV.TETC.ZS?contextua  
l=default&locations=AF](http://data.worldbank.org/indicator/NV.SRV.TETC.ZS?contextua<br/>l=default&locations=AF)

## Abstract

This study has highlighted the fields of economic growth and development focused on the significant sectors of industry, service and agriculture in Herat province and exploring the potential investments in these sectors with the current opportunities and challenges.

The main objective of the present study is to identify the favorable investment platform in Herat province which would be able to push the economy of this area towards sustainable growth and development. Moreover, the research aimed at identification of the most current and potential profitable industries and services as well as strategic plants and fruits in Herat province. Likewise, exploration of the significant challenges against the investment and investors is another target of this research.

This study employed the Delphi technique, which is most widely used in qualitative empirical researches, in order to achieve the thoughts of the experts and entrepreneurs in the field of investment regarding the most important businesses that are currently or potentially flourishing. In the first round, the thoughts of ۵۰ experts and entrepreneurs with employing the open questionnaires have been collected and evaluated, afterwards, with another questionnaires in the second round, the investment priorities, profitable and flourished businesses, challenges and opportunities have been ranked, that are briefly displayed as the results and empirical findings of this research as follow.

In the industry sector, the most grown business is non-alcoholic beverage industry due to availability of its raw material inside the country; likewise,

after the beverage industry, the assembly, cake and biscuit, marble, dairy and carton industries have been respectively ranked as the most flourished businesses in Herat province. It is mentionable that the production of cement and plastic has been known as the most effective industry for job creation proposes in Herat industrial sector.

The empirical findings in the service sector show that the supply of telecommunication services currently known as the most grown, flourished and profitable business in Herat market. Likewise, private hospitals & clinics, private institutions of higher education, private schools and transport sectors have been highlighted respectively as the most flourished businesses after the telecommunication sector.

Moreover, the transport services with railway, supply of (hydro, solar and wind) electricity, tourism, insurance and cleaning services for households have been identified as the best potential services on which no significant investments have been done yet.

The empirical findings of agriculture sector indicate that the wheat has been identified as the most demanded and the most commonly used crop in the food industry of our community. Similarly, the crops such as cotton, sesame, grape, tomato, saffron, soybean, pistachio, heliotrope, beet, potatoes and cumin are respectively identified and ranked as the most demanded and commonly used plants after wheat. Moreover, from the profitability point of view, aviculture, cattle, sheep and goat husbandry, sericulture, beekeeping and fishery are respectively ranked as the most profitable animals which would be highly helpful for job creation process as well.

The experts and entrepreneurs have claimed that the most challenges against the growth and development process of industry, service and agriculture sectors are summarized in insecurity, corruption, and lack of government supporting policies, lack of professional workers and inexistence of infrastructure investments. In addition, they strongly declared that a number of policies and applicable measures such as security, transparency, elimination of discrimination, government financial and non-financial supports, preparation of long-run loans and credits, attract of foreign investors and implementation of quality improvement programs for products and services could be accounted as the appropriate solutions for economic growth and development in this regard.

## پرسشنامه‌ی نهایی مربوط به سکتورزراعت

### پاسخ‌دهنده‌ی گرامی!

با سپاس از همکاری شما در خانه‌پری نمودن پرسشنامه‌ی اولیه تحقیق "زمینه‌های سرمایه-گذاری در ولایت هرات" تقاضامندیم تا قبول زحمت فرموده پرسشنامه نهایی تحقیق را نیز خانه-پری نمایید. شرکت‌کننده‌گان تحقیق مرحله‌ی اول، گزینه‌های زیر را در مقابل هر پرسش مطرح نموده‌اند. در این مرحله انتظار می‌رود پاسخ‌دهنده‌گان گزینه‌های مطرح شده را بر اساس مهم بودن و مؤثر بودن آنها اولویت‌بندی نمایند. شورای متخصصان ولایت هرات، پیشاپیش از همکاری شما در این تحقیق سپاس‌گزاری می‌نماید.

**سوال اول: نباتات زیر را بر اساس درجه‌ی اهمیت شان بعنوان مواد درصنعت در شهر هرات درجه بندی نمایید.**

**نوت:**نمره‌ی یک (۱)، نشان دهنده‌ی درجه اول بودن یک نبات از نظر اهمیت استفاده بعنوان مواد خام درصنعت نظر به یازده نبات دیگر است و همین طور نمره‌ی (۱۲)، نشان دهنده‌ی درجه دوازدهم بودن یک نبات نسبت به سایر نباتات می باشد، یعنی هر یک از نمرات دوازده گانه، مخصوص یک نبات باشد و تکرار نگردد.

تعداد	انواع نباتات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۲)	ملاحظات
۱	گندم		
۲	زعفران		
۳	لبلبو		
۴	کنجد		
۵	انگور		
۶	پخته		
۷	بادنجان رومی		
۸	پسته		
۹	کچالو		
۱۰	گل آفتاب پرست		
۱۱	کرابیه		
۱۲	سایببین		

سوال دوم: نباتات سودآوری که با آب و هوای هرات سازگاری داشته و ترجیح می‌دهید بالای آنها سرمایه‌گذاری شود را درجه بندی نمایید.

نوت: نمره یک (۱)، نشان‌دهنده درجه اول بودن یک نبات در پروسه سازگاری با آب و هوای هرات نظر به چهارده نبات دیگر می باشد و همین طور نمره پانزده (۱۵)، نشان‌دهنده درجه پانزدهم بودن یک نبات نسبت به چهارده نبات دیگر است، یعنی هر یک از نمرات پانزده گانه، مخصوص یک نبات باشد و تکرار نشود.

تعداد	انواع نباتات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۵)	ملاحظات
۱	گندم		
۲	زعفران		
۳	لبلیبو		
۴	کنجد		
۵	انگور		
۶	پخته		
۷	بادنجان رومی		
۸	پسته		
۹	کچالو		
۱۰	گل آفتاب پرست		
۱۱	کرابیه		
۱۲	سایبین		
۱۳	خیار		
۱۴	سیر		
۱۵	نخود		

**سوال سوم:** فارم های حیوانی را از لحاظ درجه مفیدیت اقتصادی و شدت اشتغالزایی شان اولویت بندی نمایید.

**نوت:** نمره یک (۱)، نشان‌دهنده درجه اول بودن یک فارم در پروسه اقتصادی و اشتغالزایی نظر به پنج فارم دیگر می‌باشد و همین طور نمره شش (۶)، نشان‌دهنده درجه ششم بودن یک فارم نسبت به پنج فارم دیگر است، یعنی هر یک از نمرات شش گانه، مخصوص یک فارم باشد و تکرار نشود.

تعداد	فارم های حیوانی	درجه بندی (از ۱ تا ۶)	ملاحظات
۱	مرغداری		
۲	گاوداری		
۳	زنبورداری		
۴	پرورش کرم ابریشم		
۵	ماهی پروری		
۶	پرورش بز وگوسفند		



سوال چهارم: دلایل اهمیت بازرنگری پروسس ومارکتینگ محصولات حیوانی در هرات را اولویت بندی نمایید.

نوت: نمره یک (۱)، نشان دهنده درجه اول بودن یک دلیل در پروسه بازرنگری نظر به هشت دلیل دیگر می باشد و همین طور نمره نه (۹)، نشان دهنده درجه نهم بودن یک دلیل نسبت به هشت دلیل دیگر است، یعنی هر یک از نمرات نه گانه، مخصوص یک دلیل باشد و تکرار نشود.

تعداد	بخش بازرنگری	درجه بندی (از ۱ تا ۹)	ملاحظات
۱	پروسس معیاری و بهداشتی نیست		
۲	بشکل معیاری سورت ودرجه بندی نشده است		
۳	توانایی رقابت با محصولات مشابه خارجی را ندارد		
۴	کیفیت لازمه را ندارد		
۵	ISO سرتیفیکشن ندارد		
۶	کافی نبودن سرمایه گذاری درین عرصه		
۷	عدم موجودیت مارکت دایمی مطمین (داخلی و خارجی)		
۸	عدم رعایت تدابیر حفظ الصحه وی (وقایه و تداوی حیوانات)		
۹	عدم استفاده از کادرفنی و متخصص درین زمینه		

سوال پنجم: راهکارهای بهبود وضعیت به ارتباط تنظیم پروسس و ارزش افزوده محصولات نباتی را درجه بندی نمایید.

نوت: نمره یک (۱)، نشان دهنده درجه اول بودن یک راهکار نظر به نه راهکار دیگر می باشد و همین طور نمره ده (۱۰)، نشان دهنده درجه دهم بودن یک راهکار نسبت به نه راهکار دیگر است، یعنی هر یک از نمرات ده گانه، مخصوص یک راهکار باشد و تکرار نشود.

تعداد	راهکارها با ارتباط بهبود وضعیت	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	احداث ذخیره گاه ها و سردخانه‌های معیاری		
۲	ایجاد مارکت های سبزی و میوه		
۳	بالا بردن سطح آگاهی دهاقین از طریق ارائه خدمات ترویجی		
۴	حمایت دولت و سکتور خصوصی		
۵	تولید و توزیع تخم‌های اصلاح شده بذری		
۶	ایجاد سیستم سورت و استندرد		
۷	احداث باغ‌ها بشکل تجارتي		
۸	اعطای وامها و قرضه های طویل‌المدت به دهاقین		
۹	ارایه ایزو سرتیفیکشن برای صادرات		
۱۰	توجه بیشتر در قسمت Food Safety		

**سوال ششم:** چالش‌های عمده‌ی رشد سکتور زراعت، باغداری و مالداري در هرات را اولويت بندي نماييد.

**نوت:** نمره‌ی یک (۱)، نشان‌دهنده‌ی درجه اول بودن یک چالش در پروسه اولويت‌بندي چالش‌ها نظر به چهارده چالش ديگر می‌باشد و همين طور نمره‌ی پانزده (۱۵)، نشان‌دهنده‌ی درجه پانزدهم بودن یک چالش نسبت به چهارده چالش ديگر است، یعنی هر یک از نمرات پانزده‌گانه، مخصوص یک بخش باشد و تکرار نشود.

تعداد	چالشها	درجه بندي (از ۱ تا ۱۵)	ملاحظات
۱	عدم موجودیت مارکت خوب		
۲	نبود مراکز تحقیقاتی و ترویجی در بخش زراعت		
۳	عدم حمایت دولت و سکتور خصوصی از دهاقین		
۴	عدم موجودیت یک برنامه ملی بخاطر انکشاف زراعت		
۵	عدم مدیریت آب‌های سطحی		
۶	عدم سرمایه‌گذاری لازم در بخش زراعت		
۷	عدم تبدیل زراعت معیشتی به زراعت تجارتي		
۸	عدم موجودیت سردخانه و ذخیره گاه‌های معیاری		
۹	عدم موجودیت ایزو سرتیفیکت برای محصولات صادراتی		
۱۰	کمبود تخم‌های اصلاح شده بذری		
۱۱	پایین بودن سطح آگاهی دهاقین		
۱۲	مهاجرت دهاقین از قریه‌جات به شهرها به دلایل امنیتی و اقتصادی		
۱۳	عدم استفاده از کادر متخصص و مجرب		
۱۴	عدم موجودیت قرنطینه در مرزها		
۱۵	تورید کودها و ادویه‌جات بی کیفیت		

## پاسخ‌دهنده گرامی!

پرسشنامه‌ای که پیش روی شما قرار دارد مربوط به پروژه تحقیقی است که از طرف شورای متخصصان ولایت هرات راه‌اندازی شده است. هدف این تحقیق برجسته‌ساختن "زمینه‌های توسعه اقتصادی ولایت هرات - متمرکز بر سه حوزه صنایع کوچک، خدمات و زراعت" است تا با استفاده از نظر کارشناسان، آگاهان و دست‌اندرکاران مسایل اقتصادی زمینه‌های توسعه هرات برای دولت، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی معرفی گردد. این تحقیق با استفاده از روش کیفی آینده‌نگر "دلفی" صورت می‌گیرد. دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است و یا رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه‌ای با حفظ گمنامی پاسخ‌دهندگان، و بازخورد نظرات به اعضای پانل صورت می‌گیرد. این تحقیق در سه مرحله طراحی شده که محتویات پرسشهای مراحل بعدی از روی مراحل قبلی تهیه می‌گردد. در مرحله سوم، نقطه نظرات شرکت‌کننده‌گان تحقیق تحلیل شده و برای بدست آوردن اجماع آخری واپس به همه شریک ساخته میشود تا در صورت نیاز دیدگاه‌های قبلی خود را با در نظر داشت اطلاعات جدید و نظرات دیگران تعدیل یا تصحیح نمایند. در این روش، تحقیق با مشارکت گروهی تیم تحقیق صورت می‌گیرد که اغلب متخصصان و صاحب‌نظرات همان حوزه تحقیق اند. تحقیق دلفی دو بعدی است و همچنان که از نظریات کارشناسان استفاده می‌گردد، کارشناسان نیز فرصتی پیدا میکنند تا در حوزه تحقیق از نظریات افراد کارشناس و متخصصان دیگر بهره‌برند و حتا دیدگاه‌ها و نظریات خود را در پرتو اطلاعات و دیدگاه‌های دیگران تعدیل و تنقیح نمایند.

در این تحقیق ۱۵ نفر متخصص حوزه اقتصادی متمرکز بر "سکتور خدمات" سهم دارند و شما یکی از این ۱۵ نفر هستید که در اجرا شدن این تحقیق سهم ویژه دارید. انتظار می‌رود تا با خواندن دقیق سوالهای تحقیق، در فرصت مناسب (تا سه روز) در مورد موضوع فکر نموده در زمان مناسب اقدام به نوشتن دیدگاه‌های خود در برابر هر پرسش نمایید. پرسشنامه دوم، پس از جمع‌آوری و تحلیل پرسشنامه دور اول و با استفاده از نظریات شما و کارشناسان دیگر طراحی شده و برای پاسخ‌دهی به خدمت شما فرستاده میشود. در نهایت پرسشنامه سوم هم با تحلیل اطلاعات و داده‌های پرسشنامه دوم طراحی شده دیدگاه شما را جمع‌آوری نموده پس از تحلیل و تفسیر

نظریات همه‌ی اعضای گروه و به دست آمدن اجماع نسبی در مورد موضوع تحقیق در گزارش نهایی تحقیق تجلی می‌یابد. در جریان تحقیق سریت نام شرکت کنندگان حفظ می‌گردد؛ ولی در صورت تمایل نام و شهرت شما به عنوان شرکت کننده و عضو تیم تحقیق در گزارش تحقیق به چاپ می‌رسد.

شورای متخصصان ولایت هرات پیشاپیش از سهم‌گیری فعالانه شما و اختصاص دادن وقت به این موضوع مهم و بس حیاتی برای اقتصاد ولایت هرات و کشور، سپاسگزاری ویژه نموده موفقیت و بهروزی شما را آرزومند است.

**نوت:** این سوالنامه در جستجوی شناسایی و اولویت بندی زمینه های سرمایه گذاری، اشتغالزایی و رشد اقتصادی در سکتور خدمات ولایت هرات مییاشد. آنچه در چند سال اخیر در سکتور خدمات دیده شده، بخش های همچون مکاتب خصوصی، کودکانهای خصوصی، تحصیلات عالی خصوصی، شفاخانه ها/کلینیک های خصوصی، مخابرات، ترانسپورت و ... رشد و رونق قابل توجه داشته است.

۱. در سکتور خدمات، کدام بخش ها پررونق و رو به رشد می باشد؟ دلایل تان را نیز بنویسید.

۲. در سکتور خدمات، متقاضیان کدام بخش ها رشد روزافزون دارد؟ با ذکر دلیل بنویسید.

۳. در سکتور خدمات، کدام بخش ها اشتغالزایی بیشتر دارد؟ با ذکر دلایل تان بنویسید.

۴. مفاد سرمایه گذاری ها در کدام بخش های سکتور خدمات زیادتیر است؟ دلایل تان را نیز بنویسید.

۵. بخش های جدید و بالقوه در سکتور خدمات (که تاکنون در آنها سرمایه گذاری نشده) کدام ها اند؟

۶. از دید شما، دولت به منظور جذب سرمایه گذاری های بیشتر و بهتر در سکتور خدمات، کدام پالیسی ها و تدابیر را اتخاذ نماید؟

۷. چالش های عمده ی رشد سکتور خدمات در هرات کدام هاست و برای رفع آنها چه پیشنهاد می کنید؟

## پاسخ‌دهنده گرامی!

پرسشنامه‌ای که پیش روی شما قرار دارد مربوط به پروژه تحقیقی است که از طرف شورای متخصصان هرات راه‌اندازی شده است. هدف این تحقیق برجسته‌سازی "زمینه‌های توسعه اقتصادی ولایت هرات - متمرکز بر سه حوزه صنایع کوچک، خدمات و زراعت" است تا با استفاده از نظر کارشناسان، آگاهان و دست‌اندرکاران مسایل اقتصادی زمینه‌های توسعه هرات برای دولت، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی معرفی گردد. این تحقیق با استفاده از روش کیفی آینده‌نگر "دلفی" صورت می‌گیرد. دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است و با رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه‌ای با حفظ گمنامی پاسخ‌دهندگان، و بازخورد نظرات به اعضای پانل صورت می‌گیرد. این تحقیق در سه مرحله طراحی شده که محتویات پرسشهای مراحل بعدی از روی مراحل قبلی تهیه می‌گردد. در مرحله سوم، نقطه نظرات شرکت‌کنندگان تحقیق تحلیل شده و برای بدست آوردن اجماع آخری واپس به همه شریک ساخته میشود تا در صورت نیاز، دیدگاه‌های قبلی خود را با در نظر داشت اطلاعات جدید و نظرات دیگران تعدیل یا تصحیح نمایند. در این روش، تحقیق با مشارکت گروهی تیم تحقیق صورت می‌گیرد که اغلب متخصصان و صاحب‌نظران همان حوزه تحقیق اند. تحقیق دلفی دو بعدی هست و همچنان که از نظریات کارشناسان استفاده می‌گردد، کارشناسان نیز فرصتی پیدا میکنند تا در حوزه تحقیق از نظریات افراد کارشناس و متخصص دیگر بهره‌برند و حتی دیدگاه‌ها و نظریات خود را در پرتو اطلاعات و دیدگاه‌های دیگران تعدیل و تنقیح نمایند.

در این تحقیق ۱۵ نفر متخصص حوزه اقتصادی متمرکز بر "صنایع کوچک" سهم دارند و شما یکی از این ۱۵ نفر هستید که در اجرا شدن این تحقیق سهم ویژه دارید. انتظار می‌رود تا با خواندن دقیق سوالهای تحقیق، در فرصت مناسب (تا سه روز) در مورد موضوع فکر نموده در زمان مناسب اقدام به نوشتن دیدگاه‌های خود در برابر هر پرسش نمایید. پرسشنامه دوم، پس از جمع‌آوری و تحلیل پرسشنامه دور اول و با استفاده از نظریات شما و کارشناسان دیگر طراحی شده و برای پاسخ‌دهی خدمت شما فرستاده میشود. در نهایت پرسشنامه سوم هم با تحلیل اطلاعات و داده‌های پرسشنامه دوم طراحی شده دیدگاه شما را جمع‌آوری نموده پس از تحلیل و تفسیر نظریات همه اعضای گروه و به دست آمدن اجتماع نسبی در مورد موضوع تحقیق در گزارش نهایی تحقیق تجلی می‌یابد. در جریان تحقیق سریت نام شرکت کنندگان حفظ

میگردد؛ ولی در صورت تمایل نام و شهرت شما به عنوان شرکت کننده و عضو تیم تحقیق در گزارش تحقیق به چاپ میرسد.

شورای متخصصان هرات پیشاپیش از سهم‌گیری فعالانه شما و اختصاص دادن وقت به این موضوع مهم و بس حیاتی برای اقتصاد هرات و کشور، سپاسگزاری ویژه نموده موفقیت و بهروزی شما را آرزومند است.

۱. به نظر شما کدام صنایع در هرات رشد بیشتری داشته اند و علل آن چیست؟
۲. به نظر شما در هرات زمینه های سرمایه گذاری در کدام صنایع بیشتر است؟ با ذکر دلیل بنویسید.
۳. جهت رشد اقتصادی در هرات کدام صنایع بالقوه باید ایجاد گردد؟ با ذکر دلایل تان بنویسید.
۴. به منظور رشد صنایع هرات، دولت باید چه کاری انجام دهد؟
۵. صنایع موجود هرات جهت رشد و موفقیت در رقابت با صنایع کشورهای همسایه باید چه ایکنند؟
۶. ایجاد و رشد کدام صنایع در هرات میتواند جهت کاهش بیکاری مفید واقع شود
۷. چالش‌های پیش روی صنایع هرات چیست و برای رفع این چالش‌ها چه پیشنهاد میکنید؟

### پرسشنامه نهایی مربوط به سکتور خدمات

#### پاسخ‌دهنده گرامی!

با سپاس از همکاری شما در خانه‌پری نمودن پرسشنامه اولیه تحقیق "زمینه‌های سرمایه‌گذاری در ولایت هرات" تقاضامندیم تا قبول زحمت فرموده پرسشنامه نهایی تحقیق را نیز خانه‌پری نمایید. شرکت‌کننده-گان تحقیق مرحله اول، گزینه‌های زیر را در مقابل هر پرسش مطرح نموده‌اند. در این مرحله انتظار می‌رود پاسخ‌دهنده‌گان گزینه‌های مطرح شده را بر اساس مهم بودن و مؤثر بودن آنها اولویت‌بندی نمایند. شورای متخصصان ولایت هرات، پیشاپیش از همکاری شما در این تحقیق سپاس‌گزاری می‌نماید.

**سوال اول:** لطفاً تجارت‌ها یا بخش‌های خدماتی زیر را بر اساس درجه رشد و رونق‌شان در شهر هرات اولویت‌بندی نمایید.

**نوت:** شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین درجه و شماره (۱۰) نشان‌دهنده کمترین درجه در مقایسه با گزینه‌های دیگر است. هر شماره در هر سوال صرف یک مرتبه انتخاب شود.

تعداد	نام بخش مربوط به سکتور خدمات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	موسسات تحصیلات عالی خصوصی		
۲	شرکت‌های مخابراتی		
۳	مکاتب خصوصی		
۴	کودکستان‌های خصوصی		
۵	شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی		
۶	ترانسپورت (هوایی و زمینی - مسافری و باربری)		
۷	رسانه‌ها		
۸	هوتل‌داری (تالارها، رستوران‌ها و مکانهای تفریحی)		
۹	بانکهای خصوصی		
۱۰	خدمات حقوقی		



سوال دوم: لطفاً تجارت‌ها یا بخش‌های خدماتی زیر را از لحاظ رشد متقاضیان‌شان درجه‌بندی نمایید.

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین درجه و شماره (۱۰) نشان‌دهنده کمترین درجه در مقایسه با گزینه‌های دیگر است. هر شماره در هر سوال صرف یک مرتبه انتخاب شود.

تعداد	نام بخش مربوط به سکتور خدمات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	شرکت‌های مخابراتی		
۲	موسسات تحصیلات عالی خصوصی		
۳	شفاخانه‌ها یا کلینیک یا خصوصی		
۴	کودکستان‌های خصوصی		
۵	مکاتب خصوصی		
۶	ترانسپورت (هوایی و زمینی - مسافربری و باربری)		
۷	رسانه‌ها		
۸	بانکهای خصوصی		
۹	خدمات حقوقی		
۱۰	هوتل داری (تالارها، رستوران‌ها و مکانهای تفریحی)		

سوال سوم: لطفاً تجارت‌ها یا بخش‌های خدماتی زیر را از لحاظ درجه‌ شدت اشتغال‌زایی‌شان اولویت‌بندی نمایید.

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین درجه و شماره (۹) نشان‌دهنده کمترین درجه در مقایسه با گزینه‌های دیگر است. هر شماره در هر سوال صرف یک مرتبه انتخاب شود.

تعداد	نام بخش مربوط به سکتور خدمات	درجه بندی (از ۱ تا ۹)	ملاحظات
۱	شرکت‌های مخابراتی		
۲	شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی		
۳	بانک‌های خصوصی		
۴	هوتل‌داری (تالارها، رستوران‌ها و مکان‌های تفریحی)		
۵	مکاتب خصوصی		
۶	رسانه‌ها		
۷	ترانسپورت (هوایی و زمینی - مسافربری و باربری)		
۸	موسسات تحصیلات عالی خصوصی		
۹	خدمات حقوقی		

سوال چهارم: لطفاً تجارت‌ها یا بخش‌های خدماتی زیر را از لحاظ درجه سودآوری‌شان درجه-بندی نمایید.

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین درجه و شماره (۹) نشان‌دهنده کمترین درجه در مقایسه با گزینه‌های دیگر است. هر شماره در هر سوال صرف یک مرتبه انتخاب شود.

تعداد	نام بخش مربوط به سکتور خدمات	درجه بندی (از ۱ تا ۹)	ملاحظات
۱	شرکت‌های مخابراتی		
۲	شفاخانه‌ها و کلینیک‌های خصوصی		
۳	مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی		
۴	هوتل‌داری (تالارها، رستوران‌ها و مکانهای تفریحی)		
۵	مکاتب خصوصی		
۶	بانکهای خصوصی		
۷	ترانسپورت (هوایی و زمینی - مسافربری و باربری)		
۸	خدمات حقوقی		
۹	رسانه‌ها		

سوال پنجم: بخش‌های زیر منجیث تجارت‌های بالقوه مطرح است، لطفاً هر یک را از لحاظ درجهٔ رشد بالقوه‌شان درجه‌بندی نمایید.

نوت: شمارهٔ (۱) نشان‌دهندهٔ بیشترین درجه و شمارهٔ (۷) نشان‌دهندهٔ کمترین درجه در مقایسه با گزینه‌های دیگر است. هر شماره در هر سوال صرف یک مرتبه انتخاب شود.

تعداد	نام بخش مربوط به سکتور خدمات	درجه بندی (از ۱ تا ۷)	ملاحظات
۱	خط آهن		
۲	موسسات بیمه مثل بیمهٔ خدمات و حقوق تقاعد		
۳	خدمات گردشگری و تفریحی		
۴	خدمات تنظیفی برای خانواده‌ها		
۵	خدمات برای مراسم مذهبی (فاتحه‌خانه-ها و کفن و دفن)		
۶	تولید برق (آبی، آفتابی و یا بادی)		
۷	پروژه‌های مقدماتی برای پروژه‌های بزرگی مثل تاپی		

سوال ششم: پالیسی‌ها و تدابیر دولتی زیر را از لحاظ مؤثریت‌شان در جذب سرمایه‌گذاری- های سکتور خدمات، اولویت‌بندی نمایید.

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین درجه و شماره (۱۰) نشان‌دهنده کمترین درجه در مقایسه با گزینه‌های دیگر است. هر شماره در هر سوال صرف یک مرتبه انتخاب شود.

تعداد	نام بخش مربوط به سکتور خدمات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	ایجاد تسهیلات و امکانات برای سرمایه- گذاران مثل زمین		
۲	اعطای قروض طویل‌المدت و میان‌مدت		
۳	جلب توجه دونه‌های خارجی به سرمایه- گذاران داخلی		
۴	تأمین امنیت		
۵	تسهیلات گمرکی و ترانزیتی		
۶	جلوگیری از فساد اداری و انحصارطلبی		
۷	ایجاد تسهیلات جهت ارتقای ظرفیت کاردهای تخصصی		
۸	جلوگیری از قانون‌شکنی و از بین بردن تبعیض		
۹	جمع‌آوری مالیات به شکل عادلانه		
۱۰	مرتبط ساختن سرمایه‌گذاران داخلی با هم‌تایان خارجی‌شان		

سوال هفتم: چالش‌های عمده‌ی رشد سکتور خدمات در بازار هرات را درجه بندی نمایید.  
 نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین درجه و شماره (۱۰) نشان‌دهنده کمترین درجه در مقایسه با  
 گزینه‌های دیگر است. هر شماره در هر سوال صرف یک مرتبه انتخاب شود.

تعداد	نام بخش مربوط به سکتور خدمات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	قانون‌گریزی و قانون‌شکنی		
۲	ناامنی		
۳	فساد اداری و عدم شفافیت در ادارات دولتی و تبعیض		
۴	نبود کادرهای مسلکی به‌ویژه در بخش مشورده‌دهی		
۵	نبود استاندارد برای خدمات		
۶	پایین بودن سطح سواد و فرهنگ در روستاها		
۷	کمبود متخصصین		
۸	نبود سرمایه‌گذاری‌های به شکل سهامی و گروهی		
۹	نبود سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و مشترک با سرمایه‌گذاران خارجی		
۱۰	نبود ارتباطات مستقیم با شرکتهای خدماتی خارجی		

## پرسشنامه‌ی نهایی مربوط به سکتورزراعت

### پاسخ‌دهنده‌ی گرامی!

با سپاس از همکاری شما در خانه‌پری نمودن پرسشنامه‌ی اولیه تحقیق "زمینه‌های سرمایه‌گذاری در ولایت هرات" تقاضا نمودیم تا قبول زحمت فرموده پرسشنامه نهایی تحقیق را نیز خانه‌پری نمایید. شرکت‌کننده‌گان تحقیق مرحله‌ی اول، گزینه‌های زیر را در مقابل هر پرسش مطرح نموده‌اند. در این مرحله انتظار می‌رود پاسخ‌دهنده‌گان گزینه‌های مطرح شده را بر اساس مهم بودن و مؤثر بودن آنها اولویت‌بندی نمایند. شورای متخصصان ولایت هرات، پیشاپیش از همکاری شما در این تحقیق سپاس‌گزاری می‌نماید.

**سوال اول:** نباتات زیر را بر اساس درجه‌ی اهمیت شان بعنوان مواد خام درصنعت در شهر هرات درجه بندی نمایید.

**نوت:**نمره‌ی یک (۱)، نشان دهنده‌ی درجه اول بودن یک نبات از نظر اهمیت استفاده بعنوان مواد خام درصنعت نظر به یازده نبات دیگر است و همین طور نمره‌ی (۱۲)، نشان دهنده‌ی درجه دوازدهم بودن یک نبات نسبت به سایر نباتات می‌باشد، یعنی هر یک از نمرات دوازده گانه، مخصوص یک نبات باشد و تکرار نگردد.

تعداد	انواع نباتات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۲)	ملاحظات
۱	گندم		
۲	زعفران		
۳	لبلبو		
۴	کنجد		
۵	انگور		
۶	پخته		
۷	بادنجان رومی		
۸	پسته		

		کچالو	۹
		گل آفتاب پرست	۱۰
		کرایبه	۱۱
		سایببین	۱۲

**سوال دوم:** نباتات سودآوری که با آب و هوای هرات سازگاری داشته و ترجیح می‌دهید بالای آنها سرمایه‌گذاری شود را درجه بندی نمایید.

**نوت:** نمره ۱ (۱)، نشاندهنده درجه اول بودن یک نبات در پروسه سازگاری با آب و هوای هرات نظر به چهارده نبات دیگر می‌باشد و همین‌طور نمره پانزده (۱۵)، نشاندهنده درجه پانزدهم بودن یک نبات نسبت به چهارده نبات دیگر است، یعنی هر یک از نمرات پانزده گانه، مخصوص یک نبات باشد و تکرار نشود.

تعداد	انواع نباتات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۵)	ملاحظات
۱	گندم		
۲	زعفران		
۳	لبلبو		
۴	کنجد		
۵	انگور		
۶	پخته		
۷	بادنجان رومی		
۸	پسته		
۹	کچالو		
۱۰	گل آفتاب پرست		
۱۱	کرایبه		
۱۲	سایببین		
۱۳	خیار		
۱۴	سیر		
۱۵	نخود		



سوال سوم: فارم های حیوانی را از لحاظ درجه مفیدیت اقتصادی و شدت اشتغالزایی شان اولویت بندی نمایید.

نوت:نمره یک (۱)، نشاندهنده درجه اول بودن یک فارم در پروسه اقتصادی و اشتغالزایی نظر به پنج فارم دیگر می باشد و همین طور نمره شش (۶)، نشاندهنده درجه ششم بودن یک فارم نسبت به پنج فارم دیگر است، یعنی هر یک از نمرات شش گانه، مخصوص یک فارم باشد و تکرار نشود.

تعداد	فارم های حیوانی	درجه بندی (از ۱ تا ۶)	ملاحظات
۱	مرغداری		
۲	گاوداری		
۳	زنبورداری		
۴	پرورش کرم ابریشم		
۵	ماهی پروری		
۶	پرورش بز وگوسفند		

سوال چهارم: دلایل اهمیت بازرنگری پروسس ومارکتینگ محصولات حیوانی درهرات را اولویت بندی نمایید.

نوت:نمرهٔ یک (۱)، نشان دهندهٔ درجه اول بودن یک دلیل در پروسه بازرنگری نظر به هشت دلیل دیگر می باشد و همین طور نمرهٔ نه (۹)، نشان دهندهٔ درجه نهم بودن یک دلیل نسبت به هشت دلیل دیگر است، یعنی هر یک از نمرات نه گانه، مخصوص یک دلیل باشد و تکرار نشود.

تعداد	بخش بازرنگری	درجه بندی (از ۱ تا ۹)	ملاحظات
۱	پروسس معیاری و بهداشتی نیست		
۲	بشکل معیاری سورت ودرجه بندی نشده است		
۳	توانایی رقابت با محصولات مشابه خارجی را ندارد		
۴	کیفیت لازمه را ندارد		
۵	ISO سرتیفیکشن ندارد		
۶	کافی نبودن سرمایه گذاری درین عرصه		
۷	عدم موجودیت مارکت دایمی مطمین (داخلی و خارجی)		
۸	عدم رعایت تدابیر حفظ الصحه وی (وقایه و تداوی حیوانات)		
۹	عدم استفاده از کادرفنی و متخصص درین زمینه		

سوال پنجم: راهکارهای بهبود وضعیت به ارتباط تنظیم پروسس و ارزش افزوده محصولات نباتی را درجه بندی نمایید.

نوت: نمره یک (۱)، نشان دهنده درجه اول بودن یک راهکار نظر به نه راهکار دیگر می باشد و همین طور نمره ده (۱۰)، نشان دهنده درجه دهم بودن یک راهکار نسبت به نه راهکار دیگر است، یعنی هر یک از نمرات ده گانه، مخصوص یک راهکار باشد و تکرار نشود.

تعداد	راهکارها بارتباط بهبود وضعیت	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	احداث ذخیره گاه ها و سردخانه های معیاری		
۲	ایجاد مارکت های سبزی و میوه		
۳	بالا بردن سطح آگاهی دهاقین از طریق ارائه خدمات ترویجی		
۴	حمایت دولت و سکتور خصوصی		
۵	تولید و توزیع تخم های اصلاح شده بذری		
۶	ایجاد سیستم سورت و استندرد		
۷	احداث باغ ها بشکل تجارتي		
۸	اعطای وامها وقرضه های طویل المدت به دهاقین		
۹	ارایه ایزو سرتیفیکشن برای صادرات		
۱۰	توجه بیشتر در قسمت Food Safety		

سوال ششم: چالش‌های عمده‌ی رشد سکتور زراعت، باغداری و مالداري در هرات را اولويت بندي نماييد..

نوت: نمره‌ی یک (۱)، نشان‌دهنده‌ی درجه اول بودن یک چالش در پروسه اولويت بندي چالشها نظر به چهارده چالش ديگر می باشد و همین طور نمره‌ی پانزده (۱۵)، نشان‌دهنده‌ی درجه پانزدهم بودن یک چالش نسبت به چهارده چالش ديگر است، یعنی هر یک از نمرات پانزده گانه، مخصوص یک بخش باشد و تکرار نشود.

تعداد	چالشها	درجه بندي (از ۱ تا ۱۵)	ملاحظات
۱	عدم موجودیت مارکت خوب		
۲	نبود مراکز تحقیقاتی و ترویجی در بخش زراعت		
۳	عدم حمایت دولت و سکتور خصوصی از دهاقین		
۴	عدم موجودیت یک برنامه ملی بخاطر انکشاف زراعت		
۵	عدم مدیریت آبهای سطحی		
۶	عدم سرمایه گذاری لازم در بخش زراعت		
۷	عدم تبدیل زراعت معیشتی به زراعت تجارتي		
۸	عدم موجودیت سردخانه و ذخیره گاه های معیاری		
۹	عدم موجودیت ایزوسرتیفیکت برای محصولات صادراتی		
۱۰	کمبود تخمهای اصلاح شده بذری		
۱۱	پایین بودن سطح آگاهی دهاقین		
۱۲	مهاجرت دهاقین از قریه جات به شهرها به دلایل امنیتی و اقتصادی		
۱۳	عدم استفاده از کادر متخصص و مجرب		
۱۴	عدم موجودیت قرنطینه در مرزها		
۱۵	تورید کودها و ادویه جات بی کیفیت		

## پرسشنامه‌ی نهایی مربوط به سکتور صنایع

### پاسخ‌دهنده‌ی گرامی!

با سپاس از همکاری شما در خانه‌پری نمودن پرسشنامه‌ی اولیه تحقیق "زمینه‌های سرمایه‌گذاری در ولایت هرات" تقاضا می‌کنیم تا قبول زحمت فرموده پرسشنامه نهایی تحقیق را نیز خانه‌پری نمایید. شرکت‌کننده-گان تحقیق مرحله اول، گزینه‌های زیر را در مقابل هر پرسش مطرح نموده‌اند. در این مرحله انتظار می‌رود پاسخ‌دهنده‌گان گزینه‌های مطرح شده را بر اساس مهم بودن و مؤثر بودن آنها اولویت بندی نمایند. شورای متخصصان ولایت هرات، پیشاپیش از همکاری شما در این تحقیق سپاس‌گزاری می‌نماید.

**سوال اول:** لطفاً صناعی را که در شهر هرات رشد بیشتری داشته‌اند، اولویت بندی نمایید.

**نوت:** شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین رشد و شماره (۱۲) نشان‌دهنده کمترین رشد در مقایسه با گزینه‌های دیگر است. هر شماره صرف یک بار درج شود.

تعداد	نام صنایع	درجه بندی (از ۱ تا ۱۲)	ملاحظات
۱	صنعت مونتاژ مانند موتور سیکل، ریکشا و غیره		
۲	صنعت سنگ بری مخصوصاً سنگ مرمر		
۳	صنعت تولید لوازم المونیمی		
۴	صنعت تولید انواع نوشیدنی های غیر الکولی		
۵	صنعت تولید غلات حجیم شده (پفک نمکی)		
۶	صنعت تولید لبنیات		
۷	صنعت تولید کیک، بیسکویت، چاکلت و نان		
۸	صنعت تولید محصولات بهداشتی و شوینده ها		
۹	صنعت تولید ظروف پلاستیکی و لوله های مختلف		

		صنایع دستی مانند قالین بافی و شال بافی و غیره	۱۰
		صنایع چوبی و تولید لوازم خانه‌گی	۱۱
		صنعت تولید موزائیک، خشت و ریگ	۱۲

**سوال دوم:** لطفاً بگویید که زمینه‌های سرمایه‌گذاری در کدام صنایع زیر بیشتر است؟  
**نوت:** شماره (۱) نشان‌دهنده‌ی بیشترین امکان و شماره (۱۲) نشان‌دهنده‌ی کمترین امکان سرمایه‌گذاری است.

ملاحظات	درجه بندی (از ۱ تا ۱۲)	نام صنایع	تعداد
		شیشه‌سازی	۱
		کارتن‌سازی و بسته‌بندی محصولات	۲
		نساجی	۳
		تولید چرم، کیف و کفش چرمی	۴
		سمنت	۵
		تولید و پروسس لبنیات	۶
		صنایع چوبی و تولید لوازم خانه‌گی	۷
		تولید و پروسس میوه‌های خشک	۸
		احداث سردخانه‌ها برای زراعت و دامداری	۹
		صنایع دستی، قالین بافی، شال بافی، خامک دوزی	۱۰
		تولید لباس	۱۱
		ذوب آهن	۱۲

سوال سوم: به منظور رشد صنایع در هرات، دولت باید چه کار هایی انجام دهد؟

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین اهمیت و شماره (۱۲) نشان‌دهنده کمترین اهمیت در مقایسه با گزینه‌های دیگر است.

تعداد	نام فعالیتی که دولت باید انجام دهد	درجه بندی (از ۱ تا ۱۲)	ملاحظات
۱	توزیع زمین رایگان برای صنعت گران		
۲	جلوگیری از صادرات مواد خام بدون پروسس		
۳	اعطای معافیت های مالیاتی و تعرفه گمرکی مناسب		
۴	راه اندازی کمپاین تبلیغاتی مصرف تولیدات داخلی		
۵	تامین امنیت جانی و مالی سرمایه گذاران		
۶	حفاظت از مرز ها و جلوگیری از قاچاق کالا		
۷	ایجاد دفاتر مشوره دهی به سرمایه گذاران		
۸	جلوگیری از فساد اداری و اصلاحات نظام قضایی		
۹	کاهش قیمت آب و برق صنعتی		
۱۰	ایجاد استندرد و جلوگیری از تولید بی کیفیت		
۱۱	تاسیس بانک حمایت از صنایع و اعطای قرضه ارزان		
۱۲	تاسیس شرکت های بیمه معیاری		

سوال چهارم: صنایع موجود در هرات جهت موفقیت در روند رقابتی با صنایع سایر کشورها باید چه کاری انجام دهند؟

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده‌ی بیشترین اهمیت و شماره (۱۰) نشان‌دهنده‌ی کمترین اهمیت در مقایسه با گزینه‌های دیگر است.

تعداد	فعالیت‌هایی که صنایع باید انجام دهند	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	توجه به قیمت اجناس داخلی در مقایسه با اجناس خارجی		
۲	استفاده از تکنولوژی جدید و توجه به کیفیت محصولات		
۳	بهبود مدیریت، تشویق مادی و معنوی کارمندان و کارگران		
۴	توجه به نوآوری و ایجاد ابتکار در تولید و بسته بندی		
۵	ایجاد شبکه‌های موثر و اتحادیه‌های صنفی		
۶	گسترش روابط با دانشگاه‌ها و انجام تحقیقات		
۷	سرمایه‌گذاری روی کالایی که متکی به مواد خام داخلیست		
۸	بلند بردن ظرفیت کارمندان و کارگران		
۹	استندرد سازی (ایجاد ایزوهای ISO معتبر)		
۱۰	ایجاد نمایشگاه داخلی و خارجی محصولات تولیدی خود		



سوال پنجم: ایجاد کدام صنایع در هرات میتواند جهت کاهش بیکاری مفید باشد؟

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده بیشترین اهمیت و شماره (۱۰) نشان‌دهنده کمترین اهمیت در مقایسه با گزینه‌های دیگر است.

تعداد	نام صنایع موثر در کاهش بیکاری	درجه بندی (از ۱ تا ۱۰)	ملاحظات
۱	ذوب آهن		
۲	نساجی		
۳	قالین بافی		
۴	پروسس میوه خشک		
۵	صنایع چوبی و تولید لوازم خانه گی		
۶	مواد غذایی (خوراکی و نوشیدنی)		
۷	تولید و پروسس لبنیات		
۸	تاسیس سردخانه		
۹	سمنت و گچ		
۱۰	تولید لباس		

سوال ششم: چالش‌های عمده‌ی سکتور صنایع در هرات را درجه بندی نمایید.

نوت: شماره (۱) نشان‌دهنده‌ی بیشترین اهمیت و شماره (۱۲) نشان‌دهنده‌ی کمترین اهمیت در مقایسه با گزینه‌های دیگر است.

تعداد	چالش‌ها	درجه بندی (از ۱ تا ۱۲)	ملاحظات
۱	نبود امنیت مالی و جانی سرمایه‌گذاران		
۲	عدم ثبات سیاسی، اقتصادی و حکومتداری خوب		
۳	قاچاق اجناس مشابه تولید داخلی		
۴	نبود تعرفه‌های حمایتی و بلند بودن محصول گمرکی مواد خام		
۵	بلند بودن قیمت برق و آب صنعتی و کمبود انرژی		
۶	فرار مغزها و پائین بودن ظرفیت‌های انسانی		
۷	نبود زیر بناهای اقتصادی، حقوقی و اجتماعی		
۸	موجودیت فساد اداری		
۹	نبود سبب‌ایندی و پالیسی‌های تشویقی و حمایتی صنعتگران		
۱۰	عدم موجودیت شبکه مالی و قرضه دهی با نرخ ریج مناسب		
۱۱	رقابت ناسالم خارجی و ورود اجناس بی کیفیت خارجی		
۱۲	مشکلات ترانسپورتنی و ترانزیتی		